

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۵ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۳ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

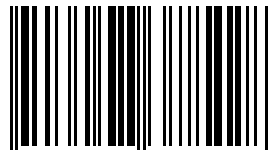
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۴/۲۵

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW) (اعاده‌شده از شورای نگهبان)
- ۳) طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۹۰) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (اعاده‌شده از شورای نگهبان)
- ۴) طرح بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت می‌نمایند
- ۵) طرح استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن
- ۶) اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم و اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار
- ۷) طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW) «می‌دانید که این مصوبه را مجلس یک‌بار به شورای نگهبان فرستاده بود، اما چون ضمائم که باید می‌داشت را نداشت، ما گفتیم که آن ضمائم را هم برای ما بفرستند.»^۲

آقای جنتی - یعنی الآن پیوست‌های این مصوبه آمده است؟

آقای علیزاده - بله، همه‌ی آن پیوست‌ها آمده است. حالا نمی‌دانم این پیوست‌ها اصلاً به تصویب مجلس هم رسیده است یا نه؟

آقای ره‌پیک - بله دیگر.

آقای علیزاده - بله، ما هم این پیوست‌ها را ندیدیم؛ لذا گفتیم آن پیوست‌ها را حتماً خدمت آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی قم هم بدهند تا آنها این پیوست‌ها را ببینند و اگر اشکال شرعی دارد، بگویند. همچنین آقایان اعضای مجمع مشورتی حقوقی هم آن پیوست‌ها را ببینند تا اگر اشکال قانون اساسی یا چیزی به نظرشان می‌رسد، بگویند.

آقای ره‌پیک - بسم الله الرحمن الرحیم. من درباره‌ی اشکال این

۱. لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW) در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۷ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۹۵/۱۶۷۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر ابهام در این مصوبه را به دلیل عدم ارسال پیوست‌های آن به شورا را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۷۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با ارسال مجدد مصوبه همراه با پیوست‌های آن طی نامه‌ی شماره ۱۹۵/۲۴۷۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۷۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان: «از آنجا که متن قطعنامه‌های شماره (۱) و (۲) کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان مصوب ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، بنابراین اظهار نظر در خصوص مورد ممکن نبوده، مقرر فرمایید متون مذکور ارسال تا اظهار نظر شود.»

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای علیزاده - بسم الله الرحمن الرحیم. با آرزوی قبولی طاعات و عبادات همه‌ی آقایان و سروران عزیز و برخورداری از برکات شب قدر. ان‌شاءالله امشب همه‌ی آقایان برای سلامتی همدیگر دعا کنیم و همه‌ی مریض‌ها را دعا کنیم و از خداوند بخواهیم که به همه سلامتی بدهد ان‌شاءالله. خداوند ان‌شاءالله طاعات و عبادات همه را قبول کند و آنچه به نظر خودش خوب است برای ما مقرر بکند ان‌شاءالله.

لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰

(۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی

استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و

نگهبانی دریانوردان (STCW)

(اعاده‌شده از شورای نگهبان)

آقای علیزاده - «لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ

لایحه یک توضیحی بدهم. این لایحه در مرحله‌ی قبل در جلسه‌ی شورای نگهبان مطرح شده بود. موضوعش هم این است که دو تا قطعنامه برای آن کنوانسیون مورد نظر تصویب شده است. چون متن آن قطعنامه‌ها در اصل مصوبه نیامده بود، به آن مصوبه اشکال گرفته شد. متن قطعنامه‌ها برای شورای نگهبان ارسال نشده بود. الآن کاری که مجلس کرده این است که قطعنامه‌ها را در متن مصوبه آورده است و رئیس مجلس هم زیر آن را امضا کرده است. بعد از آن هم، ضمیمه‌های این مصوبه آمده است. این ضمیمه‌ها (۳۰۰) صفحه است که من خودم یک ساعت و نیم وقت گذاشتم و آنها را تورتق کردم. مجمع مشورتی حقوقی هم این ضمیمه‌ها را دقیق دیده است.

آقای مدرس‌ی یزدی - دقیق دیده است؟

آقای ره‌پیک - بله، یعنی آنها را خوانده‌اند. عمده‌ی بحث، مربوط به همان دو قطعنامه است. اصل این دو قطعنامه درباره‌ی شرایط دادن گواهی آموزشی برای دریانوردان و نگهبانان کشتی و افسران دریانوردی و امثال اینها است. شرایط آموزشی داشته باشند؛ مثل اینکه تحصیلات حرفه‌ای داشته باشند و نحوه‌ی استفاده از قطب‌نما را بلد باشند و بتوانند اطفاء حریق کنند و... کل این ضمائیم (۳۰۰) صفحه‌ای، شرایط مختلف و استانداردهای آموزشی را برای رده‌های مختلف ذکر کرده است.

آقای مدرس‌ی یزدی - این ضمائیم به صورت ترجمه است یا اصل است؟

آقای ره‌پیک - این (۳۰۰) صفحه، ترجمه است که در واقع ضمیمه‌ی مصوبه‌ی مجلس است.

آقای اسماعیلی - این ضمائیم در سربرگ مجلس آمده است.

آقای ره‌پیک - بله، در مطالعه‌ای که دوستان اعضای مجمع مشورتی حقوقی انجام داده‌اند، فقط در آن بخش نگهبانی‌اش که دو یا سه تا استاندارد در مورد مصرف الکل برای نگهبانان آورده بود نکته‌ای دارد؛ مثلاً می‌گوید نگهبانان چهار ساعت قبل از نگهبانی الکل مصرف نکرده باشند و درصد الکی که در خونشان است، چقدر باشد. آنچه ما مطالعه کردیم، به جز این دو مورد که ممکن است شبهه‌ی خلاف شرع داشته باشد، بقیه‌ی ضمائیم اشکالی ندارد.^۱ در این گزارش، چند مورد تذکر

۱. «قطعنامه‌های مذکور علاوه بر تأملات شرعی، از لحاظ ترجمه و نگارش واجد ایرادات متعددی است که برخی از ایرادات به شرح ذیل بیان می‌گردد:

شکلی هم راجع به این مصوبه، داده شده است.^۲

آقای جنتی - مجمع مشورتی فقهی هم در مورد این قضیه‌ی الکل ایراد گرفته است. به اینکه شخص از شش ماه جلوتر مشروب مصرف نکرده باشد و این‌طور مفهوم‌ها ایراد گرفته



۱. در بند (۸) بخش ب- ۸/۱ (راهنمای مربوط به برخورداری از قابلیت به منظور انجام وظیفه) فصل هشتم (راهنمای مربوط به عهده‌دار شدن نگهبانی) قسمت (ب) (راهنمای توصیه‌شده در مورد مفاد کنوانسیون اس تی سی دبلیو و ضمیمه آن) ضمیمه قطعنامه شماره (۲) و در ذیل عنوان «جلوگیری از سوء مصرف مواد مخدر و الکل» (صفحه ۲۹۴)، چنین مقرر شده است که «بهرتر است شرکت‌ها، به اجرای سیاست‌های واضح و مکتوب، به منظور جلوگیری از سوء مصرف الکل و مواد مخدر توجه داشته باشند؛ از جمله ممنوعیت مصرف الکل در محدوده زمانی چهار ساعت قبل از خدمت خدمه، به عنوان اعضای نگهبانی، که یا در سامانه مدیریت کیفیت شرکت درج شده است و یا با ارائه اطلاعات مکفی و دستورالعمل، به دریانوردان ابلاغ می‌شود.» از آنجا که از عبارت «ممنوعیت مصرف الکل در محدوده زمانی چهار ساعت قبل از خدمت خدمه، به عنوان اعضای نگهبانی» چنین برداشت می‌شود که در سایر ساعات و شرایط، مصرف الکل مجاز است، حکم این بند در این حدود شبیه مغایر با شرع دارد. به علاوه در بند (۱۰) بخش الف- ۸/۱ (سلامت برای انجام وظیفه) فصل هشتم (استانداردهای مربوط به نگهبانی) قسمت (الف) (استانداردهای اجباری در مورد مفاد ضمیمه کنوانسیون اس تی سی دبلیو) ضمیمه قطعنامه شماره (۲) (صفحه ۱۹۱) چنین مقرر شده است که «هر مرجع دریایی، می‌تواند به منظور جلوگیری از سوء استفاده از الکل، حدی برابر با حداکثر (۰,۰۵) (درصد میزان الکل در خون (بی ای سی) یا مقدار (۰,۲۵) میلی‌گرم در لیتر الکل در بازدم، و یا مقداری از الکل که بتواند به ایجاد چنین غلظتی از الکل منجر شود، را برای فرماندهان، افسران و سایر دریانوردان در حین اجرای وظایف تعیین شده ایمنی، امنیتی و محیط زیستی تعیین نماید.» از آنجا که حکم این بند به طور ضمنی مصرف الکل در پایین‌تر از حد تعیین شده را مجاز می‌شمارد، حکم این بند نیز در این حدود شبیه مغایر با شرع دارد. همچنین از آنجا که در بند (۲) مقرر ۸/۱ (سلامت برای انجام وظیفه) فصل هشتم (نگهبانی) ضمیمه قطعنامه شماره (۱) (صفحه ۲۸) با عبارت «هر مرجع دریایی باید به منظور جلوگیری از سوء استفاده از داروها و الکل، اطمینان حاصل نماید که تدابیر مقتضی طبق الزامات بخش الف- ۸/۱ [قسمت (الف) ضمیمه قطعنامه شماره (۲)] و ضمن توجه کافی به راهنمای بخش (ب)- ۱/۸ آیین‌نامه اس تی سی دبلیو [قسمت (ب) ضمیمه قطعنامه شماره (۲)] اتخاذ شده است»، بر اجرای احکام مورد اشاره در بالا تأکید شده است، این بند هم مبنیاً بر ایراد قبل، در همان حدود شبیه مغایرت با شرع دارد. ... نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ صص ۱-۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/vEAV7

۲. در این خصوص بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ صص ۳-۵، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/vEAV7



آقای مدرسی یزدی - می‌گویند آنهایی که الکل مصرف می‌کنند، این‌طوری مصرف کنند.

آقای یزدی - اینکه از شش ساعت قبل الکل نخورده باشند، معنایش این است که اگر قبلش خورده باشند بلااشکال است. روشن است دیگر. این معنا را هم نمی‌دهد؟

آقای جنتی - این یک چنین مفهومی ندارد.

آقای یزدی - عجب! یعنی از این عبارت فهمیده نمی‌شود که اگر خدمه، شش ساعت قبل، الکل بخورند ایرادی ندارد؟!

آقای ابراهیمیان - جنس این الزام از چیست؟ یعنی در قطعنامه نوشته شده است؟ این مطلب در مقدمه آمده است، تعهدنامه است، چیست؟

آقای جنتی - نه، عبارت در این باره ساکت است که خدمه قبل از شش ماه الکل خورده باشند یا نخورده باشند. ما کاری به قبل از شش ماه نداریم؛ ما به بعدش کار داریم.

آقای علیزاده - «چهار ساعت».

آقای شب‌زنده‌دار - خوب است که همان چند عبارت را بخوانیم.

آقای ابراهیمیان - خب، این قطعنامه‌ها در جاهای دیگر هم هست.

آقای شب‌زنده‌دار - البته مجمع مشورتی حقوقی اشکالش را گفته است. حالا قبل و بعدش را نمی‌دانم.

آقای مدرسی یزدی - چرا، عبارتش را هم می‌خوانیم. ولی واقعاً خیلی از این مجمع تشکر می‌کنیم که این زحمت را کشیده است. واقعاً جای تشکر فراوان از این مجمع هست. خدا آقای ره‌پیک را خیلی خیر بدهد.

آقای یزدی - بله، خیلی دقت کرده‌اند.

آقای جنتی - بله، واقعاً جای تشکر دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، این دقت‌ها خوب است، حالا ما هم تشکر می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - آنها کارشان را می‌کنند؛ شما هم هر چه تشخیص دادید، عمل بکنید.

آقای یزدی - من خدمت ایشان گفتم که مسئله در مورد این تذکراتی که داده شده است، روشن است. به نظر من این اشکال شرعی وارد است و این بند (۸) قطعنامه، مفهوم دارد.

آقای ره‌پیک - ولی واقعاً متن قطعنامه‌ها به جز این جداول و استانداردهای آموزشی و حرفه‌ای و مانند اینها هیچ مطلب واجد

است، با این استدلال که معلوم می‌شود اینها در موارد دیگر می‌توانند الکل مصرف کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - این ایراد مربوط به مجمع مشورتی فقهی نیست؛ چون مجمع برای بررسی این مصوبه جلسه‌ای برگزار نکرده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، این ایراد مربوط به این مجمع نیست. این مجمع این اشکال را نگرفته است.

آقای علیزاده - مجمع مشورتی قم، اصلاً نظرش را نفرستاده است.

آقای جنتی - بله، ببخشید.

آقای ره‌پیک - حالا مجمع مشورتی حقوقی هم این موضوع را به عنوان شبهه مطرح کرده است که اگر آقایان فقهی چنین تشخیص دادند، ایراد بگیرند. در بقیه‌ی مفاد قطعنامه‌ها ایرادی نیست.

آقای مدرسی یزدی - همین تذکر آنها خوب بوده است.

آقای ره‌پیک - حالا اگر آقایان می‌خواهند، (۳۰۰) صفحه را بخوانند.

آقای مدرسی یزدی - بخوانیم.

آقای یزدی - آن موضوع الکل، اشکال دارد؛ پیدا است که اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، چه اشکالی دارد؟ گفته است مصرف الکل به این مقدار نباشد؛ نگفته است که خدمه، الکل بخورند.

آقای یزدی - نه، می‌گویند که خدمه باید از چهار ساعت قبل الکل نخورده باشند؛^۱ یعنی اگر قبلش خورده باشند بلااشکال است.

آقای ابراهیمیان - مفهوم ندارد؛ هر جایی که الکل موضوع پیدا کرده است، این محدودیت‌ها را گذاشته است.

۱. بند (۸) بخش ب-۸/۱ (راهنمای مربوط به برخورداری از قابلیت به‌منظور انجام وظیفه)، فصل هشتم (راهنمای مربوط به عهده‌دار شدن نگهبانی) قطعنامه (۲) اصلاحات مانیل در مورد آیین‌نامه‌ی آموزش، صدور گواهینامه و نگهبانی دریانوردان (اس تی سی دبلیو)، ذیل عنوان جلوگیری از سوء مصرف مواد مخدر و الکل: «۸- بهتر است شرکت‌ها به اجرای سیاست‌های واضح و مکتوب به منظور جلوگیری از سوء مصرف الکل و مواد مخدر توجه داشته باشند؛ از جمله ممنوعیت مصرف الکل در محدوده زمانی چهار ساعت قبل از خدمت خدمه به‌عنوان اعضای نگهبانی که یا در سامانه‌ی مدیریت کیفیت شرکت درج شده است و یا با ارائه اطلاعات مکفی و دستورالعمل به دریانوردان ابلاغ می‌شود.»

آقای علیزاده - عبارت مصوبه را بخوانید. اگر شما از جهت شرعی ایرادی بگیرید، ما قبول می‌کنیم؛ ما حرفی نداریم.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً این مطلب راجع به خوردن و نخوردن الکل نیست، بلکه این می‌گوید نشستن پشت فرمان شرطش این است که [خدمه از چهار ساعت قبل الکل نخورده باشد]. راجع به خوردن و نخوردن الکل، نمی‌گوید که بخور یا نخور تا خلاف شرع پیش بیاید. این حرف یعنی چه؟

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - در این باره، نصی ندارد.

آقای شبزنده‌دار - بله، مفهوم ندارد؛ چون این عبارت می‌گوید برای رانندگی چنین شرطی وجود دارد.

آقای جنتی - بالاخره این ایراد شرعی، رأی ندارد. حالا من و ایشان [= آقای یزدی] که با این عبارت موافق نیستیم، اما اگر آقایان فقهای موافق با این ایراد سه تا هم باشند، باز کافی نیست؛ چون ما برای ایراد شرعی، چهار تا رأی می‌خواهیم.

آقای علیزاده - حاج آقای جنتی، ما در مورد این حرفی نداریم. فقط حرف من این است که می‌گویم آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی، هنوز متن این قطعنامه‌ها را ندیده‌اند. اگر این آقایان متن را دیده باشند، درست است؛ چون ما این قدر به آنها اطمینان داریم. لذا نامه‌ای به مجلس بنویسید و در مورد این مصوبه استمهال بکنید.^۱

طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۹۰) قانون مقررات استخدای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۹۰) قانون
مقررات استخدای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»^۲ (اعاده شده از

ایراد دیگری ندارد. حالا آن دو نکته هم در حد شبهه است.

آقای یزدی - مجمع مشورتی حقوقی قطعنامه‌ها را دیده است. یکی دو تا اشاره هم کرده است. هفت هشت تا تذکر هم نسبت به متن این قطعنامه‌ها داده است؛ اگر اشکال آنها را وارد نمی‌دانید، [از اینها بگذریم].

آقای ابراهیمیان - الآن این موضوع برای من سؤال است که این قطعنامه مربوط به کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزشی است که ایران هم به این کنوانسیون پیوسته است. آن وقت، احتمالاً این قطعنامه‌ها در راستای اجرای آن کنوانسیون تصویب شده است. طبیعتاً خود آن کنوانسیون باید به «قانون» تبدیل بشود. حالا آیا قطعنامه‌ای که موضوع کنوانسیون است اگر به موجب خود کنوانسیون لازم‌الاجرا باشد، دیگر نیاز به تصویب ندارد؟ شما یک‌بار این موضوع را پذیرفته‌اید. اگر این قطعنامه خودش یک قرارداد بین‌المللی باشد نیاز به تصویب مجلس دارد، ولی اصلاً خود قطعنامه در عنوان مقاوله و عهدنامه و قرارداد و اینها نمی‌گنجد؛ چون درباره‌ی قطعنامه رأی می‌گیرند و ممکن است ایران به آن قطعنامه رأی منفی بدهد.

آقای ره‌پیک - الآن این قطعنامه‌ها قانون شده است دیگر.

آقای علیزاده - بله، می‌شود. با این همه چون آقایان اعضای مجمع مشورتی حقوقی اشکالی به این مصوبه ندارند و فقط چند تا تذکر دارند، اگر شما ایرادی مدّ نظر دارید، بفرمایید.

آقای یزدی - در اینجا به طور رسمی نوشته است که از چهار ساعت قبل [الکل مصرف نشود]؛ یعنی یکی از قیودش این است که چهار ساعت از مصرف الکل گذشته باشد. معنای این مطلب این است که خدمه معمولاً الکل می‌خورند و این موضوع بلااشکال است؛ منتها آنها تا چهار ساعت بعد از مصرف الکل، نباید پشت این وسیله بنشینند. به هر حال، اگر می‌فرمایید که این عبارت، این مفهوم را ندارد، خیلی خب اشکالی ندارد، رد شویم.

آقای علیزاده - تشخیص ایراد شرعی، با شما است.

آقای یزدی - آقایان می‌گویند که این عبارت مفهوم ندارد.

آقای جنتی - عبارت این مصوبه، نسبت به قبل از چهار ساعت دو حالت دارد: یک حالت این است که بگوییم اصلاً در این‌باره ساکت است. می‌شود چنین برداشتی هم از این مصوبه داشته باشیم و بگوییم که قطعنامه نمی‌خواهد بگوید که حتماً خدمه، الکل بخورند. این شرط در آن نیست؛ گفته است که خدمه در این چهار ساعت حتماً الکل نخورند. نسبت به آن قبل از چهار ساعت ساکت است.

۱. نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۹۵/۲۴۷۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۵، لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهداری دریانوردان (STCW) مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی، به لحاظ عدم فرصت رسیدگی، بدین وسیله استمهال می‌گردد.»

۲. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان ادامه یافته است.

۳. ماده (۱۹۰) قانون مقررات استخدای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۹۰- پرداخت حقوق ماهیانه مستمری‌بگیران شهداء و مفقودین این قانون به عهده بنیاد شهید

شورای نگهبان»^۱

آقای علیزاده - ما به این مصوبه هم ایراد گرفته بودیم؛ این طرح، مجدداً به مجلس رفت و مجلس آن را اصلاح کرده است.

آقای رهپیک - درست نشده است، چطور درست شده است؟

آقای علیزاده - چرا، مجلس عبارت را درست کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهراً [درست شده است].

آقای رهپیک - با این مصوبه چه کار کرده‌اند؟

آقای علیزاده - عبارت «لازم‌الاجرا شدن» در بند (ب) را حذف کرده‌اند دیگر.

آقای رهپیک - نه، از نظر ماهیت چه کار کرده‌اند؟

آقای علیزاده - حالا بخوانیم تا ببینیم.

آقای رهپیک - بله، مجلس یک کاری کرده است، ولی کافی نیست.

آقای سوادکوهی - بله، اشکال دارد.

آقای جنتی - چرا؟

منشی جلسه - ایراد [شورای نگهبان در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۹۰۵۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ به مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ مجلس] این بوده است: «از آنجا که در بند (ب) عبارت «لازم‌الاجرا شدن» در خصوص اختیار مذکور در تبصره^۲.

ایجاد ابهام می‌نماید، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.» مجلس به این ترتیب مصوبه‌ی خود را اصلاح کرده است: «در بند (ب) ماده واحده عبارت «لازم‌الاجرا شدن» حذف و عبارت «تصویب» جایگزین شد.»

آقای علیزاده - بند (ب) سابق می‌گوید: «ب- آیین‌نامه اجرایی این ماده واحده توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.» **آقای رهپیک** - خب، اشکال چه بوده است؟

آقای مدرسی یزدی - اشکال این بوده است که مجلس در مصوبه‌ی قبلی گفته بود که آیین‌نامه‌ی اجرایی این ماده واحده از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه می‌شود؛ حالا آن عبارت «لازم‌الاجراء شدن» را به «تصویب» تبدیل کرده است. بنابراین، اشکال رفع شده است.

آقای علیزاده - بله، اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - نه، اشکال همین بود. ما [= مجمع مشورتی حقوقی] قسمتی از مشروح مذاکرات در مورد مصوبه‌ی سابق مجلس را هم در گزارش کارشناسی نقل کرده‌ایم.^۳ **آقای مدرسی یزدی** - بله، شما مذاکرات را نقل کرده‌اید.

→

انقلاب اسلامی و پرداخت حقوق ماهیانه جانبازان غیر شاغل به عهده بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی می‌باشد»

۱. طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۹۰) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۸/۵۷۷۳۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تاکنون در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۶ و ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ و در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر ابهام این مصوبه را طی نامه‌های شماره ۹۱/۳۰/۴۹۰۵۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ و شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده واحده طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۹۰) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۹۱/۹/۲۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده-

الف- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۱۹۰) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ الحاق می‌شود:

تبصره- اجرای این ماده مانع پرداخت‌های مندرج در مواد (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ و

←

→

(۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ به جانبازان بسیجی، داوطلب و سرباز جانباز سپاهی نمی‌باشد. دولت می‌تواند به جانبازان بسیجی، داوطلب و سرباز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همانند جانبازان ارتش به تدریج و بر مبنای اولویت درصد جانبازی، از کارافتادگی و اعسار با تأمین بار مالی آن در بودجه سنواتی از سال ۱۳۹۲ و بعد از آن از طریق سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، حقوق پرداخت نماید.

ب-»

۳. «... با توجه به مشروح مذاکرات شورای نگهبان در جریان بررسی این مصوبه، نظر به اینکه در خصوص الزام دولت و یا اختیار او نسبت به اجرایی کردن این قانون بین اعضای شورای نگهبان اختلاف نظر وجود داشت، یکی از اعضا با بیان این عبارت که: «بگویم عبارت «لازم‌الاجرا» در ذیل بند (ب) با «می‌تواند» در صدر تبصره، ایجاد ابهام کرده است. آیا «می‌تواند» یعنی در اختیار دولت است یا نه؟ تلاش کرد تا تعیین تکلیف در این خصوص را به رفع ابهام مجلس موکول نماید. در تأیید این نظر نیز یکی دیگر از اعضا این‌گونه بیان نمود که: «ما الآن می‌نویسیم که اگر چه در تبصره عبارت «می‌تواند» آمده، ولی با توجه به عبارت «لازم‌الاجرا شدن» در ذیل بند (ب)، منوط کردن تصمیم به لازم‌الاجرا شدن، ایجاد ابهام الزام می‌کند.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴،

ص ۷، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/x7EXT

به معنای این نیست که [اجرای آن قانون الزام است].

آقای علیزاده - این بحث نبوده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، بحث [این نبوده است که این مصوبه] لازم‌الاجرا بشود؛ بحث این بوده است که قانون بدون تهیهی آیین‌نامه چگونه لازم‌الاجرا بشود؛ [یعنی بدون آیین‌نامه، اجرایی شدن قانون] راهی ندارد.

آقای ابراهیمیان - خب، اگر این‌طور باشد که الآن مصوبه درست شده است و این موضوع، بحث دیگری دارد.

آقای علیزاده - الآن ببینید؛ این بند (ب) نوشته بود که آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه می‌شود. ما گفتیم این نحوه‌ی بیان در خصوص اختیار اشکال دارد. حالا مجلس آمده است و چه کار کرده است؟ گفته است این آیین‌نامه ظرف سه ماه از تصویب این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. این بیان، دیگر تعارضی با متن تبصره ندارد. متن قبلی بند (ب)، عبارت «لازم‌الاجرا شدن» را آورده بود؛ ما گفتیم شما در تبصره‌ی الحاقی، برای دولت اختیار گذاشته‌اید؛ این تبصره لازم‌الاجرائیست؛ اما الآن مجلس آمده است و گفته است که این مصوبه آیین‌نامه‌ی اجرایی می‌خواهد؛ آیین‌نامه‌ی اجرایی‌اش را هم باید ظرف سه ماه از تصویب این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

آقای ابراهیمیان - اگر اشکال این بوده است، که واقعاً اشکال غلطی بوده است.

آقای علیزاده - نه، اشکال غلطی نبوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - معنای این تعبیر «لازم‌الاجرا شدن»، همان «مصوب بودن» است.

آقای رهپیک - نه، در مورد مصوبه‌ی سابق مجلس بحث ماهوی مطرح بود. بحث این بود که کلمه‌ی «می‌تواند»، گاهی اوقات معنای اختیار می‌دهد و گاهی وقت‌ها هم به‌قرینه معنی الزام می‌دهد؛ یعنی صلاحیت دارد [که چنین کاری بکند]. الآن شما بگویید که «می‌تواند»، یعنی اختیار دارد؛ آن‌وقت باید برای آن چیزی هم که دولت در آن اختیار دارد، بروند و آیین‌نامه بنویسند.

آقای علیزاده - مانعی ندارد، بنویسند.

آقای رهپیک - این چه قانون‌گذاری است؟!

آقای هاشمی شاهرودی - چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - این هم، نوعی از آیین‌نامه است.

آقای رهپیک - تبصره می‌گوید که دولت اختیار دارد؛ می‌تواند

آقای رهپیک - اشکال شورای نگهبان این بود که در متن تبصره گفته شده بود که دولت می‌تواند چنین کاری بکند، ولی بعد در انتها گفته شده بود آیین‌نامه‌ی اجرایی این ماده واحده از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه می‌شود.

آقای علیزاده - خب، مجلس قید «لازم‌الاجراء شدن» را برداشته است دیگر.

آقای رهپیک - [در جلسه‌ی قبل] گفتید که آیا کلمه‌ی «می‌تواند» معنای اختیار می‌دهد یا نه؟ اگر معنای اختیار می‌دهد، پس قید «لازم‌الاجرا شدن» چه نسبتی با آن دارد؛ لذا ما باید به این قید ابهام بگیریم؛ یعنی اشکال این نبود که خود کلمه‌ی «لازم‌الاجرا» اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، آن اشکال هم رفع شد.

آقای علیزاده - حالا ببینید؛ آیین‌نامه‌ی این مصوبه که سه سال تصویب می‌شود. در آیین‌نامه، ذکر می‌شود که دولت اختیار دارد دیگر.

آقای رهپیک - اشکال، مبنی بر متن بود که اگر متن الزام دارد، پس معنی کلمه‌ی «می‌تواند» اختیار است یا الزام؟

آقای هاشمی شاهرودی - حالا اگر اختیار دولت هم مقصود مجلس باشد، [منظور این است] که آیین‌نامه‌ی اجرایی بعد از سه ماه از تصویب این قانون نوشته شود. هر چه که تصویب شده است، اگر اختیار [دولت هم باشد، آیین‌نامه‌ی همان نوشته می‌شود].

آقای ابراهیمیان - این مصوبه، اشکال دارد.

آقای علیزاده - اگر این مصوبه می‌خواهد دولت اختیار داشته باشد، همان اختیاری را که دولت دارد، آیین‌نامه‌ی اجرایی آن باید ظرف سه ماه تصویب شود.

آقای رهپیک - شبهه‌ی اصلی این بود که این مصوبه می‌تواند بار مالی داشته باشد که این هم مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است. بحث این بود، بحث سر همین صورت گرفت.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره هم جواب داده است که دولت می‌تواند، نه اینکه دولت مکلف است.

آقای ابراهیمیان - حتی قانونی که جواز و اختیار به دولت می‌دهد، هم لازم‌الاجرا شدن و هم تصویب در مورد آن قانون مصداق دارد. اصلاً خود اشکال هم اشکال داشت. حتی قانونی که می‌گوید شما اختیار دارید این کار را بکنید، هم لازم‌الاجرا خواهد شد؛ یعنی بعد از طی مهلت‌های قانونی انتشار، زمان استفاده از آن اختیار شروع می‌شود. این یعنی لازم‌الاجرا شدن

آقای علیزاده - سه رأی شد.

آقای رهپیک - این مصوبه، یک اشکال دیگر هم دارد.

آقای سوادکوهی - این پرداخت حقوق از سال ۱۳۹۲ هم دارای ایراد است.

آقای علیزاده - آن را هم مطرح می‌کنیم.

آقای رهپیک - سابقه‌ی این مصوبه این‌طور بوده است که در سال ۱۳۹۱ به شورای نگهبان آمد. آن‌موقع مجلس گفت که از سال ۱۳۹۲ و بعد از آن، تأمین بار مالی در بودجه‌ی سنواتی پیش‌بینی گردد. الآن که مجلس این مصوبه را بعد دو سال اصلاح کرده است، متن تبصره را دست نزده است. در متن تبصره آمده است از سال ۱۳۹۲ و بعد از آن در بودجه سنواتی تأمین بار مالی شود. خوب، این هم اشکال دارد. مجلس باید این را اصلاح بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - شما این نکته را تذکر بدهید.

آقای علیزاده - نه، چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - این یعنی چه؟ یعنی مقصود این است که حکم مصوبه به سال ۱۳۹۲ هم تسری پیدا کند؟ اگر این موضوع در قانون بیاید، معنایش این است که قانون‌گذار عطف به ماسبق کرده است.

آقای مدرسی یزدی - خوب، تسری پیدا کند.

آقای رهپیک - خوب، شاید دولت نمی‌خواهد چنین کاری بکند؛ چون بودجه تمام شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - یک تذکر بدهید که مجلس مصوبه را اصلاح کند.

آقای رهپیک - مجلس باید مصوبه را درست کند. این مطلب معلوم بوده است؛ درباره‌ی آن صحبت شده بوده؛ ولی مجلس به این نکته بی‌توجهی کرده است. در این صورت، دولت باید بودجه‌ی اجرای این مصوبه برای سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۲ را هم تأمین کند.

آقای علیزاده - این مصوبه اشکالی ندارد. الآن می‌گوییم که چرا این مصوبه اشکالی ندارد. مجلس به دولت اختیار داده است که از سال ۱۳۹۲ برای اینها [= جانبازان بسیجی، داوطلب و سرباز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی] این کار را بکند. این چه اشکالی دارد؟ اگر دولت نمی‌خواهد [این مصوبه را برای سال ۱۳۹۲ اجرا کند، اجرا] نمی‌کند.

آقای سوادکوهی - آخر، مهلت اجرای این مصوبه برای سال ۱۳۹۲ گذشته است.

آیین‌نامه‌ی اجرایی مصوبه را بنویسد، می‌تواند ننویسد. الآن هم می‌تواند آیین‌نامه‌اش را بنویسد.

آقای علیزاده - این مصوبه نگفته است که دولت اختیار دارد آیین‌نامه بنویسد یا ننویسد ...

آقای رهپیک - نه، دولت در اصل اجرای این مصوبه اختیار دارد.

آقای علیزاده - ... دولت اختیار دارد قانون را اجرا بکند یا نکند. همین قانونی که تخییر در اجرای آن است، آیین‌نامه می‌خواهد. اگر خود دولت خواست، آیین‌نامه‌ی آن را می‌نویسد.

آقای رهپیک - خوب، از این به بعد برای همه‌ی بودجه‌های سنواتی بنویسند که دولت اختیار دارد؛ یعنی می‌تواند [آیین‌نامه] بنویسد، می‌تواند ننویسد. این‌طور که نمی‌شود.

آقای علیزاده - دولت آیین‌نامه‌ی قانون را می‌نویسد؛ ولی عمل نمی‌کند. هر وقت خواست، به آیین‌نامه عمل کند.

آقای رهپیک - بحث ایجاد بار مالی مطرح بود.

آقای علیزاده - آیین‌نامه که از قانون بالاتر نیست. مجلس درباره‌ی خود قانون گفته است که اختیار دارید آن را اجرا کنید. اگر هیئت وزیران آیین‌نامه را تصویب کرد، مجلس هم به دولت اختیار داده است؛ هر وقت با اختیارش در مورد قانون می‌خواهد آن قانون را اعمال کند، مطابق همین آیین‌نامه اعمال می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - حرف شما درست است؛ من هم قبول دارم؛ ولی ایشان [= آقای رهپیک] می‌خواهند بفرمایند که ذیل ماده واحده، قرینه [بر داشته بار مالی] است.

آقای رهپیک - بله، معنای این کلمه‌ی «می‌تواند»، ایجاد بار مالی است.

آقای علیزاده - نه، با توجه به اینکه مجلس قید «لازم‌الاجرا شدن» را برداشته است، دیگر قرینه نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - تازه قید «لازم‌الاجرا بودن» ابهام داشت، [نه ایراد قطعی].

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند این مصوبه، با این اصلاح به عمل آمده کماکان ابهام دارد، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای اسماعیلی - نه، ابهام ندارد؛ اشکال دارد.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند این اصلاح موجب اشکال شده است، رأی بدهند. اگر می‌فرمایید که اشکال مغایرت با هر

اصلی از اصول قانون اساسی دارد، بفرمایید.

آقای سوادکوهی - این مصوبه، اشکال دارد.

آقای علیزاده - مهلتش بگذرد؛ مگر نمی‌شود پرداخت را عطف به ماسبق کرد؟

آقای سوادکوهی - می‌شود؛ ولی ...

آقای علیزاده - مجلس به دولت اختیار داده است. «تبصره - اجرای این ماده مانع پرداخت‌های مندرج در مواد (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ و (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ به جانبازان بسیجی، داوطلب و سرباز جانباز سپاهی نمی‌باشد. دولت می‌تواند به جانبازان بسیجی، داوطلب و سرباز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همانند جانبازان ارتش به تدریج و بر مبنای اولویت درصد جانبازی، از کارافتادگی و اعسار با تأمین بار مالی آن در بودجه سنواتی از سال ۱۳۹۲ و بعد از آن از طریق سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح حقوق پرداخت نماید.»

آقای مدرس یزدی - تبصره گفته است به تدریج این کار انجام شود.

آقای علیزاده - بله، این تبصره نگفته است که دولت بیاید بار

۱. ماده (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷۱ - حقوق بازنشستگی، حقوق وظیفه و حقوق مستمری عبارت است از وجوهی که حسب مورد به بازنشستگان، جانبازان، معلولین و عائله تحت تکفل پرسنل شهید یا متوفی برابر مقررات مربوط از صندوق بازنشستگی سپاه به طور ماهانه پرداخت می‌گردد.

تبصره - (الحاقی ۱۳۸۷/۲/۱۸) هرگاه مستمری‌بگیر بازنشسته یا از کارافتاده به مدت شش ماه مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی کلی خود را مطالبه ننماید، بازماندگان واجد شرایط وی حق دارند موقتاً مستمری و یا حقوق وظیفه قانونی خود را تقاضا و دریافت کنند. در صورتی که معلوم شود شخص مذکور در حال حیات است وضع مستمری او به حالت اول اعاده می‌گردد. بازنشستگان کلیه صندوق‌های بازنشستگی کشور نیز مشمول این تبصره خواهند بود.»

۲. ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۰۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۳ - حقوق بازنشستگی، حقوق وظیفه عبارت است از وجوهی که حسب مورد به بازنشستگان، جانبازان، معلولین و عائله تحت تکفل پرسنل شهید یا متوفی برابر مقررات مربوط از صندوق بازنشستگی ارتش به طور ماهانه پرداخت می‌گردد.

تبصره - (الحاقی ۱۳۸۷/۲/۱۸) هرگاه مستمری‌بگیر بازنشسته یا از کارافتاده به مدت شش ماه مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی کلی خود را مطالبه ننماید، بازماندگان واجد شرایط وی حق دارند موقتاً مستمری و یا حقوق وظیفه قانونی خود را تقاضا و دریافت کنند. در صورتی که معلوم شود شخص مذکور در حال حیات است وضع مستمری او به حالت اول اعاده می‌گردد. بازنشستگان کلیه صندوق‌های بازنشستگی کشور نیز مشمول این تبصره خواهند بود.»

مالی اجرای این مصوبه را از بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ بگیرد که ما بگوییم اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - دولت از بودجه‌ی سنواتی سال ۱۳۹۲ تأمین بار مالی می‌کند.

آقای علیزاده - این تبصره نگفته است که دولت [هزینه‌ی پرداختی به جانبازان بسیجی، داوطلب و سرباز سپاهی را] در بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ بیاورد؛ بلکه گفته است که دولت می‌تواند این هزینه‌ها را برای سال ۱۳۹۲ هم به این افراد بدهد. این چه اشکالی دارد؟ دولت می‌گوید من این هزینه را در سال ۱۳۹۲ را نمی‌دهم؛ ولی در سال ۱۳۹۳ را می‌دهم. این اشکالی ندارد. این تبصره اشکال عبارتی هم ندارد.

آقای ره‌پیک - وقتی که این مصوبه تأیید می‌شود، موقع اجرا، [برای سال ۱۳۹۲] توقع ایجاد می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - دولت جواب می‌دهد، دیگر نمی‌توانیم بدهیم؛ چون سال ۱۳۹۲ گذشته است؛ یعنی تکویناً نمی‌توانیم بدهیم چون ردیف آن در بودجه نبوده است.

آقای ره‌پیک - همین الآن اینهایی که مخاطب هستند، از فعل «می‌تواند» الزام را می‌فهمند.

آقای ابراهیمیان - یک خورده ایراد این مصوبه مربوط به این بحث است که اصلاً [اجرای آن برای سال ۱۳۹۲] ممکن نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ممکن نیست.

آقای ابراهیمیان - چون چنین چیزی ممکن نیست. قوانینی [= قوانین بودجه] که مجلس مصوب می‌کند، اصلاً قابل تصور و ممکن نیست [که در سال‌های بعد اصلاح شود]. اشکال قانون اساسی این مصوبه چیست؟ چون آن بودجه را دیگر نمی‌شود عوض کرد؛ چون که سال ۱۳۹۲ تمام شد دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، سال ۱۳۹۲ را گفته است.

آقای ره‌پیک - بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ هم تمام شده است.

آقای ابراهیمیان - [دولت] در بودجه‌ی سنواتی ۱۳۹۲ هم دیگر نمی‌تواند این هزینه‌ها را وارد کند.

آقای علیزاده - نه، این تبصره گفته است که این حقوق را از سال ۱۳۹۲ پرداخت کنیم؛ نگفته است که از بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ [پرداخت شود].

آقای ابراهیمیان - چرا دیگر.

آقای علیزاده - نه؛ می‌گوید [دولت این هزینه‌ها را] در بودجه‌ی سنواتی ببیند و از سال ۱۳۹۲ بدهد. اگر دولت خواست، امسال معوقه را بدهید.

آقای ابراهیمیان - نه، از سال ۱۳۹۲ و بعد از آن [باید بدهد].
آقای مدرس یزدی - به هر حال، این مصوبه اشکال قانون اساسی ندارد.

آقای ابراهیمیان - یک مقداری از این قسمت مصوبه، [= پیش بینی در بودجه در سال ۱۳۹۲] لغو است.

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره گفته است: «... از سال ۱۳۹۲ و بعد از آن از طریق سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، حقوق پرداخت نمایند.»

آقای ابراهیمیان - لغو بودن هم اشکال قانون اساسی دارد. ندارد؟
آقای علیزاده - یعنی [اگر دولت نخواست، پرداخت حقوق در] سال ۱۳۹۲ را انجام نمی‌دهد.

آقای مدرس یزدی - نمی‌شود گفت که در سال ۱۳۹۳ هم این حقوق‌ها پرداخت شود.

آقای رهپیک - بودجه‌ی سنواتی سال ۱۳۹۳ هم تمام شده است. از فردا کسانی که [حقوقشان مربوط به سال‌های] ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ هستند، صف می‌کشند؛ چنین برداشتی بوده است؛ ولی دولت بگوید که ما نمی‌توانیم پرداخت کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - هنوز، ما اول ۱۳۹۳ هستیم.

آقای رهپیک - ولی تصویب قانون بودجه ۱۳۹۳ تمام شده است. بودجه‌ی سنواتی را بسته‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره می‌گوید دولت این حقوق‌ها را از بودجه‌ی سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح بدهد.

آقای علیزاده - اگر ما می‌خواهیم که به این مصوبه [ایراد] بگیریم، [درست است نیست؛ چون اجرای این مصوبه به] مصلحت است؛ ما الآن نمی‌توانیم در مورد این مصوبه حرفی بزنیم. باید قبلاً [حرفمان را] می‌زدیم.

آقای سوادکوهی - چرا؟

آقای علیزاده - آن‌زمان در مورد مصوبه‌ی سابق مجلس، ایراد ما همین مورد بود که گفتیم.

آقای رهپیک - نه، شما گفتید بعد از رفع ابهام، راجع به تبصره نظر می‌دهیم.

آقای مدرس یزدی - شما قبلاً به مصوبه‌ی مجلس ابهام گرفتید. الآن هم می‌توانید اشکال وارد کنید؛ ولو حالا این ابهام رفع شده باشد. پس موضوع معلوم شده است.

آقای رهپیک - بله، گفتیم تبصره ابهام دارد؛ بعداً نظر می‌دهیم.

آقای مدرس یزدی - نه، اشکال که می‌شود گرفت.

آقای هاشمی شاهرودی - چه اشکالی دارد؟

آقای سوادکوهی - این تبصره، ابهام دارد.

آقای مدرس یزدی - به قول ایشان، اشکال لغویت می‌شود، نه اشکال شرعی. نمی‌شود اشکال شرعی به این مصوبه گرفت. ولی می‌شود اشکال خلاف عقل بودن را گرفت؛ اما نمی‌شود اشکال شرعی گرفت.

آقای علیزاده - حالا چه ایرادی می‌خواهید بگیرید؛ بفرمایید، ما هم رأی می‌دهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌خواهید بگویید که این مصوبه خلاف کدام اصل از قانون اساسی است؟ آقای رهپیک می‌گویند که اجرای این مصوبه توقع ایجاد می‌کند. ایجاد توقع که خلاف اصل قانون اساسی نیست.

آقای علیزاده - واقعاً من کاری ندارم. شما بگویید؛ ما هم ایراد می‌گیریم.

آقای رهپیک - نه، من نمی‌گویم که ایجاد توقع اشکال دارد؛ من می‌گویم اصل تبصره اشکال دارد.

آقای سوادکوهی - [مجمع مشورتی حقوقی] ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی گرفته است.^۱

آقای رهپیک - وقتی این مصوبه منتشر بشود، اعلام می‌کنند این آفابانی که مشمول دریافت حقوق شده‌اند، بروند و پول بگیرند. چون کسی تلقی‌اش مثل ما نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - شما تذکر بدهید.

آقای مدرس یزدی - دولت هم باید بیاید و بگوید مجلس قانونی را بدون اینکه برای آن بودجه‌ای باشد، تصویب کرده است؛ فقط اختیار اجرای آن را به ما داده است و اختیار بودجه را به ما نداده است.

۱. «... دومین مسئله مربوط به پیش‌بینی بار مالی طرح در بودجه سنواتی است. توضیح آنکه علی‌رغم اصلاح صورت‌گرفته توسط مجلس، با توجه به اینکه علی‌الاصول آنچه از عبارت «دولت می‌تواند» در قانون‌گذاری مستفاد می‌گردد، الزام و تکلیف دولت می‌باشد و نه تخییر، این امر مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است و از این جهت که محلی برای تأمین بار مالی ناشی از این طرح مشخص نشده است، این مصوبه مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی نیز است. چرا که اولاً قانون‌گذاری بدین صورت که هیچ‌گونه تکلیفی متوجه مخاطب قانون نشود فاقد معنا و مغایر منطق قانون‌گذاری است و ثانیاً مستفاد از عبارت مذکور الزام دولت به پیش‌بینی بودجه لازم می‌باشد و نه اختیار دولت در این خصوص.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، ص ۸ - ۹، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/x7EXT

آقای اسماعیلی - آخر، کسی این طوری [برداشت نمی‌کند].

آقای علیزاده - دیگر چه کسی می‌تواند بگوید نمی‌گیرد؟

آقای رهپیک - کسی این طور تصور ندارد. همین الان که این مصوبه در مجلس تصویب شده است، [توقعات زیادی ایجاد کرده است].

آقای علیزاده - آقای دکتر، شما ایراداتان چیست؟ ایراداتان را بگویید تا من هم رأی بدهم.

آقای سوادکوهی - ما ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی گرفتیم.

آقای اسماعیلی - یک چیز کلی بگوییم. از این به بعد، اگر در طرح‌هایی که بار مالی دارد بنویسند که دولت می‌تواند آن قانون را اجرا کند، ما اشکال نمی‌گیریم؟

آقای مدرس یزدی - نه، هیچ وقت ما به چنین چیزی اشکال وارد نکردیم.

آقای اسماعیلی - چرا، بار مالی این «می‌تواند» معلوم است.

آقای مدرس یزدی - یک کار دیگر می‌شود کرد؛ باید به این کلمه «می‌تواند» ابهام بگیریم که آیا مقصود از آن اجازه است یا الزام؟

آقای علیزاده - این کلمه «می‌تواند» قبلاً بوده است دیگر. نمی‌توانیم به این کلمه ابهام بگیریم. بیایم به مجلس بگوییم حالا که شما بعد از این رفع ابهام آمدید و گفتید که دولت این حقوق را از سال ۱۳۹۲ و از بودجه‌ی سنواتی پرداخت کند، اگر منظور این است که در بودجه‌ی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ پیش‌بینی بشود، زمان آن گذشته است ...

آقای رهپیک - بله، سال ۱۳۹۲ تمام شده است.

آقای مدرس یزدی - سال ۱۳۹۳ هم گذشته است.

آقای علیزاده - ... اگر منظورتان این است که دولت این حقوق را در آینده بدهد، این مصوبه بار مالی دارد. شما به این ایراد رأی می‌دهید یا نه؟

آقای رهپیک - بله، ما که رأی می‌دهیم.

آقای اسماعیلی - حتی آقای مدرس یزدی هم [رأی می‌دهد].

آقای علیزاده - ما در ایرادمان بگوییم که اگر منظورتان این است که دولت این هزینه‌ها را در بودجه‌های سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ پیش‌بینی بکند، با توجه به اینکه زمان تصویب بودجه‌ی این دو سال گذشته است، پرداخت حقوق این دو سال هم دیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد. و اگر مقصود مجلس این باشد که دولت این هزینه را در بودجه‌ی سال‌های بعد پیش‌بینی بکند، بار مالی دارد.

آقای مدرس یزدی - پس باید این را ابهام بگیریم؛ ابهام بگیریم که بگویید مقصودتان چیست. شما به این مصوبه ابهام بگیرید.

آقای ابراهیمیان - می‌شود ابهام بگیرید.

آقای رهپیک - معنی این ایراد، ابهام مصوبه است دیگر؛ یا مقصود این است یا این؛ یعنی مجلس نظر بدهد تا روشن بشود.

آقای علیزاده - دیگر نمی‌توان ابهام گرفت؛ باید بگوییم اگر مصوبه این طور باشد بار مالی دارد.

آقای رهپیک - نه، مفهوم این مصوبه ابهام دارد.

آقای علیزاده - ما حکم هر دو صورت را بگوییم. این طور بگوییم؛ چون دفعه‌ی قبل باید ابهام می‌گرفتیم آخر.

آقای رهپیک - نه.

آقای اسماعیلی - این که اشکال را محکم‌تر می‌کند.

آقای علیزاده - بعد از این رفت و آمد [این مصوبه بین مجلس و شورای نگهبان]، ما همان ابهام را این طور بگوییم که اگر مقصودتان این است که این هزینه‌ها باید در بودجه‌ی این دو سال پیش‌بینی شود، بودجه‌ی هر دو سال تصویب شده است؛ اگر مقصود این است که در بودجه‌ی سال آینده پیش‌بینی بشود و دولت الزام به این امر داشته باشد، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

آقای مدرس یزدی - آن وقت مجلس می‌گوید مقصود، الزام نیست.

آقای اسماعیلی - خوب، بگذار که بگوید الزام نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - نه دیگر، الزام که نیست.

آقای مدرس یزدی - پس باید ابهام گرفت. این طور نمی‌شود.

آقای اسماعیلی - ما هم می‌گوییم این مصوبه ابهام دارد.

آقای علیزاده - ما ایراد را همین طور می‌گوییم؛ آنها ابهام هم تلقی می‌کنند.

آقای رهپیک - معنی این ایراد، ابهام است دیگر.

آقای علیزاده - آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند.

آقای مدرس یزدی - اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - نه، [ما در ایرادمان بگوییم که معنای کلمه «می‌تواند»] این است یا آن است؛ لذا مصوبه ابهام دارد دیگر.

منشی جلسه - هفت تا رأی دارد.

آقای علیزاده - خیلی خوب، پس عبارت ایراد را بنویسید: «اگر

آقای علیزاده - بعید نیست که دو فوریتش هم رأی آورده باشد. این مصوبه را کمیسیون اصلی [= کمیسیون بهداشت و درمان] رد کرده^۳ و اصلاً کمیسیون‌های فرعی [= کمیسیون‌های اجتماعی، برنامه و بودجه و محاسبات] راجع به آن اظهار نظر نکرده‌اند، ولی با رأی دوسوم نمایندگان در صحن مجلس تصویب شده است.

آقای ره‌پیک - این مصوبه عنوانش هم جالب است: «بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت می‌نمایند».

آقای مدرسی یزدی - یعنی هنوز بازنشسته نشده‌اند.

آقای ره‌پیک - یعنی بیست سال دیگر هم در عنوان این قانون، عبارت «هنوز» هست! بیست سال دیگر هم عنوان قانون را ببینید، لفظ «هنوز» دارد!

آقای علیزاده - الان کسانی را که پانزده سال حق بیمه پرداخت کرده باشند بازنشسته می‌کنند.^۴ این مصوبه دارد می‌گوید کسانی که حداقل نُه سال سابقه‌ی پرداخت حق بیمه دارند هم

بازنشسته شوند. شش سال به سابقه‌اش اضافه می‌کند تا بازنشسته شود.

آقای ابراهیمیان - اصلاً این مصوبه نظم را به هم می‌زند.

آقای علیزاده - این مصوبات برای دولت تعهد ایجاد می‌کند. ما

مقصود این است که قسمت اخیر تبصره در بودجه‌های سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ پیش‌بینی شود؛ با توجه به اینکه هر دو بودجه به تصویب رسیده و این امر پیش‌بینی نشده است، [موضوعاً منتفی است]. اگر مقصود این است که در بودجه‌ی سال‌های بعد دیده بشود و الزام برای پیش‌بینی در بودجه‌ی سال بعد باشد، اشکال دارد.»

آقای هاشمی شاهرودی - در این صورت، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - بله.^۱

طرح بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت می‌نمایند

منشی جلسه - «طرح بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت می‌نمایند»^۲.

آقای مدرسی یزدی - دو فوریت این طرح در مجلس به تصویب رسید؟

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۸/۲۶۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ و پیرو نامه شماره ۹۱/۳۰/۴۹۰۵۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۹۰) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با اصلاحاتی در جلسه مورخ پانزدهم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد: - در قسمت اخیر تبصره الحاقی، اگر مقصود این است که بار مالی آن در بودجه سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ پیش‌بینی شود، با توجه به اینکه بودجه سال‌های مذکور قبلاً به تصویب رسیده، موضوعاً منتفی است و اگر به معنای الزام به پیش‌بینی در بودجه سال‌های بعد است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد که به هرحال باید روشن شود تا اظهار نظر ممکن گردد.»

۲. طرح یک‌فوریتی بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت می‌نمایند، توسط عده‌ای از نمایندگان مجلس با قید دو فوریت به مجلس تقدیم شده بود که نمایندگان با قید یک‌فوریت بررسی آن موافقت کردند و سرانجام مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۵ به تصویب رساندند. این مصوبه سپس در راستای اجرای اصل (۹۴) قانون اساسی، جهت انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شد که پس از بررسی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵، اعضای شورا مفاد آن را علاوه بر داشتن ابهام در برخی مواد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی تشخیص دادند.

۳. گزارش شماره ۷/۵۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱ کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی: «طرح بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت می‌نمایند که به شماره چاپ ۸۳۷ در اجرای ماده (۱۶۳) آیین‌نامه داخلی به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود، مطابق ماده (۱۳۲) با اعلام تاریخ بحث به امضاکنندگان طرح و نیز در اجرای ماده (۱۴۸) با دعوت از بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط بررسی شد و در نهایت طرح مذکور در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱/۳۱ با اکثریت آراء رد شد. ضمناً گزارش کمیسیون‌های فرعی اجتماعی و برنامه و بودجه و محاسبات تا تاریخ ارسال این گزارش واصل نشده است. دلایل رد:

۱- طرح، به دلیل داشتن بار مالی مخالف اصل هفتاد و پنجم (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

۲- طرح مذکور به دلیل اینکه بار مالی آن در بودجه سنواتی پیش‌بینی نشده است، مخالف بند (۳) جزء (الف) ماده (۲۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.»

۴. ماده (۱۷) آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ هیئت وزیران: «ماده ۱۷- در صورتی که بیمه‌شده بیش از (۶۵) سال تمام سن داشته باشد، با داشتن حداقل (۱۵) سال سابقه پرداخت حق بیمه، مشمول دریافت مستمری پیری خواهد بود.»

پنجاه سال به بالا را دیگر اصلاً بیمه نکند.

آقای ره‌پیک - آن یک اشکال دیگری است.

آقای علیزاده - آن یک اشکال دیگری است.

آقای ره‌پیک - الان ما برای کارمندان و کارگران، سن بازنشستگی قانونی داریم.^۲

آقای مدرسی یزدی - چقدر است؟

آقای علیزاده - شصت سال و شصت و پنج سال است.

آقای ره‌پیک - بله، به سن بازنشستگی بعضی‌ها هم پنج سال اضافه می‌شود. در آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر، برای روستاییان و عشایر «سن پیری» پیش‌بینی شده که شصت و پنج سال است؛ با این وجود، در این مصوبه عبارت «سن بازنشستگی» را به کار برده است! الان ما در مقررات و آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر، «سن بازنشستگی» برای روستاییان و عشایر نداریم. لذا معلوم نیست سن بازنشستگی [که در این مصوبه از آن سخن به میان آمده] چه سنی است؛ آیا همان سن پیری است یا نه؟

آقای علیزاده - ما اگر یک ماده‌ی قانونی داشتیم که می‌گفت

۲. ماده (۱۰۳) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰۳- دستگاه اجرایی با داشتن یکی از شرایط زیر می‌تواند کارمند خود را بازنشسته نماید:

الف- حداقل سی سال سابقه خدمت برای مشاغل غیرتخصصی و سی و پنج سال برای مشاغل تخصصی با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر یا درخواست کارمند برای سنوات بالاتر از ۳۰ سال؛
ب- حداقل شصت سال سن و حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت با بیست و پنج روز حقوق.

تبصره ۱- سابقه مذکور در بند (الف) و همچنین شرط سنی مزبور در بند (ب) برای متصدیان مشاغل سخت و زیان‌آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر می‌باشد و شرط سنی برای زنان منظور نمی‌گردد.

تبصره ۲- دستگاه‌های اجرایی مکلفند کارمندی که دارای سی سال سابقه خدمت برای مشاغل غیرتخصصی و شصت سال سن و همچنین کارمندی که دارای سی و پنج سال سابقه خدمت برای مشاغل تخصصی و شصت و پنج سال سن می‌باشند را رأساً و بدون تقاضای کارمندان بازنشسته نمایند.

تبصره ۳- دستگاه‌های اجرایی موظفند کارمندی را که دارای شصت و پنج سال سن و حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت می‌باشند را بازنشسته کنند. سقف سنی برای متصدیان مشاغل تخصصی هفتاد سال است. کارمندان تخصصی فوق‌الذکر که سابقه خدمت آنها کمتر از بیست و پنج سال است، در صورتی که بیش از بیست سال سابقه خدمت داشته باشند، می‌توانند تا رسیدن به بیست و پنج سال سابقه، ادامه خدمت دهند و در غیر این صورت بازخرید می‌شوند.»

هم به آن ایراد می‌گیریم، ولی بعد آن را به مجلس می‌برند و یک مقداری عباراتش را جابه‌جا می‌کنند و بالاخره تصویب می‌کنند!

منشی جلسه - «طرح بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت می‌نمایند.

ماده واحده- دولت مکلف است کلیه روستاییان و عشایری را که در سن بازنشستگی بوده و تحت پوشش بیمه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر می‌باشند، در صورت تقاضای آنان و داشتن سابقه پرداخت حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به مدت نه سال، بازنشسته نموده و متناسب با آن حقوق بازنشستگی به آنان پرداخت نماید.

تبصره ۱- در صورتی که افراد مذکور کمتر از نه سال حق بیمه پرداخت کرده باشند می‌توانند با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه سنوات به صورت یک‌جا و کامل (سهم خود و سهم دولت) و به قیمت روز، بازنشسته شوند.

تبصره ۲- شرط سنی برای بیمه‌گذاران جدید به حداکثر پنجاه سال تغییر می‌یابد.

تبصره ۳- فرزندان و همسر (همسران) بیمه‌شده متوفی که زیر نه سال سابقه دارد با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه تا نه سال به نرخ سال جاری از مستری و امتیازات بازنشستگی برخوردار می‌شوند.

تبصره ۴- حقوق افراد بازنشسته از محل منابع صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر تأمین خواهد شد.»

آقای مدرسی یزدی - الان سن بازنشستگی چقدر است؟

آقای ره‌پیک - یکی از اشکالات مصوبه همین [ابهام در سن بازنشستگی] است؛ چون روستاییان که سن بازنشستگی رسمی ندارند. در آن آیین‌نامه [= بند (خ) ماده (۱) و ماده (۱۷) آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر]، سن پیری را مشخص کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - در تبصره (۲) هم شرط سنی برای بیمه‌گذاران جدید را به حداکثر پنجاه سال تغییر داده‌اند.

آقای علیزاده - نه، این هم اشکال دارد؛ چون می‌گوید افراد

۱. بند (خ) ماده (۱) آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۱۱ هیئت وزیران: «ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۸۴/۴/۱۲) در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:
الف- ...

خ- پیری: حالت بیمه‌شده‌ای که بیش از (۶۵) سال تمام داشته باشد.»

بازنشسته از محل منابع صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر تأمین خواهد شد.» آیا این تأمین منابع هزینه‌های این مصوبه است؟!

آقای ابراهیمیان - اینکه تأمین مالی نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این مصوبه خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

آقای یزدی - بله، این اشکال روشن است.

آقای علیزاده - علاوه بر این، اینکه در تبصره (۲) گفته است که افراد بیشتر از پنجاه سال را بیمه نکنند، چه معنایی دارد؟

آقای رهپیک - آن هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - تبعیض نیست؟

آقای سلیمی - تبعیض است.

آقای علیزاده - [طبق اصل (۲۹) قانون اساسی،] بیمه یک حق همگانی است. تا الآن عده‌ای از روستاییان و عشایر، بیمه شده‌اند، حالا می‌گویند بقیه را نمی‌خواهد بیمه کنید!

آقای یزدی - این صندوق بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر از صندوق بازنشستگی کشوری استثناء نیست؟

آقای علیزاده - منظورتان چه استثنائی است؟

آقای سلیمی - استثناء دولتی.

آقای رهپیک - این صندوق طبق قانون، وابسته به وزارت رفاه است.

آقای یزدی - اینها غیر از کارمندان دولت هستند. کارمندان دولت مقررات بازنشستگی معینی دارند؛ خانم‌های کارمند یک‌طور و آقایان کارمند، به یک نحو دیگر، هرکدام مقررات دقیقی در خصوص بازنشستگی دارند. روستاییان و عشایر مقررات این‌طوری ندارند ولی مشمول بیمه‌ی این صندوق هستند.

آقای علیزاده - روستاییان و عشایر کارمندان دولت نیستند.

آقای رهپیک - صندوق بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر هم عمومی است دیگر.

آقای علیزاده - هیئت وزیران، با اجازه‌ی قانون، آیین‌نامه‌ی

دولت نسبت به بیمه کردن روستاییان و عشایر اقدام بکند، [می‌توانستیم بگوییم این مصوبه، وجهی دارد] اما حالا که هیئت وزیران آمده و آن آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر را نوشته است و در آن آیین‌نامه، دولت یک سری مقرراتی را آورده است، [نمی‌توانیم مصوبه‌ی اصلاحی مجلس را بپذیریم]. این آیین‌نامه هم [طبق اصل (۱۳۸) قانون اساسی] به مجلس شورای اسلامی ارسال شده و رئیس مجلس هم ایرادی به آن نگرفته است. به حضور شما عرض شود که آنچه فعلاً در آن آیین‌نامه [= ماده (۱۷) آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر مصوب ۱۳۸۳] آمده، این است که روستاییان و عشایر با داشتن حداقل پانزده سال سابقه‌ی پرداخت حق بیمه، مشمول دریافت مستمری پیری خواهند بود، ولی در این مصوبه، آن پانزده سال را به نه سال تبدیل کرده است. بعد در تبصره (۱) می‌گوید اینهایی که کمتر از نه سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند، علاوه بر ده درصد سهم خود، سهم دولت را هم بپردازند.^۱

آقای رهپیک - بله، خود بیمه‌شده باید همه‌اش را بدهد.

آقای علیزاده - این قسمت از مصوبه که گفته است فرد باید علاوه بر ده درصد سهم خودش، سهم دولت را هم بپردازد، قبول داریم که بار مالی برای دولت ندارد، اما معلوم نیست که اصلاً این فرد به سن بازنشستگی برسد. علاوه بر این، اگر هم به سن بازنشستگی برسد، دریافت حقوق بازنشستگی فقط برای یک روز که نیست، بلکه دریافت این حقوق [با توجه به اینکه همسر و فرزندان فرد بیمه‌شده پس از فوت فرد، این حقوق مستمری را دریافت می‌کنند] تا قیام حضرت مهدی (ع) هم ادامه دارد. واقعیت این است که این مصوبه داد همه را درآورده و بار مالی دارد.

آقای اسماعیلی - این مصوبه، معلوم است که بار مالی دارد.

آقای سلیمی - از چه راهی قرار است هزینه‌های آن تأمین شود؟

آقای علیزاده - خود نمایندگان مجلس هم قبول دارند که بار مالی دارد؛ چون در تبصره (۴) می‌گویند: «حقوق افراد

۲. اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.»

۱. ماده (۱۱) آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۴ هیئت وزیران: «ماده ۱۱- بیمه‌شده با پرداخت ۱۰٪ حق بیمه سرانه خدمات درمانی مصوب هیئت وزیران، دفترچه بیمه خدمات درمانی دریافت خواهد نمود و بقیه سرانه به عنوان کمک و سهم دولت توسط دولت پرداخت خواهد شد.»

قانون اساسی نمی‌شود.

آقای علیزاده - چرا؛ اگر بیمه نکنند، ما آن را خلاف قانون اساسی می‌دانیم. ما از آن طرف می‌گوییم که یک عده را [علی‌رغم داشتن سن بالاتر از پنجاه سال] قبلاً بر اساس مقررات قبلی بیمه کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - چرا خلاف قانون اساسی است؟

آقای علیزاده - این مصوبه، موجب تبعیض [بین افراد قبل و بعد از تصویب این مصوبه] است.

آقای مدرسی یزدی - به تدریج زمینه را برای بیمه شدن همه فراهم می‌کنند. بیمه‌ی سایر افراد را بعداً انجام می‌دهند.

آقای ره‌پیک - این مصوبه نمی‌گوید به تدریج زمینه فراهم می‌شود، بلکه می‌گوید افراد بالای پنجاه سال اصلاً بیمه نشوند. نگفته‌اند سایر افراد را بعداً بیمه می‌کنیم؛ این قانون، قانونی دائمی است.

آقای علیزاده - الان باید برای بار مالی این مصوبه رأی بگیریم.

آقای سلیمی - موجودی صندوق بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر، متعلق به دولت است؛ دارایی تأمین اجتماعی است.^۲

آقای علیزاده - ما اصلاً نگفتیم متعلق به دولت است؛ مگر ما گفتیم این صندوق، دولتی است؟

آقای سلیمی - نه، ما می‌خواهیم بگوییم مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - در اصل (۷۵) قانون اساسی، حرف از «هزینه‌ی عمومی» است؛ «دولت» نیست.

آقای ره‌پیک - بله، [افزایش] هزینه‌ی عمومی ملاک است.

آقای علیزاده - ما همه‌جا این را گفته‌ایم؛ لذا افزایش هزینه‌های عمومی شامل افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی هم می‌شود. بله، این یک جهت مغایرت این مصوبه با قانون اساسی است.

آقای ره‌پیک - عین همین بحث تأمین اجتماعی، در خصوص شهرداری‌ها هم هست.

آقای علیزاده - بله، [اگر مصوبه‌ای موجب افزایش هزینه‌های شهرداری‌ها هم بشود]، ما می‌گوییم اشکال دارد.

آقای یزدی - اینها که تحت پوشش صندوق بیمه‌ی اجتماعی

۲. بند (ذ) ماده (۱) آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۴ هیئت وزیران: «ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۸۴/۰۴/۱۲) در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف- ...

ذ- صندوق: صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر وابسته به وزارت رفاه و تأمین اجتماعی.»

بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر را تصویب کرده^۱ و طبق آن آیین‌نامه، روستاییان و عشایر را بیمه کرده است. الان مجلس بر خلاف آن آیین‌نامه، مقرراتی تصویب کرده است. همین الان اگر فرد شصت ساله هم بخواهد بیمه بشود، طبق قوانین فعلی این فرد را بیمه می‌کردند، اما الان تبصره (۲) این ماده واحده می‌گوید فرد پنجاه سال به بالا را بیمه نکنید.

آقای یزدی - خیلی خب.

آقای ره‌پیک - این خلاف اصل (۲۹) است که طبق آن بیمه، حق همگانی است و دولت در این زمینه وظیفه دارد.

آقای علیزاده - بیمه، حق همگانی است و دولت هم [با تصویب آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر] این کار را کرده و روستاییان و عشایر را بیمه کرده است.

آقای مدرسی یزدی - نه اینکه هیچ قانونی نداشته باشد.

آقای علیزاده - نه، ما که نمی‌گوییم بیمه‌ی روستاییان و عشایر، قانون نداشته باشد.

آقای ره‌پیک - مگر روستاییان و عشایر برای بیمه شدن حداکثر باید پنجاه سال داشته باشند که بیشتر از آن را بیمه نمی‌کنند؟

آقای مدرسی یزدی - اینکه گفته است پنجاه سال، که خلاف قانون اساسی نمی‌شود.

آقای علیزاده - نه، تبصره (۲) نمی‌گوید پنجاه سال، بلکه می‌گوید اگر به سن پنجاه سال رسیده‌اند، دیگر این افراد را بیمه نکنید.

آقای مدرسی یزدی - خب بگوید بیمه نکنند؛ اینکه خلاف

۱. هیئت وزیران در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۰/۶۹۸۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد تبصره (۲) ماده (۳) و بند (د) ماده (۳) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱، آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر را مشتمل بر (۲۶) ماده تصویب نمود. بند (د) و تبصره (۲) ماده (۳) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «ماده ۳- اهداف و وظایف حوزه بیمه‌ای به شرح زیر می‌باشد: الف- ...

د- تشکیل صندوق‌های بیمه‌ای مورد نیاز از قبیل بیمه حرف و مشاغل آزاد (خویش‌فرمایان و شاغل غیردائم)، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، بیمه خاص زنان بیوه و سالخورده و خودسرپرست و بیمه خاص حمایت از کودکان. ...

تبصره ۲- دولت مکلف است ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون، امکان تحت پوشش بیمه قرارگرفتن اقشار مختلف جامعه از جمله روستاییان، عشایر و شاغلین فصلی را فراهم نماید.»

که گرفتید، حداقل منظور از اینکه گفته‌اند افراد بالای پنجاه سال بیمه نشوند، شامل همه‌ی انواع بیمه حتی بیمه درمانی می‌شود. لذا ما بگوییم منظور شما این است که این افراد برای بازنشستگی بیمه نشوند یا هیچ بیمه‌ای نمی‌توانند بشوند. طبق قانون اساسی، این مصوبه که نمی‌تواند این افراد را ممنوع کند که هیچ بیمه‌ای نشوند.

آقای یزدی - این موضوع در تبصره‌ی این ماده واحده است و مربوط به صندوق بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر است.

آقای علیزاده - می‌دانم مربوط به صندوق بیمه‌ی اجتماعی است، ولی حاج‌آقا وقتی دولت روستاییان و عشایر را بیمه می‌کند، یک نوع بیمه که نمی‌کند، بلکه هم آنها را برای درمان بیمه می‌کند و هم برای بازنشستگی بیمه می‌کند.

آقای یزدی - خب.

آقای علیزاده - ما می‌خواهیم بگوییم اینکه شما الان می‌گویید دولت فرد پنجاه سال به بالا را بیمه نکند، یعنی هیچ نوع بیمه‌ای نکند و حتی برای سلامشان هم آنها را بیمه نکند؟

آقای رهپیک - بیمه‌ای که افراد در این صندوق می‌شوند، بیمه‌ی پایه است.

آقای علیزاده - بله، ما ایرادمان این است که اگر منظور این تبصره، محرومیت از همه‌ی بیمه‌ها باشد، اشکال دارد.

آقای رهپیک - قبلاً روستاییان و عشایر [بر اساس ماده (۱۷) آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر]، بیمه می‌شدند و بعد از پانزده سال که حق بیمه می‌دادند، بعد مستمری بازنشستگی می‌گرفتند. حالا این مصوبه [سابقه‌ی پرداخت حق بیمه را] به ۱۰ سال تغییر داده است و می‌گوید اگر کسی می‌خواهد بیمه بشود و بعد از ۱۰ سال مستمری بگیرد، حداکثر باید پنجاه سال سن داشته باشد؛ یعنی بالای پنجاه سال نمی‌تواند بیمه شود.

آقای علیزاده - الان این تبصره (۲) دارد به دولت می‌گوید روستاییان و عشایر پنجاه سال به بالا را بیمه نکن. ما می‌خواهیم ببینیم این حکم شامل همه‌ی انواع بیمه‌ها می‌شود یا فقط می‌خواهد بگوید از جهت بازنشستگی نمی‌تواند اینها را بیمه کنند. اگر این تبصره بخواهد همه نوع بیمه را برای این افراد ممنوع بکند، اشکال دارد؛ چون می‌گوید که افراد بالای پنجاه سال را بیمه‌ی درمان هم نکنند.

آقای رهپیک - در آیین‌نامه‌ای که دولت نوشته بود، همین قید حداکثر سن پنجاه سال را آورده بود، که رئیس مجلس به آن

روستاییان و عشایر قرار می‌گیرند، با چه قانون و مقرراتی تحت پوشش قرار می‌گیرند؟ فردا با تغییر آیین‌نامه‌ی دولتی [ممکن است همه چیز تغییر کند].

آقای علیزاده - نه حاج‌آقا، یک قانونی با عنوان قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در این خصوص تصویب شده است.

آقای یزدی - بله، هر کسی نمی‌تواند وارد تغییر در اینها بشود.

آقای علیزاده - در همان جا [= بند (د) و تبصره (۲) ماده (۳) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی] گفته‌اند که دولت نسبت به بیمه کردن روستاییان و عشایر اقدام کند و آیین‌نامه‌ی آن را هم بنویسد. دولت آن آیین‌نامه را نوشت و الان هم دارد به آن عمل می‌کند. حالا نمایندگان آمده‌اند اضافه‌تر بر آن آیین‌نامه، دارند یک چیز جدید می‌سازند.

آقای شبزنده‌دار - یک تکلیف جدید.

آقای علیزاده - حالا آقایانی که می‌گویند این مصوبه دارای بار مالی و خلاف اصل (۷۵) است، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - مشخص است که بار مالی دارد.

آقای علیزاده - خیلی خب.^۱ این تبصره (۲) هم شرط سنی برای بیمه‌شدگان جدید گذاشته است؛ اگر آقایان به این تبصره هم اشکال دارند، بفرمایند.

آقای رهپیک - این تبصره دارد می‌گوید دولت، افراد زیر پنجاه سال را بیمه کند. این هم قانون دائمی است؛ یعنی اینکه از این به بعد دولت افراد بالای پنجاه سال را بیمه نکند. خب، معنایش این است که این تبصره خلاف اصل (۲۹) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - یک عده‌ای از افراد بالای پنجاه سال قبلاً بیمه شده‌اند.

آقای رهپیک - غیر از تبعیض، بالاخره آیا حق فرد بالای پنجاه سال نیست که بیمه بشود؟

آقای مدرسی یزدی - اصل (۲۹) گفته است که دولت باید «طبق قوانین» [زمینه‌ی بهره‌مندی افراد از بیمه را] تأمین کند؛ یک‌دفعه که نمی‌شود همه را بیمه کرد. حالا این مصوبه، فعلاً یک سری از افراد را مشمول بیمه کرده است.

آقای علیزاده - من نظرم بر این است که با توجه به این ایرادی

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان: «۱- ماده واحده و تبصره‌های (۱) و (۳) آن که به افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامند و طریق پیش‌بینی شده در تبصره‌های مرقوم، جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید و تبصره (۴)، علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مربوط را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

در مقررات فعلی، چیزی تحت عنوان سن بازنشستگی عشایر و روستاییان نداریم؛ لذا «سن بازنشستگی عشایر و روستاییان» ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای ابراهیمیان - حالا فرضاً یک سنی را بگویند که سن بازنشستگی است.

آقای رهپیک - چنین چیزی نیست؛ الآن چنین چیزی نداریم.

آقای ابراهیمیان - نه، ممکن است ملاک بگیرند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، الآن ابهام دارد؛ باید ابهام بگیریم.

آقای رهپیک - الآن «سن بازنشستگی» برای آنها نداریم که در آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر می‌گوید «مستمری پیری».

آقای ابراهیمیان - ابهام، وقتی برای ما مهم است که یکی از اطراف ابهام منجر به مخالفت با شرع یا قانون اساسی بشود.

آقای علیزاده - آقای دکتر [ابراهیمیان]، خود ماده واحده گفته است «سن بازنشستگی».

آقای رهپیک - بله، گفته است «سن بازنشستگی اشخاص».

آقای مدرسی یزدی - اینجا هم می‌توانند [به جای عبارت «سن بازنشستگی»، «سن پیری»] بیاورند.

آقای شب‌زنده‌دار - در [اصل (۲۹)] قانون اساسی، سن بازنشستگی را در مقابل سن پیری قرار داده‌اند: «[برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، ... به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی.]»
آقای علیزاده - خوب، بگوییم در قانون فعلی سن پیری مشخص نشده است.

آقای رهپیک - ما اصلاً در قوانین و در آیین‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر، تعریفی از سن بازنشستگی برای روستاییان و عشایر نداریم.

آقای علیزاده - پس می‌گوییم: «با توجه به اینکه در مقررات موجود برای روستاییان و عشایر سن مشخصی برای بازنشستگی وجود ندارد، لذا عبارت «سن بازنشستگی» در این ماده ابهام دارد.»^۲

ایراد گرفت و گفت این حکم خلاف قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است.

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - بعد اینها مدتی آیین‌نامه را مسکوت گذاشتند. این حکم چون خلاف قانون عادی بود، در آیین‌نامه لغو شد. الآن دوباره مفاد همان حکم را به صورت قانون نوشته‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهراً تبصره (۲) مربوط به بیمه‌ی بازنشستگی است.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای رهپیک - نه، آن کسی که می‌خواهد بیمه‌ی صندوق بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر بشود، باید نه سال حق بیمه پرداخت بکند، بعد به تبع آن، بحث پرداخت مستمری پیش می‌آید.

آقای علیزاده - برای دریافت مستمری بازنشستگی باید حداقل پانزده سال سابقه‌ی پرداخت حق بیمه داشته باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - به این تبصره ابهام بگیرد.

آقای علیزاده - من هم همین را دارم می‌گویم.

آقای رهپیک - حاج آقا تبصره (۲) ماده واحده می‌گوید اگر بیمه‌گذاران جدید، یعنی کسانی که الآن می‌خواهند بیمه بشوند و از امتیاز برخوردار می‌شوند، با پرداخت نه سال حق بیمه استفاده کنند، بالای پنجاه سال نباید داشته باشند؛ اینها نمی‌توانند بیمه بشوند. یعنی این تبصره، با بحث مستمری ارتباط دارد، متنها پایه‌ی آن بیمه‌ی بازنشستگی و دریافت مستمری چیست که کسی بتواند بیمه‌گذار تلقی بشود. یعنی برای اینکه کسی بیمه‌گذار تلقی بشود، باید نه سال حق بیمه بدهد تا بعد از آن بتواند [در صورت وجود سایر شرایط بازنشستگی] مستمری بگیرد.

آقای علیزاده - حالا سؤال این است که آیا در این تبصره، منظورش محرومیت افراد بالای پنجاه سال از همه نوع بیمه است یا فقط بیمه‌ی بازنشستگی است؟ توجه فرمودید. آقایانی که این ابهام را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای ابراهیمیان - این تضییق، خلاف نیست.

آقای یزدی - ابهام دارد.^۱

آقای رهپیک - «سن بازنشستگی» هم ابهام دارد؛ یعنی ما الآن

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان: «۲- در ماده واحده، با توجه به اینکه در مقررات موجود برای روستاییان و عشایر سن مشخصی برای بازنشستگی وجود ندارد، لذا عبارت «سن بازنشستگی» در این ماده ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان: «۳- در تبصره (۲) از آنجا که روشن نیست شرط سنی مذکور، ممنوعیت استفاده از همه انواع بیمه را در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

قانون [= ماده (۱۷) آیین‌نامه بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر] به ما گفته بود که بیمه‌شده باید پانزده سال حق بیمه بدهد که بعد با مجموع این پول‌ها کارهای تولیدی یا تجاری بکنیم [و با سود آن مستمری پرداخت کنیم]. بر اساس آن قانون، اولین گروه روستاییان و عشایری که حق بیمه داده‌اند، باید [پس از پانزده سال (۱۳۸۳-۱۳۹۸)] در سال ۱۳۹۹ مستمری می‌گرفتند، در حالی که الآن این مصوبه یک‌دفعه در سال ۱۳۹۳ می‌گوید علاوه بر افرادی که تا الآن پول پرداخت کرده‌اند، افراد جدیدی هم با پرداخت دفعی حق بیمه مستمری بگیرند که از این جهت، تمام برنامه‌ها و محاسبات ما به هم می‌ریزد.

آقای مدرسی یزدی - حالا عیبی ندارد، ولی غرض من این است که اگر کسی برود و همین باقیمانده‌ی تا نه سال یا پانزده سال را یک‌جا به صورت نقد پرداخت کند، چه اشکالی دارد؟ مثل این است که همین کار را ضمن عقد با یک شرکت معمولی انجام دهد و این پول را نقد بدهد و در عوض، کم‌کم در طول سال فلان مقدار مستمری بگیرد.

آقای رهپیک - در این صورت، صندوق بیمه از الآن باید شروع کند و مستمری بدهد.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ اگر الآن مثلاً پنج میلیون تومان به صورت نقد از بیمه‌شده بگیرند و ماهانه پنجاه هزار تومان یا پانصد هزار تومان مستمری بدهند، چه اشکالی دارد؟

آقای یزدی - یک بحث کلی دیگری هم در اینجا هست که «المؤمنون عند عقودهم». بستن قرارداد، به آن صورتی که شما فرمودید، بلااشکال است، اما آن قرارداد، ربطی به این قرارداد بیمه ندارد.

آقای علیزاده - تبصره (۱) ماده واحده می‌گوید اگر کسی کمتر از نُه سال حق بیمه پرداخت کرده باشد، مابه‌التفاوت نُه سال را پرداخت بکند و بازنشسته بشود؛ در حالی که الآن پانزده سال سابقه‌ی پرداخت حق بیمه، ملاک برخورداری از مستمری بازنشستگی است.

آقای مدرسی یزدی - خوب پول بقیه‌ی سنوات را بگیرند.

آقای علیزاده - نه، گرفتن [مابه‌التفاوت حق بیمه‌ی نُه سال]، مربوط به آنهایی است که کمتر از نُه سال سابقه‌ی پرداخت حق بیمه دارند.

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، ماده واحده می‌گوید: «... و داشتن سابقه پرداخت حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به

آقای ابراهیمیان - در قانون تأمین اجتماعی، به صورت کلی سن بازنشستگی را آورده‌اند.^۱

آقای رهپیک - در قانون تأمین اجتماعی برای عشایر و روستاییان سن بازنشستگی تعریف نشده است.

آقای علیزاده - مهلت ما برای بررسی این مصوبه چه وقتی تمام می‌شود؟

منشی جلسه - این مصوبه، هجدهم تیرماه به شورای نگهبان آمده است.^۲

آقای علیزاده - باید استمهال کنیم که بتوانیم تا هفته‌ی بعد جوابش را بدهیم.

آقای رهپیک - خب، این تبصره‌ها هم به تبع اصل ماده اشکال دارند.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم اصل ماده واحده و آن چند تا تبصره که ابهام گرفتیم، مشکل دارند.

آقای رهپیک - تبصره (۲) هم ایراد داشت.

آقای مدرسی یزدی - در اینجا واقعاً یک سؤالی برای من هست و آن اینکه فرض کنید که این ماده واحده حذف بشود؛ [فارغ از این مصوبه]، اگر کسی الآن نقداً حق بیمه‌ی زمان باقیمانده را بپردازد و بگوید کم‌کم به من مستمری بدهید، اشکالی دارد؟ حالا اگر اصلاً صندوق بیمه‌ای نبود و مثلاً یک شرکتی این کار را بکند، آیا برایش صرف نمی‌کند که بیاید و حق بیمه را نقد بگیرد و مستمری را کم‌کم بدهد؟

آقای رهپیک - حاج‌آقا، ما صحبت‌های مسئولان تأمین اجتماعی را در این زمینه درآوردیم و مطالعه کردیم. آنها می‌گویند که

۱. ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ مجلس شورای ملی (با اصلاحات و الحاقات بعدی): «ماده ۷۶- مضمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت:

۱- حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند.

۲- سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد.

تبصره ۱- کسانی که سی سال تمام کار کرده و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند، در صورتی که سن مردان پنجاه سال و سن زنان چهل و پنج سال تمام باشد، می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند.

تبصره ۲- «...»

۲. این مصوبه طی نامه‌ی شماره ۳۹۰/۲۶۲۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ به شورای نگهبان ارسال شده که در همان تاریخ با شماره ۹۳/۱۰/۱۴۴۵ در دبیرخانه شورای نگهبان ثبت شده است.

طرح استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن

منشی جلسه - «طرح استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های
مستقیم و اصلاحات بعدی آن»^۲
موضوع استفساریه:

آیا ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن،^۳
به شرکت‌های تعاونی تولید روستایی که بر مبنای قانون تعاونی
نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های
تعاونی روستایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴ تأسیس می‌شود، تسری
دارد یا خیر؟
پاسخ:

بلی، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی که فعالیت آنها منطبق بر
اساسنامه و در زمره عناوین مذکور در ماده (۸۱) قانون
مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۱۳ باشد، از مالیات بر
درآمد معافند.»

آقای ره‌پیک - این مصوبه که اصلاً تفسیر نیست. این مصوبه
اشکالش این است که تفسیر نیست. این تفسیر نیست.

آقای مدرسی یزدی - مجلس در این مصوبه، نص قانون را یک
کمی توضیح کرده است. همین‌طور که شما [در گزارش مجمع
مشورتی حقوقی]^۴ نوشته‌اید خوب است.



۲- در ماده واحده، با توجه به اینکه در مقررات موجود برای روستاییان و
عشایر سن مشخصی برای بازنشستگی وجود ندارد، لذا عبارت «سن
بازنشستگی» در این ماده ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.
۳- در تبصره (۲) از آنجا که روشن نیست شرط سنی مذکور، ممنوعیت
استفاده از همه انواع بیمه را در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از
رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۲. طرح استفساریه‌ی ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات
بعدی آن در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.
این مصوبه مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون
اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۹۶/۲۶۶۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۱ به شورای
نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی
مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین
شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۴ مورخ
۱۳۹۳/۴/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۳. ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم، اصلاحی مصوب ۱۳۷۱/۲/۷
مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۳- صد درصد درآمد شرکت‌های
تعاونی روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی،
دانشجویان و دانش‌آموزان و اتحادیه‌های آنها از مالیات معاف است.»

۴. «بر اساس مقدمه توجیهی طرح پیشنهادی، درخصوص محدوده
شرکت‌های تعاونی روستایی این ابهام به‌وجود آمده است که آیا



مدت نه سال، بازنشسته نموده و متناسب با آن حقوق
بازنشستگی به آنان پرداخت نماید.»

آقای علیزاده - منظور این است که آنهایی که کمتر از نه سال
سابقه‌ی پرداخت حق بیمه دارند، مابه‌التفاوت را بپردازند.

آقای ره‌پیک - یعنی مثلاً اگر کسی یک ماه مانده تا نه سال
سابقه‌ی پرداخت حق بیمه‌اش کامل شود، یک ماه دیگر حق
بیمه می‌پردازد و مستمری می‌گیرد.

آقای علیزاده - یا اگر کسی یک سال حق بیمه پرداخته است،
این مصوبه می‌گوید می‌تواند حق بیمه‌ی هشت سال دیگر را
یک‌جا بپردازد تا مشمول گرفتن مستمری بشود و خودش و بعد
هم همسر و فرزندانش تا آخر عمرشان از مزایای بیمه استفاده
کنند! بسیاری از این کسانی که کمتر از نه سال حق بیمه
پرداخته‌اند، الان دارند می‌میرند. اشکال این مصوبه، این است.

آقای ابراهیمیان - معلوم نیست مجموع پرداخت‌های بیمه‌شدگان
به عنوان حق بیمه، با آنچه به عنوان مستمری دریافت می‌کنند، چه
نسبتی دارد؛ مساوی است یا کسری از آن است.

آقای ره‌پیک - نه، سازمان بیمه‌گر، این‌طوری حساب نمی‌کند.
آنها بر اساس نسبت تعداد بیمه‌شدگان به مستمری‌بگیران، حق
بیمه می‌گیرند و مستمری می‌پردازند؛ یعنی مثلاً در این شش
سال، دو میلیون نفر بیمه شده‌اند و حق بیمه داده‌اند، در حالی
که مستمری نمی‌گیرند. بله، از پول آنها باید به کسانی بدهند که
به سن مستمری‌بگیری رسیده‌اند، اما الان یک‌دفعه همه‌ی اینها
با همدیگر جمع می‌شود [و باید به همه‌ی آنها مستمری
پرداخت شود].

آقای علیزاده - تبصره (۴) این مصوبه، بار مالی این طرح را
تأمین نمی‌کند، بلکه خودش موجب بار مالی است.^۱

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان: «عطف به
نامه شماره ۳۹۰/۲۶۲۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ و پیرو نامه شماره
۹۳/۱۰۲/۱۵۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵، طرح بازنشسته کردن کسانی که در
سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر
پرداخت می‌نمایند، مصوب جلسه مورخ پانزدهم تیرماه یکهزار و سیصد
و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای
نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر
اعلام می‌گردد:

۱- ماده واحده و تبصره‌های (۱) و (۳) آن که به افزایش هزینه‌های
عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی‌شده در تبصره‌های مرقوم جبران
هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید و تبصره (۴)، علاوه بر اینکه جبران
هزینه‌های مربوط را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر
اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.



آقای اسماعیلی - این مصوبه اشکالی ندارد؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه.

آقای ره‌پیک - چرا؛ اشکال دارد. این مصوبه دارد حکم جدیدی می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - متن خود قانون اوسع از این تفسیر است. خود قانون [= ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم] گفته است صد درصد درآمد شرکت‌های تعاونی روستایی - هر رقم شرکت تعاونی که باشد، چه زراعی باشد و چه غیر زراعی - از مالیات معافند، اما اینها آمده‌اند و این معافیت را مقید کرده‌اند به اینکه شرکت باید از نوع زراعی یا صیادی باشد؛ یعنی قانون را یک قدری تضییق کرده‌اند.

آقای ابراهیمیان - مجلس آمده است و یک تفسیر مقید از ماده (۱۳۳) ارائه کرده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، البته تفسیر مجلس مقید نیست، بلکه مجلس این ماده را تفسیر مضیق کرده است.

آقای ره‌پیک - این مصوبه، تفسیر نیست بلکه یک حکم جدید است.

آقای عزیزاده - این حکم را به قانون قبلی را اضافه کرده است؟

→

مستقیم باشد از جهت محدود کردن دامنه «شرکت‌های تعاونی روستایی» قانون‌گذاری جدید محسوب می‌شود و مغایر اصل (۷۳) قانون اساسی و نظر تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان از این اصل است. توضیح آنکه عناوین مذکور در ماده اخیرالذکر مشتمل بر «کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهی‌گیری، نوغان‌داری، احیاء مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات» می‌باشد، درحالی‌که همان‌طور که در بالا ذکر شد طبق ماده (۲۶) «قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران»، «تعاونی‌های تولید شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌نمایند؛ لذا این استفساریه با خارج‌نمودن فعالیت‌های مربوط به «صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر اینها»، محدود شده شرکت‌های تعاونی روستایی مشمول معافیت مالیاتی مقرر در ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم را محدود و مضیق نموده است. لازم به ذکر است که مطابق ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم فعالیت‌های مذکور در این ماده به صورت کلی از مالیات معاف می‌باشند و هیچ تفاوتی در اینکه این فعالیت‌ها توسط شرکت‌های تعاونی روستایی انجام شود و یا توسط شرکت‌ها و افراد دیگر، وجود ندارد.» گزارش کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، صص ۱۹-۲۴، قابل مشاهده در نشانی yon.ir/kl5sf

→

«شرکت‌های تعاونی تولید روستایی» نیز مشمول عنوان «شرکت‌های تعاونی روستایی» مذکور در ماده (۱۳۳) می‌شوند یا خیر؟ به موجب ماده (۱۳۳) «قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحات بعدی آن «صد درصد (۱۰۰٪) درآمد شرکت‌های تعاون روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش‌آموزان و اتحادیه‌های آنها از مالیات معاف است.» در این خصوص لازم به ذکر است که اولاً بر اساس «قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳، تعاونی‌های تولید و توزیع را می‌تواند دو گونه تعاونی‌ای قلمداد نمود که در بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران وجود دارند. به موجب ماده (۲۶) این قانون «تعاونی‌های تولید شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌نمایند.» ماده (۲۷) این قانون نیز تعاونی‌های توزیع را تعریف نموده است. ثانیاً بر اساس «قانون شرکت‌های تعاونی» مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی آن، «انواع شرکت‌های تعاونی در سه رشته تعاونی ... طبقه‌بندی می‌شود» که اولین آنها «رشته کشاورزی: شامل تعاونی‌های کشاورزی و روستایی» می‌باشد. همچنین به موجب ماده (۷۴) این قانون، «شرکت‌های تعاونی روستایی با مشارکت زارعینی که به موجب قوانین و مقررات اصلاحات ارضی صاحب زمین شده یا بشوند برای مقاصد مندرج در بندهای ماده (۷۳) تشکیل می‌شود.» لذا با توجه به مفاد قوانین مذکور، شرکت تعاونی روستایی خود می‌تواند یکی از اقسام تعاونی‌های تولید محسوب شود. نکته دیگر آنکه به موجب تبصره ماده (۲۶) «قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران»، «تعاونی‌های تولید در کلیه اولویت‌ها و حمایت‌های مربوط به تعاونی‌ها حق تقدم دارند.» بنابراین با توجه به اینکه معافیت مالیاتی را می‌توان یکی از مهم‌ترین حمایت‌های مربوط به تعاونی‌ها قلمداد نمود و از طرف دیگر به موجب ماده (۱۳۳) «قانون مالیات‌های مستقیم» و اصلاحات بعدی آن، شرکت‌های تعاون روستایی از مالیات معاف می‌باشند، معافیت مالیاتی «شرکت‌های تعاونی تولید روستایی» را می‌توان دارای اولویت دانست. علاوه بر این و فارغ از استدلال فوق‌الذکر با توجه به اطلاق لفظ عام «شرکت‌های تعاونی روستایی» که خود می‌تواند انواع مختلف این‌گونه شرکت‌ها را اعم از تولید و توزیع دربرگیرد، شمول این عنوان و به تبع آن معافیت مذکور در ماده (۱۳۳) «قانون مالیات‌های مستقیم» و اصلاحات بعدی آن نسبت به «شرکت‌های تعاونی تولید روستایی» مسلم می‌باشد. بنابراین با توجه به جمیع جهات فوق‌الذکر، به نظر می‌رسد شمول معافیت مالیاتی مقرر در ماده (۱۳۳) «قانون مالیات‌های مستقیم» و اصلاحات بعدی آن نسبت به مطلق «شرکت‌های تعاونی تولید روستایی» صحیح می‌باشد و همان حکم ماده (۱۳۳) «قانون مالیات‌های مستقیم» و اصلاحات بعدی آن است.

لکن مسئله قابل توجهی که در خصوص استفساریه حاضر وجود دارد این است که طبق پاسخ استفساریه، شمول عنوان «شرکت‌های تعاونی تولید روستایی» محدود به این امر شده است که فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، «در زمره عناوین مذکور در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۱۳ باشد» بنابراین قید اینکه فعالیت این شرکت‌ها در زمره عناوین مذکور در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های

←

آقای رهپیک - بله دیگر.

آقای مدرس یزدی - [مجلس با این مصوبه، مفاد ماده (۱۳۳) را] تزییق کرده است. مجلس نباید این کار را می‌کرد. مجلس حق ندارد و نمی‌تواند [در قالب تفسیر یک قانون] باعث تزییق قانون شوند.

آقای رهپیک - حالا من یک توضیح اضافه‌ای عرض می‌کنم. شرکت‌های تعاونی روستایی بر اساس قانون قبل از انقلاب، مصوب سال ۱۳۴۹ تشکیل می‌شد. اینها [= سازمان امور مالیاتی کشور] از شرکت‌های تعاونی روستایی مالیات می‌گیرند؛ تا به همین الآن هم از آنها مالیات می‌گیرند. بعد از انقلاب در مورد تعاونی‌های روستایی قوانینی تصویب شده است.^۲ سازمان امور مالیاتی زیر بار اینکه شرکت‌های تعاونی تولیدی که بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۴۹ تشکیل شده‌اند، مشمول حکم معافیت مالیاتی شرکت‌های تعاونی‌های جدید بشود، نرفته است. الآن نمایندگان مجلس خواسته‌اند از طریق تفسیر و با استفاده از اطلاق و عموم عبارت «شرکت‌های تعاونی روستایی» در ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم این کار را بکنند. در این سال‌ها سازمان امور مالیاتی زرنگی می‌کرده

است؛ یعنی چه کار می‌کرده است؛ می‌گفته است شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در صورتی از پرداخت مالیات معاف هستند که فعالیت‌های مذکور در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم^۳ را انجام بدهند. خوب، همه‌ی کسانی که فعالیت‌های مذکور در ماده (۸۱) را انجام بدهند، از پرداخت مالیات معافند، چه تعاونی روستایی باشد و چه نباشد. آنچه در این مصوبه آمده است، از نظر شکلی تفسیر نیست؛ چون خارج از حکم ماده (۱۳۳) است؛ گفته است شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به شرط اینکه فعالیت‌های مذکور در ماده (۸۱) را انجام بدهند از پرداخت مالیات معافند.

آقای علیزاده - من که نگفتم این مصوبه، ماده (۱۳۳) را تفسیر می‌کند. این مصوبه فقط در مورد معافیت مالیاتی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی صحبت کرده است.

آقای مدرس یزدی - مجلس نمی‌تواند این مطلب را به عنوان تفسیر بگوید.

آقای یزدی - چرا؟

آقای رهپیک - چون این مصوبه که خود ماده (۱۳۳) را تفسیر نکرده است.

آقای مدرس یزدی - این مصوبه می‌خواهد چه چیزی را تفسیر بکند؟ مجلس با این مصوبه می‌خواهد ماده (۱۳۳) را تفسیر کند. خوب ماده (۱۳۳) اطلاق دارد، ولی الآن مجلس با این استفساریه یک قید به آن زده است! ماده (۱۳۳) می‌گوید صد درصد درآمد شرکت‌های تعاونی روستایی - هر چه می‌خواهد باشد - از پرداخت مالیات معاف است، اما اینها در این مصوبه گفته‌اند شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از پرداخت مالیات معاف هستند - که این حرف درستی است - اما گفته‌اند به شرطی که فعالیت این شرکت‌ها از مصادیق فعالیت‌های ماده (۸۱) باشد. این شرط درست نیست؛ چون ماده (۸۱) اَضیق از ماده (۱۳۳) است.

۳. ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم، اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۱ - درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهی‌گیری، نوغان‌داری، احیاء مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلان از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. دولت مکلف است مطالعات و بررسی‌های لازم را در زمینه کلیه فعالیت‌های کشاورزی و آن رشته از فعالیت‌های مزبور که ادامه معافیت آنها ضرورت داشته باشد معمول و لایحه مربوط را حداکثر تا آخر برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

۱. ماده (۱) قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴ مجلس شورای ملی: «ماده ۱ - به منظور یکپارچه کردن قطعات اراضی مزروعی زارعین داوطلب عضو شرکت‌های تعاونی روستایی در هر یک از دهات حوزه عمل آن شرکت‌ها در جهت امکان حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک کشور از طریق تأسیس شبکه‌های نوین آبیاری و تسطیح اراضی مزروعی و احداث راه‌های ارتباطی بین دهات و آشنا ساختن اعضای شرکت‌های تعاونی مزبور با اصول و شیوه‌های جدید کاشت و داشت و برداشت و استفاده صحیح از وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی متناسب با شرایط محلی با رعایت نظام تعاون و احیای اراضی بایر و مسلوب‌المنفعه و موات واقع در منطقه عمل شرکت‌های مزبور یا مجاور آن و همچنین فراهم نمودن امکانات و تسهیلات بیشتر برای توسعه و بهبود و ایجاد صنایع دستی و تبدیل فرآورده‌های دامی و زراعی و گسترش فعالیت‌های مفید غیرکشاورزی در حوزه عمل این شرکت‌ها و بالتیجه فراهم شدن موجبات افزایش تولید و درآمد سرانه سکنه روستاها و تأمین رشد مداوم اقتصادی کشور، به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی اجازه داده می‌شود با رعایت اصل مالکیت فردی کشاورزان و تأمین حقوق ناشی از آن به تدریج و متناسب با امکانات و مقدورات دولت و همچنین استقبال کشاورزان از برنامه یکپارچه کردن اراضی مزروعی و تعاونی نمودن تولید در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی حائز شرایط، برنامه مذکور را به مورد اجرا بگذارد.»

۲. قوانینی مانند قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ با اصلاحات بعدی آن.

آقای رهپیک - بله.

آقای علیزاده - اسم این مصوبه را تفسیر ماده (۱۳۳) گذاشته‌اند، اما وقتی مجلس در پاسخ استفساریه، ماده (۸۱) را هم ذکر می‌کند یعنی دارد مجموع این مواد را تفسیر می‌کند. این کار چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - اصلاً ماده (۸۱) غیر از ماده (۱۳۳) است. ماده (۱۳۳) در مورد شرکت‌های تعاونی است.

آقای علیزاده - آنها [= سازمان امور مالیاتی] می‌گفته‌اند که شرکت‌های تعاونی تولید روستایی مشمول ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم هستند، حالا مجلس در این مصوبه گفته است نه.

آقای هاشمی شاهرودی - موضوع استفساریه، ماده (۱۳۳) و اصلاحات بعدی آن است.

آقای رهپیک - اصلاحات این ماده (۱۳۳)، ارتباطی با این موضوع ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر؛ اصلاحاتش همین‌ها است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اصلاحاتش ارتباطی با این موضوع ندارد.

آقای یزدی - طبق این مصوبه اگر یک شرکت تعاونی تولیدی روستایی وجود داشته باشد که هیچ یک از عناوین فعالیت‌های مذکور در ماده (۸۱) شامل آن نشود، نباید از پرداخت مالیات معاف شود.

آقای رهپیک - ماده (۸۱) اصلاحی، چند مورد دیگر از اموری که معاف از مالیات هستند را به فعالیت‌های کشاورزی که در ماده‌ی اصلی آمده است، اضافه کرده است.^۱

آقای یزدی - همان‌طور که حاج‌آقای مدرسی می‌گویند این مصوبه ماده (۱۳۳) را تضییق می‌کند. اینجا در این استفساریه می‌گویند سؤال این است که آیا شرکت‌های تعاونی تولید

روستایی از پرداخت مالیات معاف هستند یا نه؟ مجلس در پاسخ می‌گوید اگر فعالیت این شرکت‌ها مشمول ماده (۸۱) بشود، از پرداخت مالیات معافند. ماده (۸۱) اصلاحی عناوین خاصی را ذکر کرده است؛ مثلاً گفته است فعالیت‌ها از جنس دامپروری و دامداری، پرورش ماهی، پرورش زنبور عسل، پرورش طیور و کذا و کذا باشد. حالا در این مصوبه می‌گویند خب، اگر فعالیت شرکت تعاونی تولید روستایی منطبق بر اساسنامه و در زمره‌ی عناوین مذکور در ماده (۸۱) باشد از پرداخت مالیات معاف است.

آقای رهپیک - این مصوبه، تفسیر ماده (۱۳۳) نیست.

آقای یزدی - در حقیقت این مصوبه مفاد ماده (۱۳۳) را محدودتر کرده است.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - این، اشکالی ندارد. دولت گفته است آیا شرکت‌های تعاونی تولید روستایی مشمول ماده (۱۳۳) بوده و از مالیات معاف هستند؟ مجلس در جواب می‌گوید نه، اینها در واقع مشمول ماده (۱۳۳) نیستند اما مشمول ماده (۸۱) هستند. این، اشکالی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - مجلس می‌گوید من که قانون مالیات‌های مستقیم را تصویب کرده‌ام می‌گویم این شرکت‌ها مشمول ماده (۸۱) هستند. حالا سؤال‌کننده اشتباه کرده که از مجلس پرسیده است آیا این شرکت‌ها مشمول ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم هستند یا نه؟ مجلس که این سؤال را خوانده، گفته است نه آقا این‌طور نیست. البته مجلس این پاسخ را به صراحت نگفته است بلکه به طور ضمنی گفته است که اینها مشمول ماده (۸۱) و معاف از مالیات هستند. مجلس نگفته است که این شرکت‌ها مشمول ماده (۱۳۳) هستند، بلکه گفته است که من این شرکت‌ها را مشمول ماده (۸۱) می‌دانم؛ یعنی این شرکت‌ها با توجه به ماده (۸۱) از پرداخت مالیات معافند.

آقای رهپیک - بله، مجلس همین را گفته است.

آقای مدرسی یزدی - این واقعاً بی‌لطفی است. سؤال می‌گوید آیا ماده (۱۳۳) شامل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی می‌شود یا نمی‌شود؟ سؤال این است. مجلس هم در جواب می‌گوید بله، شرکت تعاونی روستایی مشمول ماده (۱۳۳) است. اینها واقعاً هم مشمول این معافیت هستند. لذا بدون هیچ شبهه‌ای این موضوع اصلاً نیاز به استفسار نداشت. مجلس در

۱. ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۱- درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل تا پایان سال ۱۳۷۲ از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. ...»

ماده (۱۹) قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۷۱/۲/۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۹- در ماده (۸۱) بعد از عبارت «زنبور عسل» عبارت «و پرورش طیور، صیادی و ماهی‌گیری، نوغان‌داری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات» اضافه و عبارت «تا پایان سال ۱۳۷۲» حذف می‌گردد.»

شرکت‌ها مشمول معافیت مالیاتی می‌شوند که مشمول موضوع ماده (۸۱) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم باشند.

آقای علیزاده - مجلس در این مصوبه می‌گوید من تنها فعالیت‌های تعاونی این چنینی را مشمول معافیت مالیاتی می‌دانم و غیر از این را فعالیت تعاونی روستایی نمی‌دانم.

آقای مدرسی یزدی - مجلس [با استفساریه] نمی‌تواند چنین کاری بکند؛ چون در این صورت مجلس دارد تقنین می‌کند. این مصوبه، تقنین است.

آقای یزدی - این موضوع یک راه حل دیگری دارد.

آقای علیزاده - خیلی خوب، حالا موضوع روشن است دیگر. حضرات آقایانی که می‌فرمایند این مصوبه، تفسیر نیست بلکه تقنین و تزییق قانون است، بفرمایند. آقایانی که به این موضوع رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - به نظر من که تقنین است.

آقای یزدی - به نظر من هم تفسیر نیست.

آقای ره‌پیک - بله، روشن است که تفسیر نیست.

منشی جلسه - چهار رأی دارد.

آقای یزدی - اینکه شرکت‌های تعاونی حاصل از اتحاد اراضی باید مشمول [معافیت مالیاتی موضوع ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم] بشوند خیلی روشن است، اما با عناوینی که در ماده (۸۱) همین قانون آمده است، مشمول این معافیت نمی‌شوند.

آقای علیزاده - به نظر ما این مصوبه اشکالی ندارد.

آقای جنتی - ایراد این مصوبه چند رأی دارد؟

منشی جلسه - چهار رأی.

آقای ره‌پیک - خوب، حالا پنج رأی شد. حالا تعداد آرا کم کم زیاد می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - حاج آقا [جنتی] هم رأی می‌دهند؛ پس شش رأی شد. آقای شاهرودی چرا رأی نمی‌دهید؟ دلیلتان را بفرمایید ما هم آن را بدانیم.

آقای یزدی - آقای شاهرودی، یک نوع از شرکت تعاونی که قبلاً درباره‌ی آن در شورای نگهبان مفصلاً بحث شده است، شرکت‌های تعاونی راجع به اراضی است. چون برای کشاورزی که دو هکتار سه هکتار زمین دارد صرف نمی‌کند که به صورت به اصطلاح موتوریزه کار بکند، لذا شش تا هفت تا از این کشاورزان زمین‌دار با هم یک شرکت درست می‌کنند. این نوع شرکت، شرکت اراضی است. کشاورزان برای اینکه کارشان

این استفساریه فقط می‌آید یک قید دیگر هم به آن معافیت ماده (۱۳۳) اضافه می‌کند و می‌گوید ما این شرکت‌ها را به شرط اینکه عناوین ماده (۸۱) در مورد فعالیت آنها رعایت بشود مشمول معافیت مالیاتی می‌دانیم.

آقای یزدی - یعنی شرکت‌های موضوع ماده (۱۳۳) شامل معافیت مالیاتی نیستند؟!

آقای ره‌پیک - بله دیگر، معنای استفساریه همین می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه خلاف بین است؛ چون این مصوبه تفسیر نیست، تقنین است.

آقای علیزاده - در ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم، اسم شرکت‌های تعاونی روستایی آمده است، اما حالا در این استفساریه اسم این شرکت‌ها را شرکت‌های تعاونی تولید روستایی آورده‌اند.

آقای یزدی - حالا بگذارید موضوع یک مقدار روشن‌تر بشود.

شرکت‌های تعاونی تولیدی روستایی کشاورزی، راجع به اراضی است؛ یعنی زمین‌های کشاورزانی که فرض کنید یک هکتار دو هکتار زمین داشته‌اند را با توافق خودشان یکی کرده و گفته‌اند این ده تا کشاورز که هر کدام دو یا سه هکتار زمین دارند با هم یک شرکت تعاونی تشکیل بدهند و یک نوع محصول کشاورزی کشت کنند. این مطلب را قبلاً قانون [تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴] گفته است.

اصل ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم، معافیت شرکت‌های تعاونی از پرداخت مالیات را بیان کرده است. حالا در این طرح سؤال شده است که آیا این ماده شامل شرکت تعاونی تولید روستایی که فعالیتش منطبق بر اساسنامه و عناوین مذکور در ماده (۸۱) باشد هم می‌شود یا نه؟ فرض بر این است که ماده (۸۱) معافیت مالیاتی را به عناوین خاصی محدود کرده است؛ یعنی شامل اتحاد اراضی نمی‌شود. ماده (۸۱) قطعاً موضوع اتحاد اراضی را در بر نمی‌گیرد. ماده (۸۱) فقط شامل عناوین خاصی مثل ماهی‌داری، زنبورداری، نوغان‌داری و عناوین خصای از این قبیل می‌شود. حالا سؤال این است که اگر چند تا کشاورز که هر کدام یک مقداری زمین دارند، با هم یک شرکت تشکیل دادند و مثلاً برنج یا گندم یا هر چیز دیگری که مطابق فلسفه‌ی ایجاد این شرکت‌های تعاونی باشد تولید کنند، آیا فعالیت این شرکت‌ها، مشمول معافیت مالیاتی می‌شود یا خیر؟ مجلس در این مصوبه می‌گوید نه، تنها به شرطی این

آقای هاشمی شاهرودی - دولت می‌خواسته با قانونی که مصوب قبل از انقلاب و سال ۱۳۴۹ بوده است، قانون مصوب بعد از انقلاب را قید بزند که مجلس با این مصوبه‌ی خود جلوی آن را گرفته است و می‌گوید این قید را نزن. این تفسیر کاری به شرکت‌های تعاونی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - تفسیر قانون در مجلس یک روندی دارد، تقنین هم روند دیگری دارد.

آقای علیزاده - شرکت تعاونی روستایی یک چیزهایی دارد که دولت می‌خواهد از آنها استفاده کند اما مجلس می‌گوید این کار را نکن.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، این مباحث با هم اشتباه نشود؛ تفسیر با تقنین فرق دارد. برای تقنین باید یک طرح یا لایحه‌ای وجود داشته باشد ولی تفسیر اینها را ندارد.

آقای یزدی - تفسیر یک قانون معنایش این است که آن ماده‌ی اصلی معنایش همین است که تفسیر می‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال تفسیر جدا از تقنین است.

آقای مؤمن - تفسیر هم در نهایت به قانون تبدیل می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال استفساریه غیر از لایحه و طرح است، استفساریه که طرح و لایحه نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این قانون، قبل از انقلاب تصویب شده است. بعد از انقلاب آمده‌اند جلویش را بگیرند که دولت می‌گوید این ...

آقای ره‌پیک - نه، من کاری به آن موضوع ندارم.

آقای مدرسی یزدی - این طور نمی‌شود. تصویب این مصوبه خلاف آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس و خلاف قانون اساسی است.

آقای ابراهیمیان - من هم با حاج‌آقا [مدرسی یزدی] موافقم، ولی باید توجه داشته باشیم که پس از طرح موضوع و انجام مذاکرات و همچنین رأی‌گیری، دیگر به بحث دوباره برنگردیم. بله، نباید دوباره به بحث برگردیم. من هم رأی مغایرت دادم، ولی این ایراد، رأی نیابرد و بحثش تمام شد.

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه، تفسیر نیست و شما هم رأی می‌دهید که تفسیر نیست.^۱

برای آنها از نظر تهیه‌ی وسایل کشت و امثال اینها صرف بکنند، چنین شرکتی درست می‌کنند. حالا مجلس در این تفسیر می‌گوید در صورتی این شرکت‌های تعاونی اراضی مشمول معافیت مالیاتی هستند که مشمول یکی از عناوین ماده (۸۱) باشند، در حالی که ماده (۸۱) فقط از هفت هشت نوع شرکت اسم برده و گفته است که فقط اینها معاف از مالیات هستند.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، ماده (۸۱) شامل این موارد مد نظر شما [= شرکت‌های تعاونی روستایی اراضی] هم می‌شود.

آقای یزدی - ماده (۸۱) گفته است فعالیت‌هایی مثل ماهی‌گیری، نوغان‌داری، زنبورداری و فلان و فلان معاف از مالیات هستند.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی این استفساریه در حقیقت می‌خواهد آن قانون را اصلاح بکند؛ ضمن اینکه حق تفسیر آن قانون را هم ندارد؛ چون آن قانون را مجلس دیگری تصویب کرده است و پس از انقلاب، این قانون اصلاح شده است و در قوانین جمهوری اسلامی به ماده (۸۱) اصلاحی مبدل شده است.

آقای مدرسی یزدی - پس ایشان [= آقای هاشمی شاهرودی] هم قبول دارند که این مصوبه تفسیر نیست.

آقای علیزاده - مجلس در قالب این تفسیر دارد می‌گوید منظور من از شرکت تعاونی روستایی که مشمول معافیت مالیاتی قرار داده‌ام اینهاست تا اگر آنجا [در سازمان امور مالیاتی] تفسیر دیگری از این قانون می‌کنند و می‌گویند این شرکت‌ها، شرکت تعاونی روستایی نیستند، از این به بعد آنها را شرکت تعاونی روستایی بدانند.

آقای مدرسی یزدی - پس شما هم رأی بدهید که این مصوبه، تفسیر نیست.

آقای یزدی - بالاخره با سؤال غلط است یا جواب غلط است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این حرف‌ها چیست؟!

آقای ره‌پیک - حاج‌آقا [هاشمی شاهرودی]، دولت الآن از شرکت‌های تعاونی روستایی مالیات می‌گیرد. دولت همین الآن دارد از اینها مالیات می‌گیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - این قانون [= قانون مالیات‌های مستقیم]، اصلاحی بعد از انقلاب بوده است، نه قبل از انقلاب. پس چرا بعد از انقلاب هم به آن قانون قبل از انقلاب استناد می‌کنیم؟!

آقای ره‌پیک - اصلاً فعالیت شرکت‌های تعاونی روستایی فرق می‌کند.

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۹۶/۲۶۶۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۱، طرح استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن، مصوب جلسه مورخ هفدهم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم و اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار

منشی جلسه - دو تا اساسنامه‌ی دیگر برای بررسی داریم؛ یکی «اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم»^۱ است و دیگری «اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار»^۲.

آقای علیزاده - بله، آقایان این اساسنامه‌ها را خوانده‌اند؟

آقای ره‌پیک - ما [در مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] نظرم را داده‌ایم. قرار بود که آقایان مجمع مشورتی فقهی قم هم نظرشان را بدهند.

آقای علیزاده - آنها هفته‌ی قبل نظرشان را فرستادند. آنها نظر داده‌اند که این اساسنامه‌ی مربوط به قشم خلاف شرع است.

آقای اسماعیلی - بله، [از جهت مغایرت این اساسنامه با قانون

۱. اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ به تصویب هیئت وزیران رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۹۴۱۸/۲۷۷۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و نیز بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۶ هیئت وزیران، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۳ به هیئت وزیران اعلام شد.

۲. اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۰۸۷/۲۷۷۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۶ هیئت وزیران، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به هیئت وزیران اعلام شد.

اساسی هم] گفته‌اند که کلمه‌ی «پتانسیل» [در بند (ب) ماده (۴)] خلاف اصل (۱۵) قانون اساسی است.^۳
آقای سلیمی - ماده (۴) را ببینید. آقایان گفته‌اند که این ماده خلاف شرع است؛ گفته‌اند که استفاده از تسهیلات مالی خارجی، وام ربوی می‌شود.^۴
آقای علیزاده - بله، اولین ایراد آقایان مجمع مشورتی فقهی به ماده (۴) است.

آقای یزدی - استفاده از کلمه‌ی «پتانسیل» را هم ایراد گرفته‌اند. این کلمه که خیلی روشن است! الآن معادل فارسی کلمه‌ی «پتانسیل» چیست؟

آقای مدرسی یزدی - «ظرفیت».

آقای یزدی - این هم که کلمه‌ای عربی است.

آقای مدرسی یزدی - «توان»، «استعداد».

آقای اسماعیلی - الآن همین کلمه‌ی «پتانسیل» را بگویند، مردم بهتر متوجه می‌شوند.

آقای ره‌پیک - ایراد ما به این مصوبه که در گزارشمان^۵ هم آمده است، ایراد از جهت مخالفت با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است. حالا اگر قرار است با توجه به این حکمی که آقا [=مقام معظم رهبری] فرموده‌اند^۶ عمل کنیم

۳. «ماده (۴) بند (ب): ... استفاده از لفظ «پتانسیل» خلاف اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.» نظر مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/g9JnC

۴. «ماده (۴) بند (ج): ... اطلاق استفاده از تسهیلات مالی از جهت شمول نسبت به استفاده از وام‌های خارجی ربوی، خلاف شرع می‌باشد و قید «با رعایت قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» قید تسهیلات مالی نمی‌باشد تا چه بسا رافع اشکال باشد بلکه قید «کارگزاری در سازمان بورس ...» می‌باشد.» نظر مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/g9JnC

۵. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۲۰-۲۲، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/RembZ همچنین بررسی تفصیلی این موضوع در گزارش زیر نیز انجام شده است: نظر مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۵۰۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/E8cfO

۶. مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۳۲۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ دبیر شورای نگهبان در خصوص صلاحیت شورای نگهبان در اعلام مغایرت مصوبات مغایر با سیاست‌های کلی نظام، در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ مقرر فرمودند: «در مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، مغایرت یا عدم انطباق مصوبات مجلس را -بلاخص در قانون

[این ایراد را باید بررسی کنیم].

آقای علیزاده - بله، آقا [= مقام معظم رهبری] فرمودند [که مغایرت مصوبات با سیاست‌های کلی نظام را هم بررسی کنید]؛ لذا اگر این اساسنامه هم با سیاست‌های کلی نظام مخالفت دارد، رأی مغایرت می‌دهیم؛ چرا رأی ندهیم.

آقای یزدی - این اشکال مجمع مشورتی فقهی در خصوص تسهیلات مالی را برخی دیگر از اساسنامه‌هایی که [در جلسه‌ی هفته‌ی گذشته مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸] بررسی کردیم هم داشتند که گفتیم چون وام گرفتن از خارج، مستلزم ربا دادن است، اشکال دارد.^۱

آقای علیزاده - ماده چند اساسنامه است؟

آقای ره‌پیک - ماده (۴).

آقای شب‌زنده‌دار - بند (ج) ماده (۴).

آقای یزدی - بله، بند (ج) ماده (۴).

آقای علیزاده - بله، این حکمی که در بند (ج) آورده‌اند، همیشه ایراد داشته است. حالا آقایان یکی یکی ایرادهای این اساسنامه را بفرمایید.

→

برنامه‌های پنج‌ساله یا قانون برنامه و بودجه سالیانه - با سیاست‌های کلی به شورای نگهبان اعلام کند، شورای محترم موظف است بر اساس نظر مجمع، اقدام و مخالفت آن مصوبه را به مجلس اعلام نماید. لکن در مواردی که مجمع در این باره اعلام نظر نکرده است، شورای نگهبان بر طبق وظیفه‌ی ذاتی خود درباره‌ی مغایرت و عدم انطباق مصوبه با سیاست‌ها عمل خواهند کرد.

۱. شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، پانزده مورد اساسنامه مربوط به شرکت‌های تولید نیروی برق با نام‌های شهید مفتاح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد را بررسی کرد. همچنین در این جلسه، مصوبات هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران و اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) را بررسی کرد و همگی آنها را با ایرادی مشابه از جهت تجویز اخذ وام ربوی یا روش‌های تأمین مالی ربوی، مغایر با موازین شرع اعلام کرد. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران اظهار داشت: «نظر به اینکه اطلاق بند (۱۰) ماده (۷)، مبنی بر اجازه اخذ وام از منابع خارجی مستلزم تجویز اخذ وام نیز ربوی بوده، خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چون شامل معاملات ربوی هم می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.» برای آگاهی بیشتر در این خصوص، بنگرید به مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان.

آقای مدرسی یزدی - من هم یک اشکال دیگری غیر از این اشکالاتی که آقایان [در مجمع مشورتی فقهی و حقوقی] می‌فرمایند، به این مصوبه دارم.

آقای علیزاده - ماده (۴) را قرائت بفرمایید.

منشی جلسه - «ماده ۴ - شرکت مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی جهت تحقق اهداف خود نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید:

الف - سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران در چارچوب شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی

ب - ...»

آقای مدرسی یزدی - مبنای ایجاد این شورای عالی مناطق آزاد، «قانون» است یا «آیین‌نامه»؟ اصلاً این شورای عالی مناطق آزاد چه ماهیتی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - دولتی است؛ زیر نظر دولت است.

آقای علیزاده - این عبارت «سیاست‌های ابلاغی» [شورای عالی مناطق آزاد که در صدر ماده (۴) این مصوبه گفته شده است] چیست؟ این قوانینی که هیئت وزیران در ابتدای این مصوبه آورده است و به آنها استناد کرده است را بیاورید تا بخوانیم. بند (ب) ماده (۴) و ماده (۷) [قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷] را به عنوان مستند قانونی آورده‌اند.^۲ بخوانید تا ببینیم این قوانین به هیئت وزیران اجازه‌ی تصویب چه چیزی را داده است.

آقای مدرسی یزدی - وضعیت این شورای عالی مناطق آزاد هم در آن قانون معلوم می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - آن عبارت «مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۴» در سطر اول این مصوبه هم اشتباه است؛ باید ۱۳۹۲/۱۰/۱۴ باشد. اصلاً هنوز تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ نیامده است.

آقای علیزاده - بند (ب) ماده (۴) و ماده (۷) قانون چگونگی

۲. عبارات ابتدایی مصوبه‌ی هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم بدین شرح است: «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۳/۴ به پیشنهاد شماره ۹۲۲/۱۰/۴۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی و به استناد بند (ب) ماده (۴) و ماده (۷) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۲ - اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم را به شرح زیر تصویب کرد: ...»

دولت جدید هم «شورای عالی» شد.^۳

آقای یزدی - الان اشکالتان به چیست؟

آقای مدرسی یزدی - الان در ماده (۴) این اساسنامه گفته است که شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم، می‌تواند در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد فعالیت کند. [این واگذاری صلاحیت تعیین سیاست به شورای عالی مناطق آزاد] ممکن است به قانون‌گذاری بکشد. ماده (۴) می‌گوید: «شرکت مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی جهت تحقق اهداف خود نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید: الف- سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی؛ ایشان [= آقای علیزاده] می‌گوید ما نمی‌دانیم که این چارچوب چه چارچوبی است؛ شاید به قدری باشد که در حد قانون‌گذاری باشد.

آقای یزدی - این شورا قانون دارد؛ لابد یک اختیاراتی هم باید داشته باشد.

آقای اسماعیلی - من هم سؤال می‌کنم که اختیارات این شورا چیست؟

آقای مدرسی یزدی - شرح وظایف این شورای عالی مناطق آزاد، اصلاً به شورای نگهبان نیامده است. وقتی که چیزی را دولت درست کرده باشد، هر طوری هم که بخواهد آن [سیاست‌های ابلاغی] را تصویب می‌کند.

آقای یزدی - ما شش تا یا ده تا منطقه‌ی آزاد داریم؛ یک شورای عالی مناطق آزاد هم داریم.

آقای مدرسی یزدی - کجاست؟ این شرح وظایف این شورای عالی مناطق آزاد در کدام قانون آمده است؟ ما باید بدانیم که اعضای این شورای عالی چه کسانی هستند.

آقای علیزاده - آقایان دقت کنید. بر اساس آنچه قانون [= بند (ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-

اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی را بیاورید تا ببینیم که آیا هیئت وزیران اصلاً اختیار تصویب اساسنامه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم را دارد، که این اساسنامه را تصویب کرده است.

آقای یزدی - لابد کل مناطق آزاد مختلفی که در کشور وجود دارد، یک شورای مرکزی دارند که آنها را کنترل می‌کند.

منشی جلسه - بند (ب) ماده (۴) قانون مناطق آزاد گفته است که هیئت وزیران مسئولیت تصویب اساسنامه‌ی سازمان و شرکت‌های تابعه را دارد.^۱ ماده (۷) هم که می‌گوید: «ماده ۷- سازمان هر منطقه مجاز است با تصویب هیئت وزیران نسبت به تشکیل شرکت‌های لازم که طبق موازین قانون تجارت تشکیل می‌شود، اقدام نماید».

آقای علیزاده - بند (ب) را یک‌بار دیگر ببینیم.

منشی جلسه - بند (ب) می‌گوید تصویب اساسنامه‌ی سازمان و شرکت‌های تابعه جزء اختیارات و مسئولیت‌های هیئت وزیران است.

آقای علیزاده - بله، تصویب اساسنامه‌ی هم سازمان و هم شرکت‌های تابعه جزء مسئولیت‌های هیئت وزیران است.

منشی جلسه - فکر می‌کنم مبنای ایجاد شورای عالی مناطق آزاد، مصوبه‌ی هیئت وزیران است و در قانون نیست.^۲ در

۱. ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۴- هیئت وزیران مسئولیت:

الف- تصویب آیین‌نامه‌ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های هر منطقه

ب- تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه

ج- تصویب برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت‌های مالی سازمان‌های مناطق

د- تصویب مقررات امنیتی و انتظامی مناطق با تأیید فرماندهی کل قوا

ه- اعمال نظارت عالی بر فعالیت‌های مناطق

را به عهده خواهد داشت.»

۲. بند (۱) مصوبه‌ی شماره ۱۱۳۲۰۰/ت/۴۹۵۱۶-هـ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵ هیئت

وزیران: «به منظور ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی، شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و

ویژه اقتصادی متشکل از رئیس جمهور (رئیس شورا)، وزیران امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، امور خارجه، کشور، نفت،

تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و شهرسازی، دادگستری، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، رئیس

کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دبیر شورا تشکیل می‌شود.

تبصره- دبیر شورای مذکور توسط رئیس جمهور تعیین می‌شود.»

۳. مصوبه‌ی شماره ۲۵۳۰۵/ت/۴۹۹۸۲-هـ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ هیئت وزیران: «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۳/۴ به پیشنهاد دبیرخانه شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد: در تصویب‌نامه شماره ۱۱۳۲۰۰/ت/۴۹۵۱۶-هـ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵، عبارت «شورای هماهنگی» به عبارت «شورای عالی» اصلاح می‌شود.»

آقای هاشمی شاهرودی - تشکیل شورای عالی مناطق آزاد، بر اساس مصوبه‌ی خود هیئت وزیران است.

آقای مدرسی یزدی - برخی از آقایان می‌گفتند که این شورای عالی «قانون» ندارد.

آقای اسماعیلی - نه، یک قانونی دارد.

آقای مدرسی یزدی - باید قانون آن را پیدا کنیم. اگر قانون داشته باشد که مشکلی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، حتماً قانون دارد.

آقای یزدی - علی‌القاعده شورای عالی مناطق آزاد قانون دارد.

آقای جنتی - قانون آن را باید پیدا کنیم.

آقای اسماعیلی - حالا بحث این است که تصویب اساسنامه‌ی سازمان و شرکت‌های تابعه [که طبق بند (ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران، از مسئولیت‌های هیئت وزیران است]، یعنی شرکت‌های تابعه‌ی موجود یا شرکت‌هایی که سبب‌وجد^۲؟

آقای مدرسی یزدی - اعم است.

آقای اسماعیلی - این مسئولیت هیئت وزیران اعم است؟! مجلس باید به طور موردی اجازه‌ی تصویب اساسنامه را به هیئت وزیران بدهد.

آقای مدرسی یزدی - نه، مجلس هیچ‌وقت به صورت موردی اجازه‌ی تصویب چنین اساسنامه‌هایی را نداده است؛ همیشه به صورت کلی اجازه می‌دهد.

منشی جلسه - شورای عالی مناطق آزاد را در «قوانین» نداریم؛ تشکیل این شورا بر اساس مصوبه‌ی هیئت وزیران است. آقای دکتر، در قوانین جست‌وجو کردم، چنین چیزی در قوانین وجود ندارد.

آقای مدرسی یزدی - خود همان واژه‌ی شورای عالی مناطق آزاد را جست‌وجو کنید، ببینیم جایی پیدا می‌شود یا نه.

آقای علیزاده - ظاهراً در همین قانون [= قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران]، شورای عالی را داریم؛ نداریم؟

منشی جلسه - نه، در این قانون، چنین چیزی نداریم. ظاهراً شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب هیئت وزیران است؛ قانون نیست.

آقای یزدی - باید کسی باشد که به مناطق آزاد، اجازه‌ی فعالیت

صنعتی جمهوری اسلامی ایران] به دولت اجازه داده است، دولت می‌تواند اساسنامه‌ی منطقه‌ی آزاد قشم و شرکت‌های تابعه‌ی آن را تصویب کند. اما الان دولت آمده است اساسنامه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم را تصویب کرده است.

آقای مدرسی یزدی - خب این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم، شرکت تابعه است دیگر.

آقای علیزاده - همین‌طوری که نمی‌شود هر چیزی را تابعه محسوب کرد.

آقای یزدی - این شرکت، شرکت تابعه‌ی همان منطقه‌ی آزاد است.

آقای علیزاده - نه، اینکه در منطقه‌ی آزاد هر چه اساسنامه‌ی شرکت دولتی تصویب شود که نمی‌شود آن را تابعه آنجا گفت.

آقای یزدی - این شرکت، تابعه‌ی منطقه‌ی آزاد خاص است.

آقای علیزاده - آیا در تصویب این شرکت دارد می‌گوید که این شرکت تابع سازمان منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی قشم است یا دارد یک شرکت مستقل در داخل منطقه‌ی آزاد قشم به وجود می‌آورد؟ هر شرکتی را که دولت در منطقه‌ی آزاد قشم به وجود بیاورد که تابعه نیست.

آقای مدرسی یزدی - خب، [در ماده (۱) اساسنامه‌ی این شرکت] می‌گوید که «صد درصد سهام آن متعلق به سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی قشم می‌باشد»^۱

آقای یزدی - یعنی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم یک شرکت تابعه‌ی منطقه‌ی آزاد قشم می‌شود.

آقای اسماعیلی - بله، صد درصد سهام آن شرکت متعلق به سازمان منطقه‌ی آزاد قشم است؛ ولی مسئله‌ی من این است که این مصوبه می‌گوید هر سیاستی که این شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی ابلاغ کرد، شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم می‌تواند طبق آن سیاست عمل بکند. خب ما باید ببینیم که این شورای عالی متشکل از چه کسانی است و شرح وظایف آنها تعیین چه سیاست‌هایی است.

آقای مدرسی یزدی - اگر «قانون»، داشته باشد، عیبی ندارد. ما باید بفهمیم [که این شورا چه شأنیت قانونی دارد].

۱. ماده (۱) اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم مصوب هیئت وزیران: «ماده ۱- نام شرکت، شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم (سهامی خاص) می‌باشد که دارای تابعیت ایرانی بوده و صد درصد سهام آن متعلق به سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی قشم می‌باشد و از این پس در این اساسنامه، به اختصار «شرکت» نامیده می‌شود.»

۲. «سبب‌وجد» به معنای «در آینده به وجود خواهند آمد» است.

در این اصلاحیه‌ها هم چیزی به عنوان «شورای عالی مناطق آزاد» نداریم.

آقای ره‌پیک - در قوانین هیچ اشاره‌ای به وظایف شورای عالی مناطق آزاد نشده است.

منشی جلسه - در آیین‌نامه است.

آقای علیزاده - خب، آن را بیاورید؛ شاید صلاحیت شورای عالی مناطق آزاد در همان‌جا آمده باشد.

منشی جلسه - تصویب‌نامه‌ای هست با عنوان «تشکیل شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی». من در خاطر ام است که ظاهراً در دولت جدید در همین ماه‌های اخیر، این عنوان «شورای هماهنگی» تبدیل به «شورای عالی» شد و این تغییر هم تصمیم هیئت وزیران بود.

آقای هاشمی شاهرودی - به هر حال لابد شورای هماهنگی همین شورای عالی است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این که نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - «به منظور ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی، شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی متشکل از رئیس‌جمهور (رئیس شورا) ...»^۴ همین دیگر، اسم این شورای هماهنگی مناطق آزاد را در این اساسنامه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری قشم، شورای عالی مناطق آزاد گذاشته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - نه آقا، اینها دو تا هستند؛ الکی که نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - این مصوبه‌ی مربوط به تشکیل شورای هماهنگی مناطق آزاد مصوب سال ۱۳۹۲ است.

آقای مدرسی یزدی - اطلاعات و داده‌های دو سه ماه اخیر قوانین و مصوبات را در این نرم‌افزار ندارید؟
منشی جلسه - نه.

آقای علیزاده - شما همان قانون اولیه‌اش را بیاورید.

آقای مدرسی یزدی - ندارد؛ آن قانون که چیزی تحت عنوان شورای عالی مناطق آزاد ندارد.

بدهد؛ به احتمال قوی همین شورای عالی مناطق آزاد است که باید چنین اجازه‌ای را بدهد.

آقای علیزاده - اگر شورای عالی مناطق آزاد مصوب هیئت وزیران باشد، هیئت وزیران نمی‌تواند به این شورای عالی اجازه دهد که برای مناطق آزاد «سیاست» تعیین کند.

منشی جلسه - این قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۷۲ است که حرفی از شورای عالی مناطق آزاد در آن نیامده است.

آقای علیزاده - به نظرم می‌رسد که در یک قانونی، این شورای عالی مناطق آزاد آمده است که متشکل از چندین وزیر و اینها است و بعد در آنجا گفته شده است که اعضای این شورا تفویض اختیار می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - الآن شورای عالی مناطق آزاد محل سؤال است، وگرنه شوراهای عالی همین‌طوری، خیلی داریم.

منشی جلسه - در مجموعه‌ی قوانین چیزی تحت عنوان شورای عالی مناطق آزاد یافت نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - خب، پس نیست. بنابراین این حکم ماده (۴) این اساسنامه هم درست نیست.

آقای علیزاده - قوانین مربوط به مناطق آزاد را بیاورید.

منشی جلسه - در قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۲، فقط یک شورای عالی هست که آن هم شورای عالی بورس است.^۱

آقای یزدی - نه، لابد در همین قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد باید این شورای عالی مناطق آزاد آمده باشد.

آقای مدرسی یزدی - اصلاحات بعدی این قانون چیست؟

آقای علیزاده - قانون را با اصلاحات بعدی، یک‌جا آورده است.

منشی جلسه - بله، این قانون در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸ اصلاح شده است،^۲ در سال ۱۳۸۸ هم اصلاح شده است،^۳ ولی

۱. ماده (۲۹) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۲۹ (الحاقی ۱۳۸۸/۱۲/۱۵) - تأسیس و فعالیت بورس‌ها با سرمایه داخلی و خارجی در مناطق آزاد بر اساس مقررات مجاز و تابع آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

۲. قانون اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی و قانون اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری

→

اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸/۴/۳۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳. قانون اصلاح ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۸/۳/۶ مجلس شورای اسلامی و قانون اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۴. بند (۱) تصویب‌نامه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۳ هیئت وزیران با عنوان تشکیل شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی.

←

مسئلاً این حق را به شورای عالی نمی‌دهند؛ چون مثلاً قانون‌گذاری در زمینه‌ی فرهنگی چه ارتباطی با سیاست‌های ابلاغی شورای عالی دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، شورای عالی حق قانون‌گذاری را ندارد، اما بالاخره باید معلوم شود که این شورای عالی چیست، اعضایش چه کسانی هستند و وظایفش چیست.

آقای یزدی - حالا هر چه که هست، فعلاً ماده (۴) این مصوبه می‌خواهد بگوید که شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم در چارچوب سیاست‌های ابلاغی این شورا کار می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - از کجا معلوم که تشکیل این شورای عالی درست باشد و بر اساس قانون باشد؟

آقای یزدی - بالاخره معلوم است که شورای عالی مناطق آزاد داریم.

آقای مدرسی یزدی - پس چرا اسمش در قوانین نیامده است؟ شاید علتش این است که اصلاً تشکیل این شورا، قانونی نیست.

آقای جنتی - هر چه هست، بالاخره یک شورای عالی تصویب شده است.

آقای یزدی - بله، غیرقانونی که نیست.

آقای جنتی - بله، شورای عالی تصویب شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، معلوم نیست که این شورا قانونی باشد؟ اصلاً معلوم نیست که این شورا قانونی باشد.

آقای جنتی - اگر این‌گونه باشد، ماده (۴) این مصوبه دارد اجازه به مجهول می‌کند!

آقای یزدی - ظاهر ماده (۴) این است که شورای عالی مناطق آزاد، قانونی است.

آقای ره‌پیک - حالا می‌خواهید اشکالات دیگر را بررسی کنیم. شما به عبارت ماده (۴) اساسنامه که گفته است «در چارچوب

سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد» اشکال دارید؟

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر؛ ما می‌خواهیم بدانیم که شورای عالی مناطق آزاد تا چه حدی اختیارات دارد؛ آیا به آن شورا در

حد قانون‌گذاری اختیار داده‌اند یا اختیار کمتری دارد؟

آقای یزدی - در اینجا موضوع، سیاست‌گذاری ابلاغی است؛ اصلاً مفهوم سیاست‌های ابلاغی، هیچ‌وقت شامل قانون‌گذاری نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نباید شامل قانون‌گذاری بشود؛ ولی شاید شده باشد.

آقای علیزاده - اولین قانون مصوب را بیاورید، بدون اصلاحات بعدی.

آقای هاشمی شاهرودی - شورای عالی مناطق آزاد، همان شورای هماهنگی مناطق آزاد است که مصوب هیئت وزیران است. اسم شورای هماهنگی را شورای عالی گذاشته‌اند؛ چون رئیس آن شورا، رئیس جمهور است.

آقای جنتی - نه، این شورای عالی غیر از آن شورای هماهنگی مناطق آزاد است.

آقای مدرسی یزدی - این کاری که ماده (۴) این اساسنامه برای این شورا گفته است، کار خیلی مهمی است؛ دارد می‌گوید «شرکت مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی جهت تحقق اهداف خود، نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید...».

آقای شب‌زنده‌دار - بله، چیز ساده‌ای نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - همان شورای هماهنگی مناطق آزاد است که به شورای عالی مناطق آزاد تبدیل شده است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال باید وظایف این شورا برای ما روشن شود.

آقای علیزاده - هیئت وزیران نمی‌تواند بگوید که «سیاست» به وسیله‌ی شورای عالی مناطق آزاد، تعیین و اعمال می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً ماده (۴) اساسنامه، خلاف قانون است. شاید بهتر باشد که به این ماده، ابهام بگیریم.

آقای یزدی - اشکال شما چیست؟ بالاخره مسلماً این شورای عالی، حق قانون‌گذاری ندارد؛ حق هر کاری را داشته باشد، حق قانون‌گذاری ندارد.

آقای علیزاده - این اساسنامه را به مرکز تحقیقات [= پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] بفرستیم تا این موضوع را بررسی کنند. این اساسنامه که مصوبه‌ی مجلس نیست که وقت اظهار نظرش بگذرد. اگر مصوبه‌ی مجلس بود، بله، وقتش می‌گذشت.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد.

آقای علیزاده - این ابهامی است که توسط خودمان قابل رفع است؛ بنابراین ما چرا این مصوبه را برگردانیم.

آقای یزدی - اشکال این عبارت «شرکت مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد...» این است که ممکن است شورای عالی، حق قانون‌گذاری داشته باشد و این حق قانون‌گذاری خلاف قانون اساسی است. اما

فعالیت و بنگاه باید بیست درصد داشته باشد. قانون گفته است که در کل بیست درصد این فعالیت‌ها، دست دولت باشد؛ قانون نگفته است که بیست درصد هر فعالیت اقتصادی در اختیار دولت باشد.

آقای ره‌پیک - شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم تازه دارد بر اساس ماده (۴)، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی را شروع می‌کند.

آقای یزدی - اشکال مجمع مشورتی فقهی به بند (ج) ماده (۴) وارد است.

آقای مدرسی یزدی - بند (ب) را بخوانیم.

آقای یزدی - اشکال بند (ب)، مربوط به کلمه‌ی «پتانسیل» است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اشکال بند (ب)، بیشتر از آن است.

آقای یزدی - اشکال دیگری دارید؟

آقای مدرسی یزدی - بله، بند (ب) را بخوانید.

آقای علیزاده - «ب- انجام فعالیت‌ها و اقدامات لازم و اطلاع‌رسانی در خصوص شناسایی، جذب و هدایت سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی در جهت استفاده بهینه از منابع و امکانات و پتانسیل‌های منطقه و کمک به ارتقای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی قشم با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۲/ت۲۳ مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی آن.»

آقای اسماعیلی - عرض من در خصوص این بند این است که اینجایی که می‌گوید با «رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی...»؛ اگر این قید را مناسب این بند گفته باشد، باید با رعایت همه‌ی قوانین و همه‌ی مقررات از جمله این مقررات خاص می‌گفت؛ در حالی که بند (ب) را از قید همه‌ی قوانین و مقررات آزاد گذاشته است و از بین همه‌ی قوانین و مقررات، فقط همین یکی [تصویب‌نامه‌ی شماره ۳۳۴۳۲/ت۲۳ مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶] را ذکر کرده است. این شرکت، باید رعایت بقیه‌ی قوانین را نیز بکند.

آقای جنتی - این بند که رعایت سایر قوانین را نفی نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - در هیچ‌جا رعایت سایر قوانین و مقررات عمومی را نفی نمی‌کند.

آقای علیزاده - پس چطور لزوم رعایت آن تصویب‌نامه را نوشته‌اند؟

آقای جنتی - رعایت سایر قوانین و مقررات محفوظ است.

آقای یزدی - سیاست‌هایی که در کشور به وجود می‌آید یک شورای عالی دارد و یک مرکز هماهنگی هم دارد. شورای عالی مناطق آزاد سیاست‌هایی را ابلاغ می‌کند که منطقه‌ی آزاد قشم باید بر اساس این سیاست‌ها کار کند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، باید راجع به این موضوع تحقیق کنیم. حالا مواد بعدی اساسنامه که به آنها اشکال داریم را بخوانیم. ما به بند (ب) ماده (۴) اشکال داریم.

آقای یزدی - در بند (ب)، همان کلمه‌ی «پتانسیل» محل اشکال است.

آقای ره‌پیک - ما [در مجمع مشورتی حقوقی] بند (الف) ماده (۴) را خلاف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی^۱ می‌دانیم؛ چون که این بند به طور عام، سرمایه‌گذاری در همه‌ی فعالیت‌های بازرگانی و عمرانی و صنعتی و خدماتی را اجازه می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - مگر مناطق آزاد از این سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی استثنا نشده بود؟

آقای ره‌پیک - نه، سیاست‌های کلی اصل (۴۴) گفته است که دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد. این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم هم شرکت دولتی است دیگر.

آقای علیزاده - دولت می‌گوید این سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های موضوع بند (الف) ماده (۴)، همان بیست درصدی (۲۰٪) است که قانون می‌گوید من می‌توانم آن را در اختیار داشته باشم.^۲ از نظر کلی که در این قانون نیامده است که از هر

۱. جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری: «دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد.»

۲. تبصره (۱) بند (ب) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «تبصره ۱- دولت مجاز است به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون،* با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه‌گذاری نماید که سهم دولت از بیست درصد (۲۰٪) ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد.»

* «ماده ۲- فعالیت‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران شامل تولید، خرید و یا فروش کالاها و یا خدمات به سه گروه زیر تقسیم می‌شود: گروه یک- تمامی فعالیت‌های اقتصادی به جز موارد مذکور در گروه دو و سه این ماده.

گروه دو- فعالیت‌های اقتصادی مذکور در صدر اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به جز موارد مذکور در گروه سه این ماده.

گروه سه- ...»

آقای علیزاده - نه، دولت ضمن تصویب اساسنامه نمی‌تواند قانون را از بین ببرد.

آقای ابراهیمیان - نه، عرضم این است که قانون اساسی گفته است [مجلس می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی را به دولت واگذار کند]. یک بحثی مطرح شد که آیا دیوان عدالت اداری می‌تواند اساسنامه‌ی مصوب هیئت وزیران را به خاطر مخالفت با قوانین عادی ابطال کند یا خیر. اگر قانون اساسی گفته است که مجلس می‌تواند تصویب اساسنامه را به هیئت وزیران واگذار کند، یعنی همه‌ی شئون تقنینی مربوط به اساسنامه، استثنائاً به قوه‌ی مجریه واگذار شده است.

آقای مدرسی یزدی - مسلماً منصرف است؛ شکی نیست [که با تفویض مجلس، همه‌ی شئون تقنینی مربوط به اساسنامه به قوه‌ی مجریه واگذار می‌شود].

آقای علیزاده - شکی در آن نیست.

آقای ابراهیمیان - اگر اسم چیزی که مجلس تصویب آن را به دولت واگذار کرده است اساسنامه باشد، می‌تواند.

آقای مدرسی یزدی - ولو قانون اجازه دهد.

آقای ابراهیمیان - نه، اگر مجلس قانون بگذارد و تصویب کند که دیگر اسمش اساسنامه نیست. [اگر مجلس به دولت تفویض کند که اساسنامه را برخلاف قوانین عادی تصویب کند] به خاطر تجاوز از اختیار و واگذاری، آن کسی که چنین اختیاری را واگذار کرده است، کارش خلاف قانون اساسی است؛ ولی اگر نه، فعالیت‌های شرکت در چارچوب اساسنامه بگنجد، هر اختیاری که مجلس خودش داشته است، می‌تواند آن را تقلیل داده و به دولت واگذار کند. این اختیار، قابل واگذاری است. این، نکته‌ی مهمی است.

آقای یزدی - خیر، آنچه که بند (ب) ماده (۴) این اساسنامه می‌گوید، «جذب و هدایت سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی» است که با رعایت قوانین و مقررات هدایت سرمایه‌گذاری باید باشد. موضوع این بند، مسئله‌ی هدایت سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی است که طبعاً گفته شده است که «با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری» است.

منشی جلسه - این مقررات، همان مصوبه‌ی هیئت وزیران در خصوص مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی است.^۱

آقای مدرسی یزدی - معلوم است؛ همه‌جا همین‌طور است. در بعضی مصوبات دیگر که می‌گفتیم قید کردن «با رعایت قوانین» لازم نیست، به‌خاطر همین بود که [تصریح بر رعایت برخی قوانین و مقررات، رعایت سایر قوانین و مقررات را] نفی نمی‌کرد. ولی چون در این مصوبه دارند یک اساسنامه را بیان و تصویب می‌کنند و به شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم اختیاراتی می‌دهند، می‌گوییم که باید رعایت بقیه‌ی قوانین و مقررات مربوطه را هم بکنند.

آقای علیزاده - این تصویب‌نامه را ببینید؛ اگر در آن قید لزوم رعایت قوانین و مقررات نیامده است، اشکال آقا [= آقای اسماعیلی] درست است.

آقای مدرسی یزدی - بله، یک احتمال این است که در آن تصویب‌نامه این قید آمده باشد.

آقای علیزاده - اگر این قید کلی رعایت قوانین و مقررات در آنجا نیامده باشد، این عبارت «با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۲/ت/۲۳ک مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی آن» که در این بند (ب) آمده است، اشکال دارد؛ چون معنایش این است که می‌گوید این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم، فقط رعایت همین مقررات این تصویب‌نامه‌ی مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ را بکند. متن این تصویب‌نامه را بیاورید.

آقای ابراهیمیان - اساسنامه‌ای که مصوب مجلس باشد، می‌تواند قوانین را تخصیص بزند؛ چون در اصل، تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی در صلاحیت مجلس است؛ درست است؟ آن زمانی که مجلس اختیار تصویب اساسنامه را به دولت واگذار نکرده است [و خودش اساسنامه را تصویب کند]، می‌تواند در آن اساسنامه، برخی از قوانین را تخصیص بزند و استثنا قائل بشود.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - این اساسنامه را در هیئت وزیران تصویب کرده‌اند.

آقای ابراهیمیان - خب آیا مجلس می‌تواند نیابتی را که به دولت جهت تصویب اساسنامه داده است، برگرداند؟

آقای مدرسی یزدی - مجلس نمی‌تواند این نیابت را به دولت بدهد [که اساسنامه‌ای را برخلاف قوانین تصویب کند].

آقای ابراهیمیان - قانون اساسی گفته است که مجلس می‌تواند [در تصویب اساسنامه‌ی شرکت دولتی، به دولت نیابت بدهد].

۱. مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران، موضوع تصویب‌نامه‌ی شماره ۳۳۴۳۲/ت/۲۳ک مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶

که مبنای ایجادش، قانون نبوده است.

آقای علیزاده - حتماً یک چیزی به عنوان شورای عالی مناطق آزاد داریم دیگر؟

آقای ره‌پیک - بله.

آقای علیزاده - عبارت «اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد» نشان می‌دهد که چنین شورایی را داریم؛ اگر نداشته باشیم، چگونه این مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرده‌اند؟!

آقای سوادکوهی - ظاهراً شورای عالی مناطق آزاد، از قبل از این قانون بوده است؛ چون این مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب سال ۱۳۷۳ است.

آقای مدرسی یزدی - بقیه‌ی موادش را بخوانیم.

آقای علیزاده - مواد ندارد، تصویب‌نامه است.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۱) تصویب‌نامه را بخوانیم.

منشی جلسه - اگر دقت بفرمایید در صدر این تصویب‌نامه گفته است که «با توجه به اختیار تفویضی هیئت وزیران موضوع تصویب‌نامه شماره ...»

آقای علیزاده - می‌دانم، از این عبارت که می‌گوید «اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد»، پس معلوم است که یک شورایی به نام شورای عالی مناطق آزاد وجود دارد.

منشی جلسه - بله، این شورای عالی مناطق آزاد بوده است، منتها ما می‌گوییم که این شورا مصوب هیئت وزیران است.

آقای علیزاده - اینکه این شورا مصوب کجا بوده است را نمی‌دانیم؛ مستند این را بیاورید. حرف ما هم همین است.

آقای هاشمی شاهرودی - این شورا همان شورای هماهنگی اداره‌ی مناطق آزاد است؛ همان ماده‌ای است که در آن وزرای عضو شورا را گفته و آورده است.^۲

آقای مدرسی یزدی - این مسئله را به این شکل نمی‌شود حل کرد.

آقای ره‌پیک - الآن اشکال آقایان این است که بند (ب) ماده (۴) [با تصریح بر عبارت «با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در

آقای علیزاده - ممکن است مفاد اساسنامه، خلاف قوانین هم باشد. در اصل (۸۵) قانون اساسی آمده است که اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران نباید اساساً خلاف قوانین باشد.

آقای اسماعیلی - [در این مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی آمده است که] «اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد ...».

منشی جلسه - پس شورای عالی مناطق آزاد وجود داشته است.

آقای اسماعیلی - ظاهراً مبنای ایجاد شورای عالی مناطق آزاد، قانون بوده است.

منشی جلسه - نه، مبنای ایجادش قانون نیست. در مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی گفته است که اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی

[با توجه به اختیار تفویضی هیئت وزیران، این مقررات را تصویب کرده‌اند]. حالا دوباره دولت جدید آن شورای عالی را احیا کرده است. تشکیل این شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی به موجب قانون نبوده است؛ چون نام این شورا در آن قانون شوراها ی هجده‌گانه^۱ هم نبوده است؛ لذا معلوم می‌شود

→

هیئت وزیران و اصلاحات بعدی آن.

۱. قانون تعیین وضعیت شوراها ی عالی مصوب ۱۳۸۷/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی و تأییدشده توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۶ با الحاق یک تبصره به آن: «ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون شوراها ی ذیل با حفظ اختیارات و وظایف و اعضا ی آنها کمافی‌السابق بر اساس قوانین ذی‌ربط قبلی تشکیل و اداره می‌شوند:

۱- شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

۲- شورای عالی آموزش و پرورش

۳- شورای عالی فضای

۴- شورای عالی فناوری اطلاعات

۵- شورای انرژی اتمی

۶- شورای عالی انرژی

۷- شورای اقتصاد

۸- شورای عالی اشتغال

۹- شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی

۱۰- شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی

۱۱- شورای عالی بیمه

۱۲- شورای عالی آب

۱۳- هیئت امنای حساب ذخیره ارزی

۱۴- شورای پول و اعتبار

۱۵- شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری

۱۶- شورای عالی استاندارد

۱۷- شورای عالی حفاظت محیط زیست

۱۸- شورای عالی انفورماتیک.

→

تبصره- دولت می‌تواند پیشنهادهای لازم را برای بازنگری در وضعیت شوراها از حیث اصلاح وظایف، اختیارات و تعداد اعضا و حذف یا ادغام آنها در یکدیگر را برای افزایش کارایی و تشکیل مستمر آنها برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

۲. بند (۱) تصویب‌نامه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۳ هیئت وزیران با عنوان تشکیل شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه‌ی اقتصادی.

←

مصوبات خودش را رعایت کند؟

آقای مدرسی یزدی - مواردش فرق می‌کند؛ گاهی یک حکمی از اساسنامه مظان به این است که اطلاق داشته باشد [در این موارد باید صریحاً آن حکم، مقید به «رعایت کلیه قوانین و مقررات» شود]، اما گاهی اساسنامه، مظان به این نیست.

آقای علیزاده - اگر دولت در تصویب اساسنامه‌ای، هیچ قیدی ذکر نکرده باشد، ما می‌گوییم که «رعایت همه‌ی قوانین» در آن اساسنامه مفروض است؛ اما وقتی دولت در قسمتی از اساسنامه، فقط لزوم رعایت یک قانون را ذکر می‌کند، ما می‌گوییم لازم است که رعایت بقیه‌ی قوانین را هم ذکر کنید [و از این جهت، به مصوبه‌ی دولت ایراد می‌گیریم].

آقای هاشمی شاهرودی - خب رعایت آن موضوع، خصوصیت دارد که آن را ذکر می‌کند.

آقای ابراهیمیان - این اساسنامه، یک مصوبه است که به تصویب هیئت وزیران رسیده و آن مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی مصوب ۱۳۷۳ هم یک مصوبه‌ی دیگر دولت است. سؤال این است که آیا رعایت مصوبه‌ی قبلی در این مصوبه‌ی فعلی ضرورت دارد یا هیئت دولت می‌تواند [آن مصوبه‌ی قبلی را در اینجا تخصیص بزند یا استثنا کند]؟

آقای مدرسی یزدی - اگر در جایی این توهم باشد که آن حکم اطلاق داشته باشد یا تعمیم داشته باشد، بله باید [قید «با رعایت قوانین و مقررات» آورده شود و به این امر] تصریح شود.

آقای ابراهیمیان - نه، مصوبه‌ی هیئت وزیران را عرض می‌کنم.

آقای مدرسی یزدی - باشد، فرقی نمی‌کند.

آقای ابراهیمیان - یعنی می‌فرمایید منظور از «قوانین و مقررات عمومی کشور» [که در اصل (۸۵) قانون اساسی آمده است]، مصوبات مجلس است یا مصوبات هیئت دولت؟

آقای شب‌زنده‌دار - نسبت به عبارت بند (ب) ماده (۴) ابهام بگیریم و بگوییم که آیا مقصودتان این است که فقط «مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی مصوب ۱۳۷۳» باید مراعات بشود یا اینکه ذکر آن از باب تخصیص [و خصوصیت داشتن] این مقررات است.

آقای مدرسی یزدی - همیشه این ایراد قابل طرح بوده است. تا به حال، صد جا نظیر این را در مصوبات دیگر هم داشته‌ایم؛ مثلاً در شرط وثاقت [در افرادی که عهده‌دار مسئولیت عمومی می‌شوند].

آقای علیزاده - در بند (د) ماده (۴) اساسنامه گفته است که

مناطق آزاد تجاری- صنعتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۲/ت۲۳ک مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی آن» [مفهوم دارد و لزوم رعایت سایر مقررات را نفی می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، مفهوم ندارد. تصویب اساسنامه یعنی اختیار دادن؛ وقتی تغییر مقررات [= مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی] رخ ندهد، یعنی مطلق است؛ آن وقت شما می‌فرمایید یعنی تغییر قوانین و مقررات انجام شود!

آقای علیزاده - وقتی در بند (ب) ماده (۴) گفته است که شرکت باید رعایت «مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی» را بکند ...

آقای ره‌پیک - یعنی بقیه‌ی قوانین و مقررات را رعایت نکند.

آقای یزدی - من که اشکالی در این بند نمی‌بینم. من می‌گویم این قید [رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی] را هم برای آن ذکر کرده است که انجام این فعالیت‌ها در آن مقررات آمده است.

آقای ابراهیمیان - اگر بگوییم که در همه جا باید قوانین را رعایت کنند، دیگر ذکر آن قید با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی مصوب هیئت وزیران لازم نبود. پس برای همین این قید را در اینجا ذکر کرده‌اند. برای همین است که ما باید همیشه در اساسنامه‌ها این قید رعایت قوانین را بیاوریم. در هر جای اساسنامه‌ها که یک حکمی می‌آورند، می‌گوییم باید قید با رعایت قانون یا قید با رعایت مقررات را بیاورند. خب اگر قرار باشد که این قید همیشه در اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران مفروض باشد، دیگر ذکر مجدد آن لازم نبود.

آقای مدرسی یزدی - این قیود را همیشه در اساسنامه‌ها می‌آورند؛ همیشه می‌آوردند.

آقای ابراهیمیان - آقای علیزاده می‌فرمایند که آن قسمت اخیر اصل (۸۵) قانون اساسی که می‌گوید «علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد»، این «عمومی» یعنی دولت باید در مصوباتش همه‌ی قوانین و مقررات را لحاظ بکند.

آقای شب‌زنده‌دار - دولت باید در اساسنامه‌ها این قید را ذکر کند.

آقای ابراهیمیان - قوانین و مقررات عمومی کشور را مجلس تصویب می‌کند؛ اما آیا هیئت وزیران باید در مصوباتش،

«خرید و فروش اموال غیرمنقول با رعایت قوانین و مقررات مربوط» است.

آقای مدرسی یزدی - همیشه همین‌طور می‌گویند؛ اصلاً این مرسوم است.

آقای علیزاده - ولی اینجا این‌طور نگفته است.

آقای رهپیک - آن مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی، یک مصوبه‌ی خاصی است.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند (ب) راجع به قوانین سرمایه‌گذاری است که احکام خاصی دارد و لذا در این بند، گفته است که رعایت آن مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی بشود.

آقای رهپیک - بله، آن مقررات خاص را گفته است که به آن توجه کنیم.

آقای مدرسی یزدی - مگر خرید و فروش، قانون نداشته است [که در بند (د) به آن اشاره نشده است]؟

آقای هاشمی شاهرودی - آن موارد، مشمول قوانین عام است و ربطی به این موضوع بند (ب) ندارد. بند (د) خرید و فروش را گفته است.

آقای مدرسی یزدی - خوب معلوم است که خرید و فروش هم قانون دارد؛ ولی چرا در بند (د) گفته است که «خرید و فروش اموال غیرمنقول با رعایت قوانین و مقررات مربوط»؟

آقای شب‌زنده‌دار - اگر نمی‌گفت هم [رعایت قوانین و مقررات مربوط لازم بود].

آقای رهپیک - اگر در مصوبه‌ای مثلاً بگویند این حکم «با رعایت قوانین مدنی» اجرا شود، معنایش این است که قانون تجارت رعایت نشود؟!

آقای مدرسی یزدی - پس چرا به همین موضوع در در بقیه‌ی جاها اشکال می‌گرفتید؟!

آقای رهپیک - ما چنین اشکالی نگرفته‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - همیشه اشکال می‌گرفتید.

آقای رهپیک - در مواردی که عدم تصریح به شرط وثاقت را ایراد می‌گرفتیم، با اینجا فرق می‌کند؛ در آنجا مصوبه دارد شرایط را می‌شمارد و مثلاً می‌گوید احراز فلان عنوان، منوط به شرایط (۱)، (۲)، (۳) و (۴) است که در این موارد، چنین تصریحی مفهوم دارد.

آقای مدرسی یزدی - اینجا در بند (ب) ماده (۴) این اساسنامه هم دارد می‌شمارد؛ اینجا هم آمده و در میان این همه قانون،

دارد یک قانون و مقررات خاصی را می‌شمارد.

آقای رهپیک - این یعنی به این قانون یا مقررات خاص هم توجه کنید.

آقای مدرسی یزدی - در بند (ب) گفته است که سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد و مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد را رعایت بکنند.

آقای رهپیک - در این مورد [= سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد]، یک تصویب‌نامه داریم که مصوبه‌ی دولت در سال ۱۳۷۶ است **آقای هاشمی شاهرودی** - بله.

آقای یزدی - یعنی هدایت سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در مناطق آزاد با رعایت این شرایط و مقررات سرمایه‌گذاری است.

آقای سوادکوهی - آن تصویب‌نامه، مصوب سال ۱۳۷۳ است.

آقای هاشمی شاهرودی - به هر حال، این [تصریح بر یک قانون یا مقررات خاص مثل مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب ۱۳۷۳]، مفهوم ندارد.

آقای یزدی - بله، درست است.

آقای علیزاده - این اشکال به بند (ب)، رأی نیاورد. اشکال بعدی را بفرمایید.

آقای هاشمی شاهرودی - بند (ج) ماده (۴)، مشکل ربا دارد.

آقای مدرسی یزدی - کلمه‌ی «پتانسیل» در بند (ب) را بنویسید که خلاف اصل (۱۵) قانون اساسی است.

آقای اسماعیلی - حالا اگر اشکال دیگری به این اساسنامه داشتید، این را هم می‌نویسیم.

آقای مدرسی یزدی - نه، کلمه‌ی پتانسیل اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - یعنی می‌فرمایید این اساسنامه را به خاطر کلمه‌ی پتانسیل برگردانیم!

آقای مدرسی یزدی - مگر چطور می‌شود؟! در این بند اساسنامه، از کلمه‌ی پتانسیل استفاده شده است که ایراد دارد و باید [برای اصلاح به هیئت وزیران] برگردد.

آقای علیزاده - «ج» - استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری بانکها و مؤسسات اعتباری و کارگزاری در سازمان بورس اوراق بهادار با رعایت قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۴- این بند می‌گوید از تسهیلات مالی و اعتباری بانکها استفاده شود. شما می‌گویید که این تسهیلات مالی اعم از داخلی و خارجی است [که از این جهت نسبت به تجویز استفاده از وام‌های خارجی ربوی خلاف شرع می‌باشد]؛ منظورتان این است؟

آقای شب‌زنده‌دار - بله.

آقای یزدی - این همان اشکالی است که فقها در سایر اساسنامه‌های مصوب هم داشتند دیگر؛ از این جهت که ربا دادن به خارجی‌ها درست نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - تسهیلات مالی خارجی هم ممکن است ربوی نباشد.

آقای علیزاده - همان ایرادی که قبلاً به اساسنامه‌های مشابه گرفتیم را می‌نویسیم؛ اطلاق استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری شامل [موارد ربا هم می‌شود و از این جهت، مغایر با موازین شرع است].

آقای اسماعیلی - در این مورد خود مجمع مشورتی فقهی گفته است که قید «با رعایت قانون بازار اوراق بهادار»، این مشکل را حل می‌کند.

آقای شب‌زنده‌دار - گفته‌اند مشکل را حل نمی‌کند؛ بخوانید.

آقای علیزاده - نه، این قید، با رعایت قانون بازار اوراق بهادار ارتباطی با تسهیلات مالی و اعتباری ندارد. این قید، مربوط به این قسمت اخیر بند (ج) [یعنی عبارت «کارگزاری در سازمان بورس اوراق بهادار»] می‌شود. ما «استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری» [که در ابتدای بند (ج) آمده است] را می‌گوییم ایراد دارد.

آقای ره‌پیک - خب، اگر دریافت این تسهیلات از بانک‌های داخلی باشد که طبق قانون انجام می‌شود و اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - نه، استفاده از تسهیلات مالی بانک‌ها و مؤسسات خارجی، محل ایراد است.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر تسهیلات مالی و اعتباری خارجی هم مشتمل بر ربا نباشد، اشکالی ندارد.

آقای یزدی - وام‌های خارجی ربوی، محل ایراد است.

آقای علیزاده - بله، اطلاق بند (ج) که شامل استفاده از وام‌های خارجی یعنی تسهیلات، وام‌ها و اعتبارات خارجی نیز می‌شود و بعضی از موارد آن مستلزم معاملات ربوی می‌باشد، خلاف شرع تشخیص داده شد. آقایانی که این ایراد را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - آقایان قبول دارند که این بند، اطلاق دارد! اطلاق ندارد.

آقای یزدی - مطمئناً این ایراد، رأی دارد.

آقای جنتی - رأی آورد؛ چهار تا رأی آورد.^۱

آقای علیزاده - مسئله‌ی بعدی چیست؟

آقای جنتی - آن اشکالی که [آقای مدرسی یزدی] در بند (ب) درباره‌ی رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، وارد کردید، اگر درست بود، در اینجا هم باید آن را بگویید؛ چون در این بند (ج) هم می‌گوید «با رعایت قانون بازار اوراق بهادار»، پس در اینجا هم باید بگویید [که چون قید «با رعایت قانون بازار اوراق بهادار»، نفی سایر قوانین و مقررات عمومی می‌کند] قید «با رعایت سایر قوانین و مقررات» هم می‌خواهد.

آقای یزدی - بله، اگر آنجا در بند (ب) که راجع به سرمایه‌گذاری است، چنین چیزی بگویید، اینجا هم باید بگویید قید «با رعایت قوانین و مقررات» هم لازم است.

آقای مدرسی یزدی - هر دوی این بندها، واقعاً از یک جهت اشکال دارند؛ چون با اینکه قانون داریم که ربا حرام است، [ولی در اینجا قید «با رعایت قوانین و مقررات» را نیاورده است و لذا] آن اشکال باز هم اینجا وجود دارد.

آقای علیزاده - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - ایشان [= آقای جنتی]، درست می‌گوید. ایشان می‌گوید در این بند هم قید «با رعایت قانون بازار اوراق بهادار» آمده است؛ پس همان اشکالی که شما [= آقای مدرسی یزدی] به بند (ب) وارد کردید، باز اینجا هم وارد بکنید.

آقای جنتی - خب، بله دیگر.

آقای مدرسی یزدی - فرقی نمی‌کند [اینجا هم آن اشکال وجود دارد]؛ چون این قانون بازار اوراق بهادار، قانون خاصی است، که آن «قوانین و مقررات» اعم از این است.

آقای علیزاده - اشکال بعدی را بفرمایید.

آقای مدرسی یزدی - بند (ه) نیز اینگونه است؛ ذیل این بند یک قید «با رعایت قانون و مقررات» می‌خواهد.

آقای علیزاده - مگر می‌گوید که این کارها بدون رعایت قانون انجام بشود؟! در بند (ب)، حداقل یک مخالف با برداشت ما وجود داشت، اما اینجا این ایراد [= عدم تصریح به قید «با رعایت قوانین و مقررات»] مخالف هم ندارد. از این ایراد، عبور کنیم. بند بعدی را بخوانید.



۱۳۹۳/۳/۴ هیئت وزیران: «۲- اطلاق استفاده از تسهیلات مالی در بند (ج) ماده (۴) از جهت شمول آن نسبت به استفاده از وام و تسهیلات مالی خارجی که در برخی از موارد مستلزم انجام معاملات ربوی می‌باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم مصوب



آقای مدرس یزدی - «ه» - بررسی طرح‌های سرمایه‌گذاری تجاری، صنعتی و خدماتی و ارایه هرگونه خدمات پشتیبانی و اقتصادی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری.» می‌فرماید این بند، «با رعایت قوانین و مقررات» انجام می‌شود؟!

آقای علیزاده - بله، حتماً با رعایت قوانین و مقررات است. چون در بند بالا به یک مصوبه‌ی خاص اشاره کرده بود، که ما گفتیم ممکن است این [تصریح به رعایت یک قانون خاص، مفهوم داشته باشد و نفی لزوم رعایت سایر قوانین و مقررات از آن برداشت شود، و از این جهت،] اشکال داشته باشد؛ اما اینجا که اصلاً هیچ چیزی نگفته است [و از قانون خاصی نام نبرده است].

آقای مدرس یزدی - پس، به این بند [به دلیل عدم تصریح به لزوم رعایت قوانین و مقررات] اشکال وارد نکنید.

آقای علیزاده - نه، این بند، از آن جهت، اطلاق ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - خب بند (ج) هم اطلاق ندارد؛ چون بانک‌های خارجی خیلی اوقات تسهیلاتی می‌دهند که مشتمل بر ربا نیست.

منشی جلسه - آقایان، در مورد «شورای عالی مناطق آزاد»، تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران در سال ۱۳۷۲ هم هست.^۱ بر اساس مصوبه‌ی اصلاحی هیئت وزیران در همان سال، عبارت «شورای مناطق آزاد» به عبارت «شورای عالی مناطق آزاد»

۱. تصویب‌نامه هیئت وزیران راجع به تفویض وظایف و اختیارات هیئت وزیران مذکور در قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران به کمیسیون با ریاست رئیس جمهور و متشکل از چند وزیر و دبیر شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی، مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۱ هیئت وزیران: «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۶/۳۱ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: وظایف و اختیارات هیئت وزیران مذکور در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران (به استثنای تبصره (۲) ماده (۱) قانون مزبور) - مصوب ۱۳۷۲- به وزرای شورایی (کمیسیون) به ریاست رئیس جمهور و متشکل از وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کشور، کار و امور اجتماعی، صنایع، صنایع سنگین، معادن و فلزات، راه و ترابری، نفت، نیرو و رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاون اقتصادی ریاست جمهوری، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دبیر شورای مناطق آزاد تجاری- صنعتی تفویض می‌شود. تبصره ۱- ملاک تصویب در شورای (کمیسیون) فوق موافقت اکثریت وزرای عضو می‌باشد و مصوبات مزبور در صورت تأیید رئیس جمهور با رعایت ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت قابل صدور خواهد بود. تبصره ۲- شورای (کمیسیون) مناطق آزاد تجاری- صنعتی دارای دبیرخانه‌ای خواهد بود که زیر نظر دبیر شورای مزبور اداره می‌شود. تبصره ۳- دبیر شورای مناطق آزاد تجاری- صنعتی با حکم رئیس جمهور منصوب می‌گردد.»

اصلاح شده است.^۲

آقای علیزاده - یعنی خود هیئت وزیران این تغییر را داده است. **منشی جلسه -** بله، بر اساس اختیاری که قانون به هیئت وزیران داده بود، هیئت وزیران چنین تصمیمی را گرفته است.

آقای علیزاده - خب، ببینم [این اختیاری که قانون داده است] چیست.

منشی جلسه - اختیارش همان بود که در ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی خواندیم.

آقای سوادکوهی - این در قانون اصلاح نشده است.

آقای علیزاده - نه، در قانون «شورای عالی مناطق آزاد» نیامده است؛ قانون گفته است که هیئت وزیران [در خصوص برخی مسائل اختیار تصمیم‌گیری دارد].

منشی جلسه - حالا هیئت وزیران این تصمیم را گرفته است.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ در قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی که نگفته است هیئت وزیران چنین اختیاری دارد.

آقای ره‌پیک - هیئت وزیران این شورای عالی را برای هماهنگی اداره‌ی مناطق آزاد به ریاست رئیس‌جمهور و چند تا وزیر تعیین کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - شورای عالی مناطق آزاد همان است که عرض کردم دیگر؛ رئیسش هم رئیس‌جمهور است

آقای علیزاده - مصوبه‌ی اولیه چه بوده است؟ مصوبه‌ی اولی را بیاورید تا ببینیم چه بوده است.

منشی جلسه - مصوبه‌ی اولیه هم مصوب هیئت وزیران است. گفته است که تصویب‌نامه‌ی شماره ۲۱۱۵/ت/۲۱۱-ه هیئت وزیران به شرح زیر اصلاح می‌شود.^۳

۲. اصلاح تصویب‌نامه راجع به تفویض وظایف و اختیارات هیئت وزیران مذکور در قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی به کمیسیون با ریاست رئیس جمهور و متشکل از چند وزیر، مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۲ هیئت وزیران: «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۲ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: تصویب‌نامه شماره ۲۱۱۵/ت/۲۱۱-ه مورخ ۱۳۷۲/۷/۸ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- تبصره (۱) به شرح زیر تغییر می‌یابد:

ملاک تصویب در شورای (کمیسیون) فوق، در موارد تفویضی موافقت حداقل چهار نفر از وزرای حاضر در جلسه است.

۲- عبارت «شورای مناطق آزاد» به عبارت «شورای عالی مناطق آزاد» اصلاح می‌شود.»

۳. اصلاح تصویب‌نامه راجع به تفویض وظایف و اختیارات هیئت وزیران مذکور در قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی به

منطقه

ب- تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه

ج- تصویب برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت‌های مالی سازمان‌های مناطق

د- تصویب مقررات امنیتی و انتظامی مناطق با تأیید فرماندهی کل قوا

ه- اعمال نظارت عالی بر فعالیت‌های مناطق

را به عهده خواهد داشت.»

آقای علیزاده - در کجای این قانون، تنظیم سیاست‌های کلی

مناطق آزاد برای هیئت وزیران نوشته شده است؟

آقای مدرسی یزدی - در بند (الف)، «تصویب آیین‌نامه‌ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های هر منطقه» آمده است.

آقای علیزاده - آنها [=سیاست‌ها]، «قانون» است.

آقای رهپیک - منظور از این «سیاست» [که در ماده (۴) و بند (الف) آن آمده است]، به معنای اصطلاحی‌اش نیست؛ مقصود، «سیاست کلی نظام» و اینها نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به معنای «سیاست اجرایی» است.

آقای رهپیک - یعنی همین چارچوب‌های اجرایی که برنامه‌ها و ... باید در حیطه‌ی آن باشد.

آقای مدرسی یزدی - شاید در مجموع، ماده (۴) اساسنامه عیبی نداشته باشد.

آقای علیزاده - اینها کم‌کم عنوان مصوبه هم جلوی می‌گذارند و یک چیز بالاتر [از «قانون»] هم می‌گویند.

آقای مدرسی یزدی - ما هم به همین جهت می‌گوییم که [در عبارات اساسنامه‌ها] باید عبارت «با رعایت قوانین» را ذکر کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً کلاً همیشه تصویب اساسنامه، یک تعارضی با مفاد قوانین دارد؛ بدون تعارض که نیست. طبیعتش این است.

آقای علیزاده - جلوتر برویم. اگر ایرادی دیگری به این اساسنامه گرفتید، باید این را هم بگوییم که با توجه به اختیارات هیئت وزیران در ماده (۴) قانون [چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد]، این عبارت «سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد» اصلاح شود. بگوییم این عبارت با توجه به اختیاراتی که در ماده (۴) قانون برای هیئت وزیران آمده است، اصلاح بشود. چرا اسمش را گذاشته‌اند «سیاست‌های شورای عالی مناطق آزاد»؟!>

آقای علیزاده - آن تصویب‌نامه‌ای را که مصوب سال ۱۳۷۲ بود، [روی صفحه‌ی نمایش] نیاوردید. ما دنبال همان می‌گشتیم. آن متنی که آوردید، یک چیز دیگری بود؛ ما هر چه سعی کردیم در آن شورای عالی مناطق آزاد را ندیدیم.

آقای رهپیک - در این مصوبه‌ی اول [مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۱]، عنوانش «کمیسیون» بوده است که این کمیسیون، همان «شورا» است و بعداً تبدیل به «شورای عالی» شده است.

منشی جلسه - تصویب‌نامه‌ی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۱ گفته بود: «... وظایف و اختیارات هیئت وزیران مذکور در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران (به استثنای تبصره (۲) ماده (۱) قانون مزبور) - مصوب ۱۳۷۲- به وزرای شورایی (کمیسیونی) به ریاست رئیس جمهور و متشکل از وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کشور، کار و امور اجتماعی، صنایع، صنایع سنگین، معادن و فلزات، راه و ترابری، نفت، نیرو و رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاون اقتصادی ریاست جمهوری، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دبیر شورای مناطق آزاد تجاری- صنعتی تفویض می‌شود. ...» که چند ماه بعد از آن [در اصلاحیه‌ی این تصویب‌نامه، مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۲] عنوان «شورای مناطق آزاد» را به «شورای عالی مناطق آزاد» تغییر داده‌اند.

آقای علیزاده - آنجایی که وظایف و اختیارات شورای عالی مناطق آزاد را گفته‌اند، چه اختیاراتی برای آن تعیین کرده‌اند؟ آیا گفته شده که این شورا می‌تواند سیاست‌های کلی مناطق آزاد را تنظیم کند یا نه؟ ما این را داریم می‌گوییم.

منشی جلسه - این تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران، کلی است؛ گفته است که کلیه اختیاراتی را که هیئت وزیران دارد، به این شورا تفویض می‌شود.

آقای علیزاده - نه، گفته است اختیارات هیئت وزیران مذکور در قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد به این شورا واگذار می‌شود. قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد را بیاورید تا ببینیم که اختیارات هیئت وزیران در آن قانون چه بوده است.

منشی جلسه - ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد می‌گوید: «ماده ۴- هیئت وزیران مسئولیت:

الف- تصویب آیین‌نامه‌ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های هر

→

کمیسیونی با ریاست رئیس جمهور و متشکل از چند وزیر مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۲ هیئت وزیران.

آقای مدرسی یزدی - من موافقم. خوب است.
آقای علیزاده - آقایانی که به این موضوع رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای اسماعیلی - اگر اشکال دیگری گرفتید [این موضوع را هم رأی بگیرید].

آقای علیزاده - الان به این اساسنامه، اشکال شرعی گرفتیم. آقایان هم این را قبول دارند.

آقای رهپیک - «سیاست» یک اصطلاح است و با «سیاست‌های کلی» [مصرح در اصل (۱۱۰) قانون اساسی]، فرق می‌کند.

آقای علیزاده - اینها خودشان آمده‌اند در ماده (۴) این اساسنامه، اصطلاح «سیاست‌های کلی» را به کار برده‌اند. ما می‌گوییم بیابید این اصطلاح را به همان عبارتی که در آن ماده (۴) [قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد] آمده است، اصلاح کنید و به همان عبارتی که در آن قانون آمده است، ارجاع بدهید.

آقای رهپیک - نه، قید «کلی» نیامده است؛ در ماده (۴) اساسنامه، عبارت «سیاست ابلاغی» آمده است نه «سیاست کلی».

آقای هاشمی شاهرودی - بله، «سیاست‌های ابلاغی» است. «سیاست ابلاغی» گفته است، نه «سیاست کلی».

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، الان اینها از نظر اقتصادی، از نظر سیاسی و از نظر فرهنگی مناطق حساسی هستند.

آقای علیزاده - همه چیز این مناطق، حساس است.

آقای مدرسی یزدی - نباید دست افراد را باز گذاشت.

آقای رهپیک - به هر حال، این سیاست‌ها، خارج از مصوباتی که ابلاغ می‌کنند نیست که.

آقای علیزاده - خب ماده (۴) این مصوبه را به آن ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مقید نکنند.

آقای سلیمی - ابلاغی همان ماده است.

آقای علیزاده - بله، ما به هیئت وزیران بگوییم که این را به همان ماده (۴) قانون مقیدش کنید. ما می‌گوییم که این سیاست ابلاغی را به همان اختیارات مذکور در آن ماده (۴) قانون مقیدش کنند؛ اینکه چیز خوبی است.

آقای هاشمی شاهرودی - این حرف شما یک اشکالات جدیدی به اساسنامه است.

آقای رهپیک - حالا این اشکال رفع شد. اصل مخالفت ماده (۴) اساسنامه با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی چه شد؟

آقای یزدی - یعنی در حقیقت، می‌فرمایید عبارت ماده (۴) اساسنامه، «سیاست‌های ابلاغی» است، نه «سیاست‌های کلی نظام».

آقای علیزاده - در ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی، چیزی تحت عنوان «سیاست‌های ابلاغی» وجود ندارد.

آقای مدرسی یزدی - «سیاست» یک مفهوم بسیار وسیعی دارد. **آقای علیزاده** - سیاست‌ها، مفهوم بالاتری دارد. سیاست با آن عبارتی که آنجا [در ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی] آمده است، فرق دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - در آنجا مسئولیت تصویب برنامه‌های عمرانی و برنامه‌های فرهنگی و ... به عهده‌ی هیئت وزیران گذاشته شده است.

آقای علیزاده - نه، هیچ کدام از آنها «سیاست» نیست؛ آنها «برنامه‌های عمرانی» و ... است.

آقای اسماعیلی - یعنی می‌فرمایید «سیاست‌های عمرانی»، سیاست نیست؟!

آقای مدرسی یزدی - در ماده (۴) قانون [چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی] صحبت از «برنامه» است، نه «سیاست».

آقای علیزاده - بله، آنجا عبارت «برنامه» آمده است.

آقای مدرسی یزدی - اول سیاست‌گذاری است و بعد تعیین برنامه.

آقای رهپیک - مفهوم سیاست، عام است؛ شامل برنامه، خط مشی و همه چیز می‌شود.

آقای علیزاده - بله، مفهوم سیاست همه چیز را در برمی‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - چون مفهومش اعم است، ایراد دارد.

آقای رهپیک - نه دیگر، شامل برنامه و خط مشی می‌شود. اما در حقوق ما، «سیاست کلی» یک معنای خاصی دارد.

آقای رهپیک - خب، این [ماده (۴) اساسنامه‌ی مصوب] با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مغایرت دارد. در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) گفته شده است که فعالیت اقتصادی دولت خارج از موارد صدر اصل (۴۴) قانون اساسی ممنوع است و بعد هم اگر دولت می‌خواهد در طول برنامه‌ی پنج‌م، فعالیت اقتصادی ضروری را خارج از عناوین فعالیت‌های صدر اصل (۴۴) قانون اساسی انجام دهد، باید این فعالیت با پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی و به مدت معین باشد.^۱

۱. بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری: «۱- دولت حق فعالیت

آقای هاشمی شاهرودی - سیاست‌های کلی اصل (۴۴) ناظر به داخل کشور است، نه مناطق آزاد.

آقای رهپیک - در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) چنین قیدی نیامده است.

آقای هاشمی شاهرودی - مناطق آزاد، مثل خارج از کشور است.

آقای رهپیک - سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قید ندارد؛ قید دارد؟!

آقای یزدی - منطقه‌ی آزاد، در داخل کشور است؛ متنها با خارج از کشور ارتباط دارد.

آقای علیزاده - همان قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به دولت اجازه داده است که تا بیست درصد این فعالیت‌ها را خود دولت انجام بدهد.

آقای رهپیک - تا آخر دوره‌ی برنامه‌ی پنجم.

آقای علیزاده - نه.

آقای رهپیک - چرا دیگر؛ عبارتش را در این گزارش نوشته‌ایم، بخوانید: «با توجه به جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. با توجه به مسئولیت نظام در حُسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است. ... سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی موضوع بند (الف) ماده (۴) مغایر با این سیاست‌ها و نتیجتاً مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.»^۱

آقای علیزاده - ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی را بخوانید. این ماده‌ی چند بود [که الآن خواندید]؟

آقای علیزاده - با این حکمی که در ماده (۴) این اساسنامه آمده است، اگر فردا شورای عالی مناطق آزاد برای عفاف و حجاب و سایر مسائل فرهنگی «سیاست» نوشت، شما چیزی نمی‌توانید بگویید؛ چون مفاد ماده (۴) اساسنامه را مقید به ماده (۴) قانون [= قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی] نکرده‌اند. در نتیجه باید سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد را - هر چه که باشد- قبول کنید. واقعه‌ش این است که باید این عبارت «سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد» به آن ماده (۴) قانون که اختیارات هیئت وزیران را گفته است، مقید شود.

آقای رهپیک - این ایرادی که شما می‌گویید یک چیز دیگری است. این ایرادی که من گفتم، جدا است و با ایراد شما فرق می‌کند. بند (الف) ماده (۴) اساسنامه دارد می‌گوید شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم مجاز است که فعالیت عمرانی، صنعتی، بازرگانی انجام دهد که این حکم با جزء یک بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مخالف است.

آقای علیزاده - کجا چنین چیزی نوشته است؟

آقای هاشمی شاهرودی - آن سیاست کلی اصل (۴۴) برای مناطق آزاد نیست؛ برای داخل کشور است.

آقای رهپیک - فرقی نمی‌کند؛ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) در مورد فعالیت بخش دولتی است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، منطقه‌ی آزاد می‌خواهد با خارج کار کند.

آقای رهپیک - باشد، در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) گفته شده که دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد. این فعالیتی که در بند (الف) ماده (۴) اساسنامه آمده است، دولتی است دیگر.

آقای علیزاده - الآن کدام بند را می‌فرمایید.

آقای رهپیک - بند (الف) ماده (۴) اساسنامه در مورد سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی [را می‌گویم].

→

اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالیانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. با توجه به مسئولیت نظام در حُسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، ص ۲۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/RembZ

(۴۴) گفته است که شروع فعالیت‌های ضروری خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت، باید به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس باشد.

آقای ابراهیمیان - این مورد با برنامه مخالف است.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا این بند (الف) ماده (۴) اساسنامه هم که نگفته است همه‌ی این فعالیت‌ها در مناطق آزاد، دولتی باشد.

آقای اسماعیلی - در بند (الف) ماده (۴) گفته است که این فعالیت با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی یا خارجی باشد. اصلاً این بند می‌خواهد همین را بگوید که [این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم] از آن سرمایه‌گذاران مشارکت بگیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - این اساسنامه نگفته است که همه‌ی آن فعالیت‌ها، توسط بخش دولتی انجام شود.

آقای علیزاده - الآن این اساسنامه نمی‌گوید که این فعالیت‌ها را بخش دولتی انجام دهد.

آقای رهپیک - خب این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم، دولتی است.

آقای هاشمی شاهرودی - سرمایه‌گذاری با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران؛ یعنی فعالیت توسط بخش خصوصی انجام شود دیگر.

آقای رهپیک - خیلی خب، الآن طبق این حکم، دولت باید سرمایه‌گذاری و مشارکت کند دیگر. الآن دولت می‌تواند این سرمایه‌گذاری را در غیر موارد صدر اصل (۴۴) بکند یا نه؟ دولت الآن دارد بر اساس این حکم در قشم سرمایه‌گذاری می‌کند؛ یعنی پول دولت دارد در خارج از فعالیت‌های صدر اصل (۴۴) هزینه می‌شود؛ حالا چه با مشارکت و چه بی‌مشارکت بخش خصوصی.

آقای اسماعیلی - این شرکت‌های مناطق آزاد به صورت شرکتی اداره می‌شوند. بالاخره این شرکت باید در این منطقه مثلاً فعالیت عمرانی بکند یا نه؟ بند (الف) ماده (۴) اساسنامه به شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم می‌گوید این فعالیت عمرانی را با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی انجام بده.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - نمی‌شود که هیچ فعالیت عمرانی در این منطقه نکنند.

آقای رهپیک - نه دیگر، [طبق سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] باید این فعالیت‌ها را به بخش خصوصی بدهند؛ در سیاست‌های کلی گفته شده که اینها را به بخش خصوصی بدهید؛ چرا خود دولت

آقای رهپیک - جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) بود. **آقای علیزاده -** نه، باز قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را داریم.

آقای رهپیک - [این متنی که خواندم] قانون نیست، متن خود سیاست‌ها است.

آقای علیزاده - خب حالا ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را بخوانید. در ماده (۳) این قانون بعد از این حکمی که خواندید [و در بند (الف) ماده (۳) آمده است، در بند (ب)] گفته است که در این موارد، دولت می‌تواند تا بیست درصد آن فعالیت را برای خودش نگه دارد.^۱

آقای مدرسی یزدی - گفته است نگه دارد، نه اینکه اقدام کند.

آقای رهپیک - بله، الآن این حکم ماده (۴) اساسنامه، ناظر به شروع فعالیت است. جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل

۱. ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۳- قلمرو فعالیت‌های اقتصادی دولت به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف- مالکیت، سرمایه‌گذاری و مدیریت برای دولت در آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی که موضوع فعالیت آنها مشمول گروه یک ماده (۲) این قانون است، از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، تأسیس مؤسسه و یا شرکت دولتی، مشارکت با بخش‌های خصوصی و تعاونی و بخش عمومی غیردولتی، به هر نحو و به هر میزان ممنوع است.

تبصره ۱- دولت مکلف است سهم، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم‌الشرکه حقوق مالکانه، حق بهره‌برداری و مدیریت خود را در شرکت‌ها، بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی که موضوع فعالیت آنها جزء گروه یک ماده (۲) این قانون است، تا پایان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

تبصره ۲- تداوم مالکیت، مشارکت و مدیریت دولت در بنگاه‌های مربوط به گروه یک ماده (۲) این قانون و بعد از انقضاء قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و یا شروع فعالیت در موارد ضروری تنها با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین مجاز است.

تبصره ۳- ...

ب- دولت مکلف است هشتاد درصد (۸۰٪) از ارزش مجموع سهام بنگاه‌های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده (۲) این قانون به استثناء راه و راه آهن را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

تبصره ۱- دولت مجاز است به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه‌گذاری نماید که سهم دولت از بیست درصد (۲۰٪) ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد.

تبصره ۲- ...

مشارکت در سرمایه‌گذاری نمی‌کنم.

آقای ره‌پیک - حالا بحث اجرایی این امر، حرف دیگری است؛ ولی واقعاً این بند (الف) ماده (۴)، خلاف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است. سیاست‌ها نمی‌خواهد که دولت الآن یک میلیارد، دو میلیارد یا صد میلیارد به کارهای خدماتی اختصاص بدهد و به دیگران بگوید که بیا بیا با من در این سرمایه‌گذاری شریک بشوید.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند (الف) ماده (۴) معنایش این نیست.

آقای ره‌پیک - معنی‌اش همین است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، معنای بندهای (الف) و (ج) ماده (۴)، این نیست.

آقای ره‌پیک - «سرمایه‌گذاری در فعالیتهای عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران»، یعنی دولت با مشارکت دیگران این فعالیت‌ها را انجام دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه این که در بند (الف) ماده (۴) گفته است دولت شرکت راه بیندازد و با دیگران شریک بشود، این همان سرمایه‌گذاری است که در صدر [= ماده (۳) اساسنامه] گفته بود و آقای علیزاده هم آن را خواندند. ذیل ماده (۴)، را هم ببینید؛ بند (ب) ماده (۴)، انجام سرمایه‌گذاری در قشم و غیر از این بند (الف) است.

آقای ره‌پیک - نه دیگر؛ خود سرمایه‌گذاری کردن این شرکت مغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، اینجا که خود دولت در آن فعالیت سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

آقای ره‌پیک - چرا دیگر، دولت خودش با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران سرمایه‌گذاری می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این برداشت، مقصود این مصوبه نیست.

آقای ره‌پیک - «سرمایه‌گذاری» یعنی «جلب سرمایه»؟!

آقای اسماعیلی - بله، ذیلش را ببینید.

آقای ره‌پیک - نه دیگر، آن چیزی که شما می‌گویید را که در پایین [در بند (ب) ماده (۴)] گفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - [سرمایه‌گذاری در بند (الف)] یعنی جذب سرمایه‌ی داخلی و خارجی.

آقای ره‌پیک - بندهای بعدی ماده (۴)، اینها را گفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - «ب» - انجام فعالیت‌ها و اقدامات لازم

این فعالیت‌ها را بکند؟ پول دولت برای چه برود در بحث عمرانی، خدماتی و ... هزینه شود؟ اصلاً [فلسفه‌ی وضع سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] همین بوده است؛ اصلاً سیاست‌های کلی اصل (۴۴) برای همین است. این سیاست‌ها به دولت می‌گوید که این کارهای خدماتی را دیگر انجام نده، بلکه آنها را به پیمانکار بده و خودت هم مشارکت نکن.

آقای هاشمی شاهرودی - یک پیمانکار می‌آید چنین کاری بکند؟

آقای اسماعیلی - بله، پیمانکار خودش همین‌طوری ابتدا به ساکن می‌آید این فعالیت‌ها را بکند؟! نه، نمی‌آید.

آقای ره‌پیک - الآن در بند (الف) ماده (۴) این اساسنامه می‌گوید که این شرکت پول دولت را ببرد و برای انجام این فعالیت‌ها با دیگران مشارکت کند؛ اتفاقاً اشکالش هم همین است. ولی سیاست‌های کلی اصل (۴۴) که به دولت نمی‌گوید اصلاً کار عمرانی انجام نشود، بلکه می‌گوید اگر در جایی به کار عمرانی نیاز است، آن کار را به بخش تعاونی [یا خصوصی] بدهید.

آقای علیزاده - ماده (۳) این اساسنامه، گفته است: «هدف شرکت بسترسازی به منظور دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، صنعتی، عمرانی، بازرگانی و خدماتی جزیره قشم از طریق جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و ارائه خدمات پشتیبانی و اقتصادی در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری به فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی قشم است». این یعنی خود این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم نمی‌تواند سرمایه‌گذاری بکند.

آقای ابراهیمیان - بله، گفته است که اگر شرکت جذب سرمایه بکند، اشکالی ندارد، ولی سرمایه‌گذاری کردن با جذب سرمایه فرق می‌کند.

آقای ره‌پیک - این شرکت الآن دولتی است، می‌رود سرمایه‌گذاری می‌کند و از دیگران هم در سرمایه‌گذاری برای انجام امور خدماتی مشارکت می‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - اینجا [مواد (۳) و (۴) این مصوبه]، تضاد داخلی دارد؛ در ماده (۳) می‌گوید که هدف شرکت جلب سرمایه است، ولی در بند (الف) ماده (۴) می‌گوید که در این فعالیت‌ها خود شرکت سرمایه‌گذاری می‌کند.

آقای اسماعیلی - الآن اگر خود دولت هم برای مشارکت در سرمایه‌گذاری به میدان بیاورد، سرمایه‌گذاران بخش غیردولتی مشارکت نمی‌کنند، چه برسد به اینکه دولت بگوید نه، من

این شرکتی که جزء این منطقه‌ی آزاد است و در منطقه‌ی آزاد قشم فعالیت می‌کند، [این کارها را در آنجا انجام می‌دهد].

آقای علیزاده - پس ماده (۷) این اساسنامه که می‌گوید سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم مبلغ چهار میلیارد و خورده‌ای است که تمام آن پرداخت شده است،^۱ یعنی چه؟ چه کسی این مبلغ را پرداخت کرده است؟ دولت پرداخت کرده است؟

آقای رهپیک - بله، دولت داده است دیگر؛ کل سرمایه‌ی شرکت‌های دولتی و هم‌ی سهام آنها، دولتی است و مال دولت است.^۲

آقای علیزاده - ببینید، بالاخره واقعاً این اساسنامه یک ابهاماتی دارد. آقایان [مرتبط با این مصوبه] را دعوت کنند تا اینجا بیایند و ببینیم که جریان چیست و آنها در مورد دولتی بودن این شرکت چه می‌گویند. اگر یک جلسه‌ای بگذارید و از مسئولان مناطق آزاد دعوت کنید که اینجا بیایند خوب است. آقای تقدیسیان^۳ را هم دعوت کنید؛ ایشان به این موضوع وارد هستند تا ببینیم واقعاً وضعیت این اساسنامه چطوری است؛ آیا فعالیت‌های این شرکت در ماده (۴) اساسنامه‌ی مصوب، از شمول قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی خارج است یا خارج نیست. الآن ما واقعاً ابهام داریم و نمی‌دانیم که وضعیت این شرکت و این اساسنامه چیست. واقعاً برای ما هم روشن نیست.

۱. ماده (۷) اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم مصوب ۱۳۹۳/۳/۴ هیئت وزیران: «ماده ۷- سرمایه شرکت مبلغ چهار میلیارد و چهارصد و سی میلیون و چهارصد و بیست و چهار هزار و هشتصد (۴,۴۳۰,۴۲۴,۸۰۰) ریال منقسم به هفتصد و سی و هشت هزار و چهارصد و چهار (۷۳۸,۴۰۴) سهم با نام شش هزار (۶,۰۰۰) ریالی می‌باشد که تمام آن پرداخت گردیده است.

تبصره- سرمایه شرکت در هیچ زمان نباید از محل تسهیلات مالی بانک‌ها (اعم از دولتی و خصوصی) و یا مؤسسات اعتباری تأمین گردد.»
۲. ماده (۵) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۵- هر منطقه توسط سازمانی که به صورت شرکت با شخصیت حقوقی مستقل تشکیل می‌گردد و سرمایه آن متعلق به دولت است اداره می‌شود. این شرکت‌ها و شرکت‌های وابسته از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی بوده و منحصرأ بر اساس این قانون و اساسنامه‌های مربوط اداره خواهد شد و در موارد پیش‌بینی نشده در این قانون و اساسنامه، تابع قانون تجارت خواهند بود.»

۳. آقای سعید تقدیسیان، قائم‌مقام وقت معاون حقوقی رئیس جمهور.

و اطلاع‌رسانی در خصوص شناسایی، جذب و هدایت سرمایه‌گذاران ...»

آقای رهپیک - جذب و هدایت سرمایه، حکم بند (ب) است، ولی بند (الف)، خود سرمایه‌گذاری است؛ سرمایه‌گذاری خود شرکت دولتی است.

آقای یزدی - بند (الف) هم عبارت «با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران» را دارد. بند (ب) هم عبارت «هدایت سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی» را دارد. این دو بند با هم تفاوتی ندارند. هیچ کدام از این دو بند نمی‌خواهد بگوید که دولت خودش سرمایه‌گذاری کند. همه‌ی حرف این دو بند، در مورد جذب سرمایه و هدایت آن به فعالیت‌هایی است که به سرمایه بر خورد می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - مخصوصاً با توجه به قید «در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد».

آقای یزدی - اشکالش چیست؟ بند (الف) می‌گوید «سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد»؛ این حکم که کاری به دولت ندارد. این بند (الف) یعنی بالاخره یک جایی با عنوان شورای عالی مناطق آزاد یا شورای هماهنگی مناطق آزاد هست که سیاست‌های کلی را تصویب می‌کند و آنها را به مناطق آزاد ابلاغ می‌کند و این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم باید با توجه به این سیاست‌های ابلاغی بتواند این کارها را انجام بدهد. بند (ب) هم در حقیقت همان مضمون هدایت و فعالیت و ارشاد با همین کیفیت است. یعنی من واقعاً بین این دو بند تفاوتی نمی‌بینم. معطل چه هستید؟!

آقای سوادکوهی - سرمایه‌گذاری در فعالیت‌ها ...

آقای یزدی - این سرمایه‌گذاری‌ها با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران، اعم از داخلی و خارجی است.

آقای سوادکوهی - اصلاً خود این شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم، شرکت است.

آقای یزدی - یعنی الآن یک شرکت تابعه‌ی این منطقه‌ی آزاد با یک شرکت دیگر در سرمایه‌گذاری برای این فعالیت‌ها شریک می‌شود؛ اشکال این کار چیست؟

آقای مدرسی یزدی - بالاخره دولت در این فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند یا نمی‌کند؟

آقای یزدی - دولت در این فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار (اعاده شده از شورای نگهبان)»^۳

۳. طرح یک فوریتی بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۶۳۱۰۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۰ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تا پایان سال ۱۳۹۳، در مجموع در هفت مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۱ و ۱۳۹۰/۱۰/۲۸، در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۲/۴، در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۳/۳، در مرحله‌ی چهارم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۸ و در مرحله‌ی پنجم در جلسات مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۱ (غیر رسمی) و ۱۳۹۱/۷/۲۶ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی و نیز وجود ابهام در موادی از این مصوبه را طی نامه‌های شماره ۹۰۳۰/۴۵۳۲۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸، ۹۱۳۰/۴۶۴۴۲ مورخ ۱۳۹۱/۲/۴، ۹۱۳۰/۴۶۸۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۳/۳، ۹۱۳۰/۴۷۴۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۸ و ۹۱۳۰/۴۸۳۷۳ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۶ به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصرار مجلس شورای اسلامی بر ماده (۱۱) مصوبه‌ی خود، این مصوبه بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی برای حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، به موجب نامه‌ی شماره ۱۴/۷/۴۵۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۷ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد. بررسی این مصوبه در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ در دستور بررسی مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و «مقرر گردید برای رفع ایراد شورای نگهبان در خصوص اصل (۷۵) قانون اساسی، به مجلس شورای اسلامی ارجاع شود تا دولت و مجلس با تفاهم یکدیگر نسبت به تأمین منابع بار مالی اقدام نمایند». با بازگشت این مصوبه به مجلس، مجدداً مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ به اصلاح این مصوبه اقدام کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۴/۱۲۷۶۷ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه، در این مقطع نیز دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشت. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی ششم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ و در مرحله‌ی هفتم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۰۸۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ و ۹۳/۱۰۲/۱۳۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۴ به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. خاطر نشان می‌گردد مجلس شورای اسلامی بعد از این مراحل، مصوبه‌ی کمیسیون اجتماعی را به صورت غیر رسمی به شورای نگهبان ارسال کرد که شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵، این مصوبه را نیز بررسی کرد و همچنان ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی را به این مصوبه‌ی اصلاحی وارد دانست.

آقای جنتی - پس ادامه‌ی بررسی این مصوبه مراعا باشد تا کارشناس بیاید و آن را روشن کند.

آقای علیزاده - وقت اظهار نظر در مورد این مصوبه که نمی‌گذرد.

آقای ره‌پیک - نه، وقت دارد.

آقای علیزاده - ولی این مصوبات دیگر وقت برای اظهار نظر ندارد. باید آنها را بررسی کنیم. اگر آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] به مواد دیگر این اساسنامه اشکالات شرعی دارند، بفرمایید. آقایان فقها، اگر اشکالات دیگری به این اساسنامه دارید آنها را بفرمایید.

آقای ره‌پیک - این اشکال در مورد آن اساسنامه‌ی منطقه‌ی آزاد چابهار هم هست.

آقای علیزاده - بله، حالا آن اساسنامه را بیاورید تا ببینیم چیست. اشکالات مواد بعدی این اساسنامه‌ی قشم را بفرمایید.

آقای ره‌پیک - ما به این اساسنامه اشکال انحلال داشتیم که قبلاً شما ایراد نگرفتید.^۱

آقای شب‌زنده‌دار - آن ماده (۷) این اساسنامه هم یک اشکال تذکری دارد.

آقای جنتی - از بررسی این اساسنامه بگذریم؛ مصوبه‌ی بعدی را بیاورید تا بررسی کنیم.

آقای ره‌پیک - به غیر از اینها، فقط چند تا نامه‌ی استعمال دیوان عدالت اداری در دستور جلسه دارید.

آقای علیزاده - نه، یک اساسنامه‌ی دیگر هم داریم.

آقای ره‌پیک - اساسنامه‌ی چابهار هم در دستور هست. آن هم همین اشکال مغایرت با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی دارد که مشابه همین اشکالی است که به این اساسنامه‌ی قشم داریم؛ آن هم درباره‌ی سرمایه‌گذاری است.

آقای علیزاده - پس بررسی آن را هم بگذارید برای هفته‌ی دیگر که ان‌شاءالله آن دو اساسنامه را یک‌جا بررسی کنیم؛ چون واقعش این است که الآن این ایراد به این اساسنامه‌ها مشکوک است.

آقای ره‌پیک - حالا باز هم در مورد این موضوع بررسی بیشتری می‌کنیم.^۲

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۲۲-۲۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/RembZ

۲. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان ادامه یافته است.

قانون از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ با پیش‌بینی در قوانین بودجه سنواتی تأمین می‌شود. دولت مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید که در سال ۱۳۹۳ به تناسب منابع پیش‌بینی شده در جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور بیکاران متقاضی کار در کشور بر اساس اولویت‌های زیر از بالاترین امتیاز، تحت پوشش قرار گیرند و به تدریج در صورت پیش‌بینی در قانون بودجه سال‌های بعد اجرای مقررات این قانون به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد.^۲ همه‌ی این احکام، از قبل بوده است و با وجود همه‌ی اینها، ما به آن احکام ایراد گرفته بودیم. البته الآن مجلس یک چیزهایی را هم از مصوبه کم کرده است.

آقای یزدی - اشکال اصلی، چه بوده است؟

آقای علیزاده - اشکال اصلی ما این بود که این مصوبه را که شما تصویب کرده‌اید، بار مالی دارد و منابع پیش‌بینی شده در این مصوبه، بار مالی آن را تأمین نمی‌کند. گفتیم به هر حال، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است. حالا کمیسیون آمده است و می‌گوید با پیش‌بینی در بودجه‌ی سنواتی تأمین بار مالی شود. ما قبلاً گفتیم این کار، رفع اشکال نمی‌کند؛ قبلاً اصل (۷۵) را تفسیر کردیم که «با پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، اشکال اصل (۷۵) برطرف نمی‌شود.^۳ حالا کمیسیون آمده است و عین همان عبارات «با پیش‌بینی در بودجه سنواتی» را آورده است و هیچ منبعی را برای جبران بار مالی اضافه نکرده است.

آقای مدرسی یزدی - از منابع پیش‌بینی شده‌ی قبلی، کم هم کرده است.

آقای علیزاده - بله، از منابع، کم هم کرده‌اند. این چیزی که ما خواندیم، این است. دیگر بیش از این، چیز دیگری نیست.

۲. همان‌طور که در شناسنامه‌ی این مصوبه گفته شد، این مصوبه، مصوبه‌ی کمیسیون اجتماعی مجلس است که به صورت غیر رسمی برای اظهار نظر شورای نگهبان ارسال شده است تا اگر این شورا، آن را مغایر با قانون اساسی ندانست، برای طرح در صحن علنی و تصویب نمایندگان، به مجلس ارائه شود.

۳. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی» به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

آقای علیزاده - این اشکالی را که ما به مصوبه‌ی سابق مجلس [مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱] گرفته بودیم بخوانید تا ببینیم این‌جوری که الآن [کمیسیون اجتماعی مجلس] آن را اصلاح کرده [و به صورت غیر رسمی برای ما فرستاده است]، ایرادش برطرف شده است یا خیر.

منشی جلسه - اشکال ما [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۴] این بوده است: «صدر ماده (۳۲) اشکال عبارتی دارد؛ زیرا مفاد آن القاء‌کننده این مطلب است که بار مالی مصوبه از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها تأمین می‌گردد، علت اضافه نمودن عبارت همچنین نود درصد (۹۰٪) درآمد حاصل از دریافت خسارات ... روشن نمی‌باشد. به هر حال و علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، ماده مذکور مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای علیزاده - ما گفته بودیم که به هر حال، مصوبه‌ی مجلس خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ یعنی گفتیم با اینکه آن قیود را هم آورده‌اند و مصوبه‌ی خود را اصلاح کرده‌اند، باز خلاف اصل (۷۵) است. الآن اگر موافقت بکنید، کمیسیون اجتماعی مجلس آمده است مصوبه را این‌طوری اصلاح کرده است؛ یعنی [اگر شما با این اصلاحیه موافقت بکنید] می‌خواهند آن را این‌طوری [به صحن مجلس بفرستند و] تصویب بکنند. گفته‌اند: «ماده ۳۲- منابع مورد نیاز اجرای این

۱. ماده (۳۲) طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار مصوب ۱۳۹۳/۴/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده (۳۲) (۱۲) (جدید) و تبصره (۱) آن به شرح زیر اصلاح و تبصره (۲) آن حذف می‌شود و جدول امتیازات و بندهای (الف) و (ب) ذیل آن ابقاء می‌گردد:

ماده ۳۲- منابع مورد نیاز اجرای این قانون، با پیش‌بینی در قوانین بودجه از محل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمدهای موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تأمین می‌شود. همچنین نود درصد (۹۰٪) درآمد حاصل از دریافت خسارات و جریمه‌های ناشی از اشتغال اتباع خارجی بدون مجوز و کودکان و نوجوانان کمتر از پانزده سال و کمک‌های مردمی و سازمان‌های حمایتی داخلی و خارجی مانند بانک جهانی برای این منظور اختصاص می‌یابد.

تبصره- دولت مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید که در سال (۱۳۹۳) به تناسب منابع پیش‌بینی شده در جزء (۴) بند (ب) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال (۱۳۹۳) کل کشور، بیکاران متقاضی کار در کشور بر اساس اولویت‌های زیر، از بالاترین امتیاز تحت پوشش قرار گیرند و به تدریج در صورت پیش‌بینی در قوانین بودجه سال‌های بعد، اجرای مقررات این قانون به کلیه افراد واجد شرایط تعمیم یابد. پرداخت کمک هزینه بیکاری با در نظر گرفتن اولویت‌های زیر آغاز می‌شود و سپس به سایر بیکاران متقاضی کار تسری می‌یابد.»

آقای مدرسی یزدی - ایراد این طرح بیمه‌ی بیکاری که این‌طوری حل نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - باز هم همان عبارات را نوشته‌اند: «به تدریج در صورت پیش‌بینی در قانون بودجه سال‌های بعد».

آقای علیزاده - بله، همین‌طور است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - کماکان، اشکال باقی است.

آقای ابراهیمیان - با این اصلاحات، ایراد این مصوبه، درست شدنی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، باید اصل بیمه‌ی بیکاری را حذف کنند.

آقای علیزاده - مجلس به اصطلاح خواسته است که ببیند که نظر آقایان اعضا در شورای نگهبان چیست.

آقای ره‌پیک - مجلس در همین قانون بودجه‌ی امسال، بیست هزار میلیارد ریال (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) برای همین بیمه‌ی بیکاری گذاشته است؛ دولت همین اعتبار مصوب را هم برداشته است و به یارانه‌های نقدی داده است.^۱

آقای علیزاده - حالا ان‌شاء‌الله ببینیم چه می‌شود.^۲

۱. تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۲۱ -

در اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۳ منابع مالی حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور و منابع یارانه‌ای آن را با استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی و خدمات بیمه‌ای بین خانوارهای هدف و نیازمند توزیع و با اولویت بخش تولید، به شرح زیر اجراء نماید:

الف - ...

ب- منابع مندرج در بند (الف) و منابع مربوط به یارانه نان، برق و سایر کالاها و خدمات مندرج در این قانون به شرح زیر هزینه می‌گردد:

۱- ...

۴- مبلغ بیست هزار میلیارد (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار موضوع ماده (۷) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در مورد پوشش‌های بیمه‌ای و حمایت‌های اجتماعی اختصاص می‌یابد.»

۲. شورای نگهبان نسبت به مصوبه‌ی فوق که به صورت غیر رسمی به این شورا ارسال شده بود، اظهار نظر رسمی نکرده است.